

اردی‌یل در عصر

صفویه رؤف موسوی



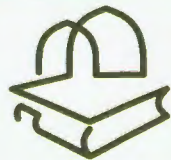
۱
۳۶

اردو در عصر صفوی

رفیع موسوی



شابک ۸-۳۹-۶۸۲۲-۹۶۴
ISBN 964-6822-39-8



انتشارات
شیخ صفی الدین اودہ پبلیش

قیمت ۳۰ مان

اردبیل
در
عصر صفویه

۷۹۶۳۰

نگارش:
رئوف موسوی



مجلس شورای اسلامی ایران
دفتر مطبعه و نشر

تلفن ۲۲۳۴۶۸۳، دورنویس ۳۳۳۹۶۷۶ کد ۴۵۱۰

نام کتاب	● اردبیل در عصر صفویه
مؤلف	● رشوف موسوی
ناشر	● انتشارات شیخ صفی الدین
حروفچینی	● انتشارات شیخ صفی الدین
طراحی روی جلد	● شیخ صفی الدین
تیراژ	● ۲۰۰۰ جلد
نوبت چاپ	● اول - زمستان ۷۹
لیتوگرافی	● تبریز اسکندر
چاپ	● روز
صحافی	● سبلان

۱۳۸۰

فهرست مطالب

۱.....	مقدمه
۴.....	منابع و مآخذ اصلی پژوهش
۱۴.....	فصل اول : نگاهی به شهر اردبیل
۱۵.....	موقعیت جغرافیای طبیعی اردبیل
۱۷.....	ریشه واژه اردبیل Ardabil
۱۹.....	جغرافیای تاریخی اردبیل
۲۲.....	دارالارشاد یا دارالامان
۲۵.....	شیخوندیه
۳۱.....	فصل دوم : اوضاع اجتماعی، فرهنگی و مذهبی و اقتصادی
۳۲.....	خاستگاه اولیه صفویه در اردبیل
۳۴.....	وضع اجتماعی سیاسی اردبیل در زمان صفویه
۳۵.....	مردم اردبیل
۳۶.....	زبان مردم
۳۸.....	مذهب

۴۰	 اخلاق و عادات و رسوم
۴۵	 اقتصاد و تجارت
۴۷	 کتابخانه اردبیل در زمان صفویه
۵۲	 تعلیم و تربیت
۵۳	 آداب طریقت و تشکیلات طریقت در زمان صفویه
۵۴	 فصل سوم: اردبیل از دیدگاه سیاحان و مورخین
۵۵	 سفرنامه‌ها
۵۶	 امیر محمود خواندمیر
۵۷	 ویلیام ماندلسلو
۵۹	 ژان باتیست تاورنیه
۶۰	 ابودلف مسعر بن مهلهل ینبوعی
۶۱	 آدام اولتاریوس
۶۴	 دلاواله پیترو
۶۶	 حمدالله مستوفی
۶۷	 فصل چهارم - دانشمندان، نویسندگان و شاعران اردبیل
۶۹	 ظهیرالدین کبیرالدین اویس قاضی‌زاده اردبیلی
۷۰	 حسین بن شرف‌الدین عبدالحق اردبیلی (کمال‌الدین اردبیلی)
۷۱	 شیخ احمد بن محمد اردبیلی (آیت‌الله مقدس اردبیلی)
۷۴	 حسین بن موسی اردبیلی
۷۵	 امیرالدین ملا درویش اردبیلی
۷۶	 سید محمد طاهر اردبیلی
۷۷	 شیخ حسین حسینی اردبیلی

۷۸	شاه اسماعیل صفوی «خطایی»
۸۰	بانو باغبان اردبیلی
۸۱	نواب پریخان صفوی
۸۲	بزمی اردبیلی
۸۳	تزریقی اردبیلی
۸۴	عیشی اردبیلی
۸۵	بدیع الزمان بدیعی اردبیلی
۸۶	ملا حیدر علی خلف مسیح‌الله فائض اردبیلی
۸۷	علیقلی خان ماهر اردبیلی
۸۸	شیخ صفی‌الدین اردبیلی
۹۰	فصل پنجم: آثار و بناهای تاریخی اردبیل در زمان صفویه
۹۲	الف - مجموعه بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی
۹۵	بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی
۱۰۱	رواق یا قندیلخانه
۱۰۴	شاه‌نشین
۱۰۶	فرمان شاه طهماسب
۱۰۸	مقبره شیخ صفی‌الدین یا گنبد‌الله‌الله
۱۱۱	مقبره شاه اسماعیل
۱۱۳	حرمخانه
۱۱۶	چینی‌خانه
۱۱۹	شهدگاه
۱۲۱	ب - امامزاده‌های اردبیل

۱۰۶	پ - حمامهای اردبیل در زمان صفویه
۱۰۹	ج - پلهای اردبیل در زمان صفویه
۱۱۱	چ - بازارهای اردبیل در زمان صفویه
۱۱۳	د - دروازه‌های اردبیل
۱۱۴	نتیجه‌گیری
۱۱۶	- منابع و مآخذ
۱۱۷	منابع و مآخذ مورد استفاده
۱۲۴	نشریات مورد استفاده

«بنام او که از اندیشه‌ها برتر و بالاتر است»

— مقدمه :

حمد و ثنای بی‌غایت و سپاس بی‌نهایت بر آن حیّ ازلی و قیوم لم یزلی که حیات و وجود هر موجود رشحه‌ای از رشحات بحار وجود اوست. آن که بر دامن قبای بقایش گرد فنا ننشیند و آستین خلوت ما سوای او را هیچ احدی بی‌طراز عدم نبیند چرا که «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَ يَبْقَىٰ وَجْهٌ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَ الْاِکْرَامِ»

اردبیل جزیری از ایران زمین است که همیشه در تاریخ این کشور، پایگاه و جایگاه مهمی چه قبل از اسلام و چه بعد از اسلام به ویژه بعد از اسلام، خصوصاً در زمان صفویان داشته است و توانسته در تاریخ ایران، نام و آوازه بسیار بلندی را برای خود به جای بگذارد و این نام و خاطره در ذهن تمام ایرانیان هست و خواهد بود. باری که شهر تاریخی و باستانی اردبیل به استناد تاریخ قدمت آن به بیش از سی قرن می‌رسد، در زمان صفویه دوره مجد و علاء را پیموده است ولی چون هر کمالی را نقصی محتمل و هرفرازی را نشیبی ممکن است، لذا شهر اردبیل نیز سیر قهقرایی خود را پیموده و به وضع کنونی درآمده است.

با این وصف، پژوهش فوق به خاطر عشق و علاقه وافر به زادگاه خویش انجام گرفته، چرا که سالها در پی آن بودم که دین خود را نسبت به سرزمین و شهر مادری خود انجام دهم و این رساله بهانه‌ای شد تا قطره‌ای از دین خود را به شهر خویش

ادا نمایم.

هدف کلی این پژوهش مطالعه و شناخت اوضاع اردبیل در زمان صفویه می‌باشد و سعی شده سیمای اردبیل را آنطور که بوده بررسی شود و به همین منظور تحقیق فوق در قالب وضعیت آن زمان انتخاب شده است بدین ترتیب هدف کلی طرح شامل موارد زیر می‌باشد :

۱- نگاهی به شهر اردبیل

۲- اوضاع اجتماعی، فرهنگی و مذهبی و اقتصادی اردبیل

۳- اردبیل از دیدگاه جهانگردان

۴- دانشمندان، نویسندگان و شاعران اردبیل

۵- آثار و بناهای تاریخی اردبیل

لازم به توضیح است که در راستای اهداف کلی طرح اهداف اختصاصی هم در نظر گرفته شده است.

منابع و مآخذ اصلی پژوهش

- صفوة الصفا

این کتاب که مربوط به زندگانی و کرامات شیخ صفی‌الدین اردبیلی فرزند شیخ امین‌الدین جبرئیل، مجموعه‌ای است که در زمان شاه طهماسب اول فرزند شاه اسماعیل اول، توسط ابوالفتح حسینی از روی نسخه خطی دیگری که نویسنده آن درویش توکل بن اسماعیل، مشهور به ابن بزاز اردبیلی بوده است نوشته شده است، ظاهراً سالهای تنظیم آن ۷۵۰ تا ۷۵۹ ه. ق بوده است. ابن بزاز در کتاب خود به اصل و نسب صفویه، مذهب صفویه و جغرافیای اردبیل و اقتصاد و مسائل اجتماعی و سیاسی دیگر پرداخته و اطلاعات مهمی را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد.

- عالم آرای عباسی

این کتاب یک تاریخ عمومی است و مربوط به خاندان صفوی، خصوصاً سلطنت شاه عباس اول پنجمین پادشاه صفوی که مدت ۴۴ سال حکومت کرد و در سن ۶۰ سالگی در سال ۱۰۳۸ ه. ق وفات یافت. نویسنده این اثر اسکندر بیک منشی ترکمان است که منشی در بارشاه عباس اول بوده است و از آن به بعد تا سال ۱۰۳۸ ه. ق به صورت ذیل عالم آرا ادامه یافت.

عالم آرای عباسی به دو بخش تقسیم می‌شود، بخش اول در شرح وقایع سی سال اول سلطنت شاه عباس و بخش دوم شامل وقایع دورانی است که از سال ۱۰۲۵ ه. ق شروع شده، پایان آن سال ۱۰۳۸ ه. ق سال درگذشت شاه عباس اول می‌باشد. این اثر حاوی اطلاعات سودمندی در خصوص رویدادهای نظامی، زندگینامه بسیاری از بزرگان آن عصر و طرز وصول مالیاتها، انواع مالکیت ارضی، قبایل چادرنشین است و در خصوص بزرگان اردبیل و قبایل موجود در آن عصر در اردبیل و زندگینامه بزرگان

اردبیلی اطلاعات مفیدی را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد و این کتاب از منابع معتبر و دست اول به شمار می‌آید.

- روضة الصفویه

نویسنده این اثر میرزاییک بن حسن حسینی گنابادی است که تألیفش را در سال ۱۰۳۵ ه. ق آن را به اتمام رسانیده است. تاریخ مذکور وقایع سلطنت خاندان صفوی از ابتدا تا سال اول سلطنت شاه صفی است. میرزاییک بن حسن حسینی گنابادی ابتدا به فلسفه و شعر می‌پرداخت ولی بعد به وقایع نگاری روی آورد. روضة الصفویه که وقایع خاندان صفوی از ابتدا تا سلطنت شاه صفی را دربرمی‌گیرد با جمله ذیل آغاز می‌شود: «ذكر بعضی اوصاف شهنشاه مضممار مصاف المستغفر من الکریم الجلیل سلطان شاه اسماعیل...»

به هر ترتیب این کتاب مشتمل است بر حوادث تاریخی سلسله صفویه تا آغاز سلطنت شاه صفی الدین اردبیلی است و در مورد حوادث تاریخی اردبیل و شکل‌گیری سلسله صفویه در اردبیل می‌توان از آن استفاده شایانی نمود. این اثر خطی هنوز به چاپ نرسیده است.

نسخه خطی این کتاب در موزه بریتانیا است و نسخه اصلی این اثر در کتابخانه صنیع‌الدوله در تهران موجود می‌باشد.

- حبیب السیر

این کتاب که یک تاریخ عمومی است توسط خواجه هماد الدین محمد بن خواجه جلال‌الدین بن برهان الدین محمد شیرازی معروف به خواندمیر در سال ۹۴۱ ه. ق نوشته شده است ولی مورخ و وقایع نگار مشهور قرن دهم هجری عصر شاه اسماعیل اول صفوی است. خواندمیر در اواخر سال ۹۴۲ ه. ق در هندوستان وفات یافت و در مقبره امیر خسرو دهلوی به خاک سپرده شد. حبیب السیر بنا به درخواست یکی از

بزرگان هرات تهیه و تنظیم شد. جلد چهارم این اثر مربوط است به سلطنت شاه اسماعیل اول صفوی و سلسله ترکی آق قوینلو است. از این کتاب می‌توان برای مطالب سیاسی و اجتماعی صفویه استفاده شایانی نمود. همچنین جهت مطالعه پیدایش سلسله صفویه و رویدادهای آغازین سلسله صفویه در اردبیل تا درگذشت شاه اسماعیل صفوی می‌توان اطلاعات مفید و مناسبی را بدست آورد.

- معجم البلدان

شهاب‌الدین عبدالله یاقوت بن عبدالله رومی یکی از مشهورترین جغرافی‌نویسان اسلامی است که در سال ۵۷۵ هجری در یکی از شهرهای روم بدنیا آمد. یاقوت همچنین یکی از دانشمندان بزرگ اسلامی است که در تاریخ و ادب و لغت استاد مسلم بوده است. هنگامی که در حلب اقامت داشت با وزیر امیر آنجا یعنی قاضی اکرم جمال‌الدین ابوالحسن علی قفطی مورخ معروف آشنا شد و شاهکار خود یعنی معجم‌البلدان را که مقدمات آن را در مرو فراهم کرده بود بر اثر مساعدت آن وزیر دانش‌دوست در سال ۶۳۱ ه. ق به پایان رسانید. یاقوت در این کتاب به ترتیب الفبایی اسامی جغرافیایی شهرها را تنظیم نموده است. در این کتاب مجموعه جالبی از اطلاعات تاریخی و مباحث نژادی و علوم طبیعی است که یاقوت آن را جمع‌آوری نموده است و در خصوص جغرافیای اردبیل از قبیل نام شهرها، کوهها، دره‌ها و دریاها و غیره اطلاعات گرانمایی را به پژوهشگران می‌دهد بعنوان نمونه در این اثر آمده:

«اردبیل از مشهورترین شهرهای آذربایجان بوده و پیش از اسلام کرسی ناحیه بود. بنای شهر اردبیل به فیروز ساسانی برمی‌گردد.»

در قسمت دیگر کتاب آمده:

«اردبیل مشهورترین شهر آذربایجان و قبل از فتح اسلامی دارالحکومه آن بود شهر بزرگی است در سنه ۶۱۷ ه. ق این شهر را دیدم در فضایی از زمین که بسیار وسعت

دارد واقع شده است در خارج و داخل شهرانهارکثیر المیاه بسیار است ...»

فوائد الصفویه

این کتاب تألیف ابوالحسن قزوینی از منابع که در سال ۱۲۱۱ هـ. ق تألیف شده است و آگاهیهای مفیدی درباره خاندان و موقعیت شیخ صفی الدین به دست می دهد. این کتاب همچنین به خاندان صفوی پس از سقوط دولت صفویه می پردازد و سلاطین و امرای صفوی را که برخی در هندوستان زندگی می کردند، بیان می نماید. همچنین در این کتاب مستقیماً به منشأ خاندان صفویه نمی پردازد اما اطلاعات جامعی در خصوص موقعیت شیخ صفی و اسلاف شیخ صفی الدین اردبیلی می دهد بطوری که در قسمتی از کتاب آمده است:

«... فیروز شاه که حکومت اردبیل را به امر شاه وقت بدست آورد، وی مردی متمول و صاحب ثروت و مکنت بود و از صامت و ناطق حظ عظیم داشت و به سبب کثرت مواشی خود و حواشی که داشت، کنار بیشه گیلان مقامی که او را رنگین خوانند که معلف قوی است، اختیار کرد و مدت حیات خود آنجا بود.»

- سلسله النسب صفویه

این کتاب تألیف شیخ حسین پسر شیخ ابدال پیرزاده زاهدی، که در عهدشاه سلیمان صفوی نوشته شده است. شیخ ابدال یکی از اعقاب شیخ زاهد گیلانی بود و در اثر خود اطلاعات جامعی در خصوص اصل و نسب صفویه و زندگینامه اسلاف این سلسله ارائه می دهد. در قسمتی از کتاب آمده که دودمان صفویه از فرزندان امام موسی کاظم (ع) امام هفتم شیعه و از آن طریق منتسب به علی (ع) اولین امام شیعه هستند. در این اثر در خصوص اسلاف شیخ صفوی در اردبیل اطلاعات خوبی را در اختیار پژوهشگران قرار می دهد به طوری که بهترین نمونه آن در مورد ملاقات خواجه علی با تیمور در اردبیل است که آمده است:

«تیمور پس از فتح ولایت روم در بازگشت در اردبیل به ملاقات شیخ خواجه علی میرود و همان گونه که شیخ خود در ملاقات دزفول پیش‌بینی کرده بود او را مجبور به نوشیدن جام زهری می‌کند. شیخ زهر را می‌نوشد و مریدان وی به ذکر گفتن مشغول می‌شوند و خواجه علی به سماع مشغول می‌شود بدان حد که زهر از بدن وی به علت تعرق خارج می‌شود. تیمور شیفته و معتقد به شیخ خواجه علی می‌شود و کلیه اسیران رومی را که به عنوان غنائیم جنگی به همراه خود داشته است به خواجه علی می‌بخشد. به فرمان خواجه علی منازلی برای سکونت آنان در مجاور محل زندگی شیخ تعیین می‌شود و نسلهای بعدی ایشان به صوفیان روملو مشهور می‌گردند.»

- احسن التواریخ

این کتاب چندین جلدی تألیف حسن بیگ روملو است که فقط جلدهای یازده و دوازده باقی مانده است. مجلد آخر آن حاوی وقایع سالهای ۹۰۰ تا ۹۸۳ ه. ق است و حوادث دوره اسماعیل اول و طهماسب اول را دربردارد. با توجه به اینکه این اثر رویدادهای هر سال را ذیل اتفاقات هر سال و نه ذیل موضوعات طبقه‌بندی کرده است، گزارش کاملی از سالهای مور - بررسی به دست می‌دهد. در این اثر در خصوص اردبیل هم اطلاعات مبسوط و سودمندی از شرح حال رجال سیاسی، فقیهان، دانشمندان و شاعران اردبیلی ارائه می‌دهد.

- خلاصه السیر

این کتاب ارزشمند محمد معصوم بن خواجگی اصفهانی از منابع بسیار مهمی است که دوران حکومت شاه صفی را شرح می‌دهد با توجه به منابع کمتری که از این مقطع تاریخی بدست آمده است، ارزش این کتاب بیشتر روشن می‌شود. همچنین برای آگاهی از سرگذشت شاهان و امیران صفوی منبع مهمی وجود دارد که قابل ذکر است. بطور کلی در این کتاب می‌توان در خصوص سلاطین و حوادث دوران سلطنت شاه

صفی‌الدین اردبیلی اطلاعات مفید و مناسبی را کسب نمود. این کتاب توسط آقای دکتر قنادی تصحیح انتقادی شده است و ضمیمه‌ای به آن اضافه شده تحت عنوان بیژن، تاریخ صفوی خوان که آن نیز توسط ایشان تصحیح شده است.

- خلاصه التواریخ

قاضی میراحمد بن شرف‌الدین حسین حسینی معروف به «میرمنشی قمی» مؤلف کتاب پنج جلدی «خلاصه التواریخ» است که در حال حاضر تنها جلد پنجم آن در دست می‌باشد. این مجلد مشتمل است بر شرح احوال و سلسله نسب سلاطین صفویه و حوادث ۹۳ سالة آن سلسله، از بدو تأسیس تا دومین سال سلطنت شاه عباس اول که مؤلف در دیباچه کتاب به درج منابع و مآخذ خود مبادرت کرده است. مطالب کتاب در ارتباط با سلسله صفوی مفید و از مآخذ معتبر به شمار می‌رود. همچنین در این اثر در خصوص اردبیل می‌توان شرح احوال و سلسله نسب سلاطین صفویه در اردبیل را یافت. خلاصه التواریخ توسط استاد ارجمند آقای دکتر احسان اشراقی تصحیح و چاپ انتقادی شده است.

- سفرنامه ژان باتیست تاورنیه

ژان باتیست تاورنیه سیاح فرانسوی که در سال ۱۶۰۵ م در پاریس متولد شد وی فرزند گابریل تاورنیه جغرافیادان بود. در اوان جوانی علاقه بسیار به سفر پیدا کرد او هنگامی که بیش از ۱۵ سال نداشت خانه پدر را به قصد مسافرت و گردش ترک کرد نخست در اروپای غربی و مرکزی به سیر و سیاحت پرداخت و تا لهستان رفت و سپس به ترکیه سفر کرد و در سال ۱۶۳۲ م به ایران آمد و پس از مراجعت به پاریس به عنوان بازرگان به هندوستان رفت و به سال ۱۶۴۲ م به فرانسه بازگشت و چهار بار دیگر به کشورهای آسیای جنوبی مسافرت کرد و به سال ۱۶۶۸ م، پس از مسافرت به دماغه امیدنیک با ثروت زیادی به فرانسه بازگشت و مورد توجه و لطف لویی چهاردهم

فرانسه قرار گرفت و به مقام بارونی نایل گشت و به انتشار سفرنامه خود پرداخت ولی در عین حال از امور بازرگانی کناره نگرفت وی به سال ۱۶۸۹ م هنگامی که عازم سفری به آسیا برای بازرگانی بود در مسکو وفات یافت. در سیاحتنامه‌هایش از اوضاع ممالک عثمانی و ایران و هند مطالب جالبی آورده است.

تاورنیه در کتاب خود در بخش مربوط به ایران چگونگی مسافرت خود را از تبریز به اردبیل پرداخته سپس در خصوص شهر اردبیل و کوه سبلان و اراضی زیرکشت اردبیل و مسجد شاه صفی مطالب جالبی را آورده است. به عنوان نمونه در این کتاب آمده است که :

«اردبیل بزرگترین و مهمترین بازار پارچه‌های حریر به شمار می‌رفت ... قوافل تجارت ابریشم که گاهی به هشتصد و نهصد شتر می‌رسد، در شهرت شهر اردبیل بی‌تأثیر نمی‌باشند. شهرت اردبیل تنها به واسطه مقابر سلطنتی نیست بلکه تجارت ابریشم بیشتر در اشتهار این شهر مدخلیت دارد و علاوه همه قسم مال التجاره به حدّ وفور در آنجا یافت می‌شود ...»

در قسمت دیگر کتاب نیز آمده است که :

«... میدان شهر اردبیل بزرگ است و طولش بیشتر از عرض و یک کاروانسرای قشنگی که خان اردبیل بنا کرده در یک طرف میدان، بنا و واقع شده است کاروانسراهای دیگر هم در سایر نقاط شهر هست که همه خوب و راحت‌اند و در اطراف آنها باغات خوب واقع شده خصوصاً باغ شاه که شروع می‌شود از یک خیابان طولانی با چهار ردیف درخت تا به درب مدخل آن می‌رسد.»

- سفرنامه آدام اولئاریوس

آدام اولئاریوس، یکی از جهانگردان اروپایی است که در عصر صفویه به ایران سفر کرده و مدتی را به سیر و سیاحت در شهرها و نقاط مختلف ایران گذرانیده است و به

مدت دو ماه نیز در دارالارشاد اردبیل اقامت داشته است. او شرح دیده‌ها و شنیده‌های خود را در کتابی به نام «سفرنامه اولثاریوس» گرد آورده است که این کتاب در سال ۱۳۶۹ ه. ش به فارسی ترجمه و در دو جلد منتشر شده است. در جلد دوم این کتاب ۲۲ صفحه به معرفی شهر اردبیل، آثار تاریخی و مراسم و آداب مردم آن اختصاص یافته است. به طور کلی در این سفرنامه اولثاریوس در خصوص شهر اردبیل نوع رفتار مردم و بقعه شیخ صفی‌الدین و مراسمات مذهبی و جشنهای مردم شهر اردبیل مطالب مفصلی را ایراد نموده است. بعنوان نمونه در این کتاب آمده است که :

«... اردبیل که ترکها آن را اردویل گویند در نقشه‌های جغرافیایی به غلط اردونیل خوانده شده است این شهر در سرزمین آذربایجان واقع شده که در زمانهای دیرین ساتراپنه نام داشته است. اردبیل شهر قدیمی و نزد ایرانیان معروف است از یک سو به سبب اینکه شاهان گذشته به ویژه رهبر مذهبی آنان شیخ صفی در آنجا اقامت داشته‌اند.»

همچنین در قسمت دیگر این اثر آمده است که :

«... در اردبیل به سبب وجود هوای سرد، نه شراب، نه هندوانه، نه خربزه و نظایر آن به دست نمی‌آید و نه مرکبات، ولی سیب و گلابی به وفور کشت می‌شود درختان اواخر ماه آوریل به شکوفه می‌نشینند، دیگران درختان، زیر کوهها که هوا گرمتر است پرورش می‌یابند.»

- سفرنامه پیترو دل‌واله

پیترو دل‌واله جهانگرد ایتالیایی، حین سفر دور و دراز خود، در عصر شاه عباس کبیر، وارد ایران شده و مدتی نسبتاً طولانی به همراه شاه صفوی و درباریان در شهر اردبیل به سربرده است و ثمره این سفر تألیف کتابی بنام سفرنامه پیترو دل‌واله است که آن هم در پنج جلد می‌باشد. در بخشهایی از مجلدات چهارم و پنجم دل‌واله به شرح

مشاهدات خود از شهر اردبیل پرداخته است و در این بخش به جغرافیای طبیعی اردبیل و بافت شهر و مساجد شهر و اعتقادات مردم اردبیل پرداخته است. بعنوان نمونه در این اثر آمده است که :

«... در شهر اردبیل نهرهای بزرگ در بیشتر کوچه‌ها جاری است و این نهرها ظاهراً، از رودخانه کوچکی که از کوه سیلان سرچشمه می‌گیرد منشعب می‌شوند به همین سبب اردبیل با شهر وتیسا بی‌شابهت نیست در این نهرها نیز ماهی قزل‌آلا فراوان و بقدری لذیذ است که من نظیر آن را پس از ترک گفتن اسکندریه مصر نخورده بودم.»

در قسمت دیگر کتاب نیز آمده است که :

«بر در آرامگاه شیخ صفی‌الدین زنجیرهای بزرگی از چپ به راست و از بالا به زیر آویخته بودند. هر جنایتکار و محکومی که دستش به این زنجیرها می‌رسید، می‌توانست خویشتن را به بیرون محوطه آرامگاه اندازد، از هرگونه آسیبی درامان می‌ماند و هیچ‌کس، حتی شخص شاه نیز، نمی‌توانست به جان وی گزند برساند، یا او را به زور از آنجا بیرون آورد، به همین سبب بسیاری از این گونه مردم برای حفظ جان خویش به اردبیل می‌رفتند و خویشتن را به رضای خاطر در آنجا محبوس می‌کردند.»

فصل اول

نگاهی به شهر اردبیل

- موقعیت جغرافیایی و طبیعی اردبیل
- ریشه واژه اردبیل
- جغرافیای تاریخی اردبیل
- دارالارشاد یا دارالامان
- طایفه شیخاوند
- تاریخچه شهر اردبیل

- موقعیت جغرافیائی و طبیعی اردبیل :

استان اردبیل در شمال باختری ایران واقع شده است. که از شمال به جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان ، از خاور به جمهوری آذربایجان و استان گیلان ، از باختر به استان آذربایجان شرقی و از جنوب به استان زنجان محدود می‌شود. اردبیل به عنوان بزرگترین شهر ، مرکز استان اردبیل است که در ۱۷° و ۴۸° درجه طول شرقی و ۱۵° و ۳۸° درجه عرض شمالی واقع شده است. ارتفاع آن از سطح دریا ۱۲۶۳ متر و تا کوه سبلان ۴۰ کیلومتر می‌باشد. اردبیل در فلاتی دایره شکل میان دو رشته کوه «سبلان» و «باغرو» واقع است که شهرستانهای خلخال در شرق این شهر و آستارا در شمال و مشگین شهر در غرب آن و سراب که قبلاً از بخشهای اردبیل بود در جنوب غربی آن قرار دارند.^(۱)

هوای اردبیل بسیار سرد بوده بطوری که در زمستان گاهی به کمتر از ۲۶ درجه زیر صفر می‌رسد همچنین کمترین درجه در دی ماه بطور متوسط ۲ درجه زیر صفر بوده و بیشترین آن در تیر ماه که بطور متوسط ۱۸/۷ درجه می‌باشد و روزهای یخبندان در سال بطور متوسط ۱۰۴ روز می‌باشد.^(۲)

در اردبیل دو نوع باد موسمی بنامهای «مه» و «گرمیج» وجود دارد که باد مه معمولاً از طرف شرق و شمال به سوی غرب می‌وزد و غالباً موجب بارندگی می‌گردد و باد گرمیج هم معمولاً از طرف غرب و شمال به سوی شرق می‌وزد و وزش این باد موجب گرد و غبار می‌شود. بنابراین با وجود نزدیکی اردبیل به دریای خزر میزان بارندگی آن زیاد نیست و حد متوسط بارندگی آن در سال ۳۸۹ میلیمتر بوده و رطوبت سالانه آن

۱ - دانشنامه ایران و اسلام ، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی ، ج ۱۱ ، انتشارات علمی و فرهنگی ، تهران ، ۱۳۷۰ ، ص ۱۴۷۹.

۲ - رزم‌آرا ، سرتیپ - فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳ ، انتشارات ستاد ارتش ، تهران ، ۱۳۳۲ ، ص ۱۱ - ۱۳

بطور نسبی ۷۱/۵ درصد می باشد. از وسط شهر اردبیل رودی بنام «بالخلوچای» یا ماهی رود که از کوه سبلان سرچشمه گرفته و به قراسو که از کوههای باغرو سرچشمه می گیرد می پیوندد. این رود در تابستان و پائیز خشک می شود زیرا آب آن در قسمتهای بالای رود به شعبات متعدد تقسیم شده و به مصرف آبیاری می رسد ولی در زمستان و اول بهار پر آب بوده و گاهی به صورت سیلابی در می آید. همچنین آبهای زیرزمینی در عمق سه تا شش متری واقع شده و بیشتر به مصرف شرب و آبیاری باغچه ها می رسد.^(۱)

۱ - شهبازی شیران ، حبیب ، جغرافیای اردبیل ج اول ، نشر آرتا ، اردبیل ، ۱۳۷۲ ، ص ۳۴.

ریشه واژه اردبیل *Ardabil*

ریشه واژه اردبیل از دو واژه *Ardini* و *lli* گرفته شده است *Ardini* به معنای ایزد خورشید و آفتاب و *lli* به معنای جایگاه است هر دو واژه ریشه اورارتوئی دارد به طوری که واژه‌های ختم شده به *lli* در زبان اورارتو بسیار است که بعنوان نمونه می‌توان *Arqishtilli* یعنی شهر آرگیشتی را نام برد. پس *Ardini* به معنی خورشید که خود مظهر پارسایی و پاکی هم است تناقضی میان دو ریشه وجود ندارد.

واژه معمول به کار رفته برای اردبیل *Arta-ville* است که مرکب از دو لغت «ارت» یا «ارد» و ویل یا بیل است.

ارت *Arta - Art* به معنی درستی و راستی و پاکیزگی و ویل یا بیل *Vill* به معنای شهر و جایگاه را در بر داشته است. قابل ذکر است که در زبان اوستایی *Arta* و اشا *Asha* یک مفهوم و یک ریشه دارند پس طبق گفته‌های بالا نتیجه می‌گیریم که زبان ترکی آذری با زبانهای اوستایی و اورارتو ریشه‌های مشترکی دارد. بعنوان مثال *Ata* در ترکی آذری به معنای پدر است و در اورارتو *Ata* به معنی پدر است و *Ata* در اوستایی به معنی پدر و آتاس می‌باشد.^(۱)

حمدالله مستوفی در کتاب خود نزهةالقلوب در مورد واژه اردبیل آورده است که نام این شهر از دو لغت ارد و بیل که دو دیو حضرت سلیمان پیامبر بودند گرفته شده است.^(۲)

کسروی در مورد واژه اردبیل معتقد است که اصل آن با ارتایل و مرکب از دو بخش آرتا یعنی مقدس و ویل و بیل به معنی شهر دانسته و با این توجیه، معنی آن را شهر مقدس ذکر کرده است. کسروی در جز اول لغت بیان می‌کند که ارد در اول بسیاری

۱ - مجله تماشای زندگی، مقاله ریشه و واژه اردبیل، دکتر سجادیه، شماره ۷ و ۸، ص ۲۳.
۲ - مستوفی قزوینی، حمدالله، نزهةالقلوب، بکوشش محمدبیر سیاقی، تهران، ص ۹۶.

از اسماء اشخاص و امکنه چون اردشیر، اردوان، اردویراف و در اول اسماء امکنه چون اردکان، اردستان و همچنین در اول نام ماه دوم سال اردیبهشت دیده می شود روی ماده ارت و واژه اوستایی اش به معنی درستی و راستی و پاکیزگی است، این کلمه در اول اسماء معنی قدس و پاکیزگی را دربردارد. عضو دوم لغت را کسروی با تفرس به معنی شهر گرفته اند و در ذیل ماده ویل یا بیل می نویسد این کلمه در پارسی معنی ندارد ولی ویلا در لاتین به معنی خانه روستایی است و لغت ویل یا ویلای به صورت حاضر بیل به معنی آبادی درآمده است.

آندراج در فرهنگ خود در مورد ریشه اردبیل می گوید: اردبیل به بای فارسی به معنی پیل خشمگین بود چنانکه اردشیر به معنی خشمگین است.^(۱)

۱ - دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، حروف الف، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۲، ص ۱۶۹۱.

جغرافیای تاریخی شهر اردبیل

اردبیل از شهرهای کهن ایران است بطوری که بسیاری از مورخان اسلامی بنای شهر اردبیل را به فیروز ساسانی (۴۸۳ - ۴۵۹ م) نسبت داده‌اند و از این رونام آن را باذن پیروز، پیروزآباد یا فیروزگرد آورده‌اند.^(۱) اما آنچه از منابع و اسناد برمی آید بنای اردبیل خیلی قدیمی‌تر از زمان فیروز بوده و حتی سابقه آن را به دوره اشکانی هم رسانده‌اند. مولف کتاب نزهةالقلوب بنای آن را به کیخسرو، هشتمین پادشاه کیانی نسبت می‌دهد.^(۲) در شاهنامه فردوسی صفحه ۲۴۱ آمده که کیخسرو پس از فتح دژ بهمن آن را خراب کرد و به جای آن آتشکده آذرگشنسب را برپاساخت. فردوسی در اشعار خود در خصوص اردبیل چنین آورده است:

یکی کار سازم که هر دو زمن	نگیرند کین اندرین انجمن
دو فرزند ما را کنون بردوخیل	بباید شدن بر در اردبیل
به مرزی که آنجا دژ بهمن است	همه ساله پرخاش اهرمن است
به رنج است اهرمن آتش پرست	نباشد بر آن مرز کس را نشست
از ایشان یکی کان بگیرد به تیغ	ندارم از او تخت شاهی دریغ ^(۳)

به طور کلی اردبیل در دوره اشکانی در بین شهرهای آذربایجان ممتاز بوده است. در دوره ساسانی آذربایجان دوکرسی داشته است یکی اردبیل و دیگر گنزک بوده است. خسرو انوشیروان (۵۷۹ - ۵۳۱ م) پس از صلح با پادشاه خزرها اردبیل را مرمت کرد و برای حفظ ایران از حمله‌های قبایل شمال دیواری دگره‌ای معقاز ساخت که آن را در دوره اسلامی باب الابواب و باب الحديد و «دمیرقاپو» می‌گفتند. سکه‌هایی از عهد ساسانی و آغاز عهد اسلامی در دست است که نام دارالضرب آن به پهلوی آرتا

۱ - حموی، یاقوت، معجم البلدان، جلد اول، تهران، ۱۹۶۵ م، ص ۲۴.

۲ - مستوفی قزوینی، حمدالله، نزهةالقلوب، جلد ششم محمد دبیر سیاقی، تهران، ۱۳۳۶، ص ۹۲.

۳ - فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، جلد سوم، ص ۲۴۱.

ARTA ذکر شده که منظور اردبیل می‌باشد.^(۱)

اردبیل در زمان حمله اعراب مقر مرزبان آذربایجان بود و حذیفه بن یمان سردار عرب آن را در سال ۶۴۳/هـ ۲۲م به صلح گشود. پس از چندی حذیفه به دستور عمر عزل شد و عتبه بن فرقد به جای او منصوب گشت، در زمان او مردم اردبیل علیه اعراب شورش کردند. عتبه بن فرقد چون به اردبیل رسید با شورشیان جنگید و بر آنها پیروز شد و غنائم بسیاری از آنان گرفت.^(۲)

در زمان خلافت حضرت علی (ع) ولایت آذربایجان نخست با سعید بن ساریه خزاعی و سپس با اشعث بوده در زمان ولایت اشعث اکثر مردم آذربایجان اسلام آورده بودند و قرآن می‌خواندند. او گروهی از اعراب اهل عطا و دیوان را در اردبیل سکونت داد و به آنان امر کرد که مردم این سامان را به اسلام دعوت کنند. اشعث اردبیل را پایتخت خود ساخت و در مدت حکومت او اردبیل آباد شد. به دستور وی مسجدی در اردبیل بنا کردند و این مسجد بعدها توسعه یافت زمانی که سپاهیان عرب در آذربایجان و اردبیل بودند عشیره‌های عرب از کوفه، بصره و شام بدانجا روی آوردند. اینان هر چقدر توانستند برای خود زمین بدست آوردند و گروهی از ایشان زمینهای ایرانیان را خریدند و عده‌ای از زارعین نیز برای حفظ خود زمینها را به آنان سپردند و خود کشاورز آنان شدند.^(۳)

در اواخر قرن دوم هجری که آذربایجان همچنان به دست خلفای بغداد اداره می‌شد یک نهضت مذهبی که مبتنی بر احساسات ملی و عقاید مزدکی بود به نام خرم دینان پدید آمد. بابک در حدود سال ۲۰۱ هجری قمری به پیشوایی خرم دینان رسید و

۱ - میرخواند، محمد، روضة الصفا، جلد اول، تهران، چاپ خیام، ص ۶۰۲.
۲ - بلاذری، احمد بن عیسی، فتوح البلدان، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۴۶، ص ۳۲۵.
۳ - کسروی، احمد، شهریاران گمنام، (تهران: انتشارات امیرکبیر)، ۱۳۰۷، ص ۲۶۹ - ۲۸۹.

در اردبیل و حوالی آن مدت ۲۲ سال مبارزه او با دولت عباسی طول کشید. پنجاه سال بعد از شکست بابک خرم‌دین یعنی از سال ۲۷۶ تا سال ۳۱۷ هجری در آذربایجان سلسله ساجیان به وجود آمد. مرکز ساجیان نخست در مراغه بود. بعداً به اردبیل انتقال یافت، اولاد محمد بن ابی الساج تا سال ۳۲۵ هجری در اردبیل و بردع و مراغه حکمرانی می‌کردند. نخستین سکه‌هایی که نام اردبیل دارد مربوط به این خاندان است. پس از ساجیان، سلسله دیلمی مسافران یا سالاریان جای آن را گرفت ولی دولت سالاریان نیز مستعجل بود.^(۱)

پس از مرگ ابوالمسافر فتح بن محمدالافشین آذربایجان باز به دست خلفای عباسی افتاد. در اوایل خلافت عباسیان مراغه و سپس اردبیل و از اواخر دوره‌های خلافت عباسیان تاکنون تبریز در میان شهرهای آذربایجان مقام اول را پیدا کرد. در قرن چهارم هنوز بزرگترین و مهمترین شهر آذربایجان و نیز مرکز آن ایالت و همچنین قرارگاه لشکریان بود و حصار با چهار دروازه و نیز یک کهن دژ داشت و ربض آباد آن در پشت کهن دژ واقع بود ارزاق ارزان بود و بازار آن شکل صلیب داشت و به چهار دروازه شهر منتهی می‌شد و مسجد جامع در چهار سوق بازار و بریک بلندی واقع بود.^(۲)

در اواخر عهد سلجوقیان که مصادف با قدرت یافتن دولت گرجستان بود اردبیل از حملات گرجیان آسیب بسیار دید و غارت شد و گفته‌اند که ۱۲۰۰۰ تن از مردم آن کشته شدند. اندکی بعد نیز به دست مغولان فتح و غارت شد ولی بزودی باز رونق از سرگرفت.

در عهد ایلخانان تبریز ترقی بسیار کرد و به جای اردبیل مرکز آذربایجان شد ولی با

۱ - کسروی، احمد، شهرایان گمنام، (تهران: انتشارات امیرکبیر)، ۱۳۰۷، ص ۲۶۹ - ۲۸۹.
۲ - مقدسی، ابو عبدالله، احسن التقاسیم فی معرفة الاقاسیم، جلد دوم، (تهران)، ۱۳۶۱، ص ۳۷۷.

ظهور شیخ صفی‌الدین سر دودمان خاندان صفوی اردبیل دارالارشاد شد و در زمان شاهان صفوی اهمیتی نوین یافت. شاه اسماعیل اول صفوی قیام موثر خود را بر ضد امیران آق‌قویونلو از اردبیل آغاز کرد ولی پایتخت خود را به تبریز منتقل کرد و سپس به قزوین انتقال داد با وجود این اردبیل به سبب آنکه مدفن شیخ صفی‌الدین بود پایتخت معنوی شاهان صفوی به شمار می‌رفت و از تقدسی خاص بهره‌مند بود. شاهان صفوی هرگاه که فرصت به دست می‌آوردند برای زیارت قبر جد خود بدانجا می‌رفتند. شاه عباس بزرگ از تیم فرسنگی شهر چکمه و پایوش از پا درمی‌آورد و با پای برهنه پیاده به زیارت آرامگاه جدش می‌شتافت.^(۱)

در نوشته‌های مورخان قدیم، مانند مؤلف گمنام کتاب حدودالعالم که معتقد است اردبیل یک کلمه اوستایی است و از دو کلمه آرتا یعنی مقدس و ویل به معنی شهر «شهر مقدس» ترکیب یافته است. بسیاری از مورخین اسلامی مانند یاقوت حموی و فردوسی شاعر نامدار ایران زمین، بنای این شهر را به فیروز پادشاه ساسانی نسبت می‌دهند و آن را بنام نادان فیروز یا نادان پیروز نامیده‌اند.^(۲)

خواندمیر در کتاب روضة‌الصفای نویسد: «اردبیل از بناهای کیومرث پادشاه کیانیان بود.»^(۳) همچنین نام اردبیل در داستان «ویس و رامین» نیز که از آثار ادبی دوره اشکانیان می‌باشد آمده است. بنابراین شهر اردبیل بیش از ۱۵۰۰ سال قدمت تاریخی دارد. در زمان سلطنت هخامنشیان در اطراف رود «بادی مریز» که رود کوروش یا کورای امروز در قفقاز است، برای حفظ و حراست مرز ایران اردوی مهمی وجود داشته که مرکز آن اردبیل بوده است این موضوع اهمیت سیاسی و نظامی اردبیل را ثابت

۱ - فلسفی، نصرالله، زندگانی شاه عباس اول، جلد اول، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران)، ۱۳۴۴، ص ۱۰۸.

۲ - میرخوند، محمد، روضة‌الصفاء، جلد دهم، چاپ خیام، تهران، ۱۳۳۹، ص ۴۹۷.

۳ - عباداله‌زاده ملکی، جمشید، اردبیل شهر مقدس، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۴۶، ص ۸۸.

می‌کند. (۱)

بنا به روایت اوستا، زردتشت پیامبر ایرانی در کنار رود «دائی‌یتا» که امروزه ارس نامیده می‌شود به دنیا آمده و کتاب خود را در سبلان نوشته است و برای ترویج دین خود، روی به شهر «نادران پیروز» آورد. عده‌ای به او گرویدند و در این ناحیه جنگی میان زردتشتیان و بت‌پرستان روی داد که در این جنگ بت‌پرستان شکست خورده و زردتشتیان بر تمامی روستاها و قصبات اطراف اردبیل دست یافتند و آتشکده‌ای به افتخار این پیروزی در شهر بنا کردند که امروزه آثار آن در سه فرسخی ایتن شهر در دهکده‌ای بنام «آتشگاه» باقی مانده است. بنابراین بر اساس اوستا، اردبیل به شهر مقدس تبدیل شد. (۲)

در زمان انوشیروان، پیروان مزدک از ترس مجازات به گوشه و کنار ایران می‌گریختند که اردبیل نیز جزو شهرهای پناهندگان و فراریان مزدکی بود. این گروه از مخالفان امویان بودند و اردبیل مرکز شورشیان بود که پیوسته از طرف خلفای بنی‌امیه دستور توقیف آنان صادر می‌شد، نظر به اهمیت مسئله مزدکیان، خلفای بنی‌امیه مرکز حکومت آذربایجان را از مراغه به اردبیل انتقال دادند. (۳)

در زمان حمله اعراب به ایران، کوشش اعراب به هنگام فتح آذربایجان متوجه مرکز آن یعنی اردبیل بوده است. در فتح ایران بدست اعراب به سال ۲۲ ه. ق اردبیل بزرگترین شهر آذربایجان بود که بدست سپاهیان اسلام افتاد. این شهر در زمان خلفای بنی‌امیه ۴۱ - ۳۳ ه. ق مرکز ایالت آذربایجان بوده است. در زمان هشام از خلفای

۱ - شهرستانی، عبدالکریم، الملل و النحل، ترجمه افضل‌الدین صدر ترکه اصفهان، بکوشش محمدرضا جلالی نایینی، تهران، ۱۳۵۰، ص ۱۸۴.

۲ - باباصفری، اردبیل در گذرگاه تاریخ، جلد اول، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ۱۳۷۰، ص ۱۷ همچنین رجوع شود به: مزاولی، میشل، پیدایش دولت صفوی ترجمه: یعقوب آژند، تهران، نشر گستره، ۱۳۶۳، ص ۱۱۸ - ۱۲۰.

۳ - بلادری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تصحیح محمدفروزان، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۴۶، ص ۳۲۵.

بنی‌امیه، طوایف بارین خزر به آذربایجان حمله کردند که در این حمله، اردبیل نیز دچار غارت شد. اردبیل در زمان عباسیان کرسی‌نشین ایالت وسیع آذربایجان بوده و دارای پادگانی بوده است. اردبیل همچنین مدتی پایتخت آل‌مسافر و سالاریان از خاندان دیلمیان در قرن چهارم هجری بوده است. بین سالهای ۳۱۷ - ۲۶۷ هجری، این شهر مرکز حکمرانی طایفه بنی‌ساج بوده که از مراغه حکومت را به اردبیل انتقال داده بودند. در حمله مغول، اردبیل مرکز حکومت آذربایجان بود در سال ۶۱۷ ه.ق مغولان پس از حمله به ایران، اردبیل را غارت کردند. در زمان هلاکوخان مرکز فرمانروایی از اردبیل به مراغه و در زمان آباآقاخان، تبریز پایتخت حکومت ایلخانان گردید.^(۱)

در دوره تیموریان، امیر تیمور پس از فتح آسیای صغیر، از شهر اردبیل که عبور می‌کرد به خدمت نوه شیخ‌صفی‌الدین اردبیلی یعنی خواجه علی سیاهپوش رسید و در مذاکرات خصوصی که وی با خواجه علی سیاهپوش انجام داد هزار نفر از اسیران را به او بخشید. همچنین پس از فوت شیخ‌صفی‌الدین، این شهر کعبه آمال و قبله صوفیان گردید و جمع کثیری از پیروان طریقت روی به این شهر نهادند.

شاه اسماعیل برای تشکیل حکومت واحد ایرانی، از اردبیل قیام کرد و تمام ولایات را مطیع ساخته، شورشها را خوابانید و ملوک الطوایفی را از بین برده، بر اوضاع آشفته ایران مسلط شده و تبریز را در سال ۹۰۶ ه.ق پایتخت رسمی ایران کرد. حکمران اردبیل از خاندان صفوی انتخاب شد، به علت مدفن اجداد صفوی، مجدداً این شهر را دارالارشاد هم نامیده‌اند.^(۲)

اردبیل در دوره صفوی از لحاظ سیاسی و اقتصادی سرآمد شهرهای ایران

۱ - فلسفی، نصرالله، زندگانی شاه عباس اول، جلد سوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۴، ص ۱۰۸

۲ - فلسفی، نصرالله، زندگانی شاه عباس اول، جلد سوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۴، ص ۱۰۸.

محسوب می‌شد. این شهر در مسیر شاهراه تجارتی ایران و اروپا قرار داشت و ابریشم
وارد از گیلان را از راه اردبیل به اروپا صادر می‌کردند که این امر در پیشرفت اقتصادی و
وضع درآمد مردم تأثیر مهمی داشت.^(۱)

۱ - تاورنیه، ژان باتیست، سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، انتشارات سنایی، اصفهان، ۱۳۳۱، ص
۱۲۸.

دارالارشاد یاد‌الامان

دارالارشاد عنوانی است که تنها به اردبیل اختصاص یافته است و این شهر مشهور به این صفت و عنوان در اکثر منابع و مآخذ معتبر مشاهده می‌شود. تولد و بعثت زردتشت پیامبر ایران باستان در آذربایجان، اعتقاد مردم به تقدس کوه سبلان، همسایگی سرزمین مغان، مفهوم اوستایی نام این شهر که شهر مقدسی است همه حاکی از آن است که اردبیل از قدیم الایام محل و مرکز هدایت و ارشاد بوده است. تاریخ پیدایش، تعیین و انتخاب لقب دارالارشاد برای اردبیل معلوم نیست. اما بعد از ظهور شیخ صفی الدین اردبیلی و جانشینان وی ملقب به دارالارشاد شده است.

قدیمی‌ترین سند که دارالارشاد در آن دیده می‌شود زمانی است که در سال ۹۳۲ هـ. ق یعنی دو سال پس از جلوس به تخت پادشاهی از طرف شاه طهماسب اول صفوی برای مردم اردبیل صادر شده است. این فرمان اینک بر بدنه دیوار خارجی در سمت شمالی رواق بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی (قندیلخانه) روی سنگ مرمر سفیدی نوشته شده و باقی است.

مضمون فرمان شاه طهماسب ممنوع کردن امور غیر شرعی در دارالارشاد اردبیل است و توجه شدید پادشاهان صفوی را به قداست محیط اجتماعی اردبیل نشان می‌دهد.^(۱) «عکس این سند در فصل پنجم این رساله موجود است»

نمونه‌هایی از نوشته‌های محققین که دارالارشاد را به کار برده‌اند عبارت است از: در کتاب احسن التواریخ که در اواسط قرن دهم تألیف شده آمده است که: «... در این سال رستم بیگ شاهزادگان عالی تبار را به دارالارشاد اردبیل فرستاد.»^(۲)

در کتاب عالم آرای صفوی آمده که: «... و سلطان سید فیروز شاه در دارالارشاد

۱ - جامعی، بیوک، نگاهی به آثار و ابنیه تاریخی اردبیل، انتشارات علمی و فرهنگی، اردبیل، ۱۳۷۲، ص ۱۰۲.

۲ - روبلو، حسن بیگ، احسن التواریخ، فرهنگستان ادب و هنر، تهران، ۱۳۴۹، ص ۲.

اردبیل موطن داشت ...»^(۱)

در تاریخ عالم آرای عباسی آمده که : «... بعد از چند سال که امیر تیمور از سفر دوم مراجعت نموده، جمعی کثیر از اسرای روم همراه داشت به دارالارشاد اردبیل رسید...»^(۲)

در کتاب خلاصة التواریخ آمده که : «... دیگر عمارت گنبد عالی است موسوم است به جنت سرا که در جنب قبه صفیه صفویه، در دارالارشاد اردبیل جهت مدفن اعلی حضرت پادشاه جلیل، سمی قره عین الخلیل، شاه اسماعیل ساخته ...»^(۳)

در کتاب تکملة الاخبار که مولف کتاب خود را در دارالارشاد اردبیل تألیف نموده آمده است که :

«... حکومت آنجا (قلعه در بند باب الابواب) به منصور بیگ و سایر شروانات که فتح شده بود به الله بیگ مرجوع شد و نعش حضرت سلطان حیدر از طبرستان نقل دارالارشاد اردبیل فرمودند...»^(۴)

در اواخر دوره سلجوقی که مصادف با قدرت یافتن مملکت گرجستان بوده اردبیل از تهاجمات گرجیها لطمه فراوان خورد و پس از مدتی کوتاه گرفتار تاخت و تاز مغولان گردید. در زمان ایلخانان، تبریز مرکز آذربایجان شد و رونق و ترقی بسیار کرد و این مقارن بود با ظهور شیخ صفی الدین اردبیلی که در عصر او، اردبیل گذشته از سابقه و اهمیت تاریخی شهرت دیگری هم یافت و به نام دارالعرفان و دارالارشاد نامیده شد و در زمان نوه شیخ یعنی خواجه علی سیاهپوش عنوان دارالامان نیز به آن اضافه گردید،

۱ - شکری، یدالله، عالم آرای صفوی، انتشارات بنیاد فرهنگ، تهران، ۱۳۵۱، ص ۳.
۲ - ترکمان، اسکندربیگ، تاریخ عالم آرای عباسی، جلد اول، تصحیح ایرج افشار، تهران، ۱۳۳۴، ص ۱۵.
۳ - قمی، قاضی احمد، خلاصة التواریخ، جلد اول؛ به تصحیح احسان اشراقی، تهران، ۱۳۵۹، ص ۲۸۹ - ۲۹۰.
۴ - عبدی بیک، تکملة الاخبار، به تصحیح عبدالحسین نوایی، نشرنی، تهران، ۱۳۶۹، ص ۴۸.

توضیح آنکه امیر تیمور پس از فتح آسیای صغیر هنگامیکه همراه با اسرای فراوانی از اردبیل عبور می‌کرد در نتیجه مذاکره با خواجه علی سیاهپوش آن اسرا را آزاد کرد و املاک زیادی را وقف بقعه شیخ نمود و اردبیل را دارالامان نامید.

اردبیل از این بابت، یعنی دارالامان و دارالارشاد شدن و وجود مقبره جد پادشاهان صفویه اهمیت بیشتری یافت و روزه روز بر رونق آن افزوده شد و در حقیقت پایتخت معنوی شاهان صفوی محسوب می‌شد.^(۱)

- شیخاونده

پادشاهان صفوی را شیخزاده یا شیخ اوغلی و منسوبان و خویشاوندان آن سلسله را شیخاوند می‌خواندند. سران این طبقه چون با خاندان شاهی بستگی داشتند از تمام امیران قزلباش ممتازتر و محترمتر بودند و غالباً به مقامات بزرگ مانند وزارت و مهربرداری و ریاست توپچیان شاهی و امثال آن منصوب می‌شدند.^(۲) بنابراین اردبیل از آغاز دولت صفوی مسکن طایفه شیخاوند، یعنی منسوبان و خویشاوندان آن سلسله بود و عدد ایشان در زمان شاه عباس اول به دو هزار نفر می‌رسید حاکم اردبیل نیز غالباً از میان سران بزرگ این طایفه انتخاب می‌شد و در آن شهر خانه‌ای مجلل و باشکوه داشت. ولی شاه عباس چون از طایفه شیخاوند هم به علت آنکه رئیس آن طایفه، صدرالدین خان صفوی، در کشتن مادرش شرکت جسته بود مانند سایر طوایف قزلباش متنفر بود، ذالفقارخان آخرین بازمانده سران آن طایفه را که در آن شهر حکومت می‌کرد کشت و از آن پس حکومت آنجا را به اشخاصی که نام و نسب خاصی نداشتند سپرد. قصر ذوالفقارخان هم که حرمخانه و باغهای بزرگ و زیبایی داشت به

۱ - بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، دانشنامه ایران و اسلام، جلد یازدهم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۰، ص ۱۴۸۲.

۲ - فلسفی، نصرالله، زندگانی شاه عباس، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۴ ص ۱۷۸.

تصرف شاه درآمد و به کاخ شاهی موسوم گشت.^(۱) از رسمهای طایفه شیخاوند همین بس که این طایفه اکثر املاک این نواحی را در تصرف داشتند از ایجاد تاکستان و تهیه انگور خودداری می‌ورزیدند. زیرا معتقد بودند که کاشتن مو و تولید انگور در اراضی مقدس اردبیل گناهی بزرگ است به همین دلیل در شهر اردبیل شراب بسیار نادر و باده‌گساری بسیار دشوار بود. فقط عده‌ای از ارامنه که در چند فرسنگی اردبیل شراب درست می‌کردند و پنهانی به شهر می‌آوردند به طوری که ناورنیه در سفرنامه خود می‌نویسد که: «... در هیچ نقطه ایران وارد کردن شراب و نوشیدن آن به دشواری اردبیل نیست بسیار پنهان و محرمانه باید خورد. چنانکه گویی زشت‌ترین کارها انجام می‌گیرد...»^(۲)

۱ - دلاواله، پیترو، سفرنامه، ترجمه شعاع‌الدین نشفا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸، ص ۱۳۷.
 ۲ - ناورنیه، ژان باتیست، سفرنامه، ترجمه ابو عراب لرزی (اصفهان، انتشارات سنایی)، ۱۳۳۱، ص ۱۳۷.

فصل دوم

اوضاع اجتماعی، فرهنگی و مذهبی و اقتصادی اردبیل

- خاستگاه اولیه صفویه در اردبیل
- وضع اجتماعی و سیاسی اردبیل در زمان صفویه
- زبان، نژاد، مذهب اردبیل
- عادات و رسوم مردم
- اقتصاد و تجارت مردم
- کتابخانه اردبیل
- کتابخانه اردبیل از دیدگاه پولاک
- تعلیم و تربیت
- آداب طریقت و تشکیلات طریقت

خاستگاه اولیه صفویه در اردبیل

در حدود ۶۵۰ ه. ق یکی از افتخارآفرین‌ترین سلسله‌های ایرانی از اردبیل برخاست. مؤسس این سلسله، شیخ صفی‌الدین اردبیلی داماد شیخ زاهد گیلانی بود که نسل خود را به امام موسی کاظم می‌رساندند.^(۱) از شش نسل قبل، اجداد وی در ایران، ابتدا در گیلان و بعد در دهکده‌ای نزدیک اردبیل سکونت اختیار کرده‌اند. کسانی که به خانقاه ایشان می‌آمدند، پنهانی راجع به اولاد علی، و ظلم و ستمی که از سوی خلفای غاصب بر آنان می‌رفت و درباره گرفتن حق از دست رفته آن گفتگو می‌شد. سیدها به مسافرت خود ادامه می‌دادند، و درد دل آنان را در همه شهرهای ایران که در آن زمان محل کوچ ترکان و مغولان بود می‌پراکندند. اما هیچ یک از آنان، در جمع‌آوری گروه نیرومندی که تبدیل به قدرت پایداری باشد، توفیق حاصل نمودند.^(۲)

شیخ صفی در لحظه مناسبی از تاریخ درخشیدن آغاز کرد، درست در زمانی که امپراطوری مغول در حال افول بود و تیمور لنگ کوس جهانگیری و جهانداری می‌زد، شیخ صفی ابتدا در شیراز، و بعد پیش یک زاهد گیلانی به تحصیل پرداخت و به دست استادش در گیلان خرقة پوشید و با دختر وی نیز ازدواج نمود، و از سوی پیر خود «شیخ زاهد» مأمور شد، در اردبیل به ارشاد مردم و ترویج تصوف، براساس طریقت دوازده امامی بپردازد. شیخ صفی‌الدین در این شاه خانقاه و گنبدی ساخت، و زیر همان بارگاه بعد از سی سال وعظ و ارشاد (در ۸۵ سالگی)، به خاک سپرده شد. او اولین مروج مؤثر مذهب تشیع در ایران بود و مردم بی‌شماری از سراسر عراق و آذربایجان به دیدنش می‌شتافتند، و دسته دسته، دست ارادت به او می‌دادند. شیخ صفی‌الدین هنگام

۱ - شیروانی، میرزازین العابدین، ریاض السیاحه، تصحیح اصغر حامد ربانی، نشر سعدی، ۱۳۳۷، ص ۳۵.

۲ - پارسا دوست، منوچهر، شاه اسماعیل اول پادشاهی با اثرهای دیرپای در ایران و ایرانی، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۱۱۹.

درگذشت، در حدود یک میلیون و نیم نفر مرید داشت.^(۱)

به این ترتیب قدرت مذهبی به وجود آمد، اما این قدرت هنوز قدرت سیاسی را کم داشت. در سرزمینهای اسلامی، وقتی روسای مذهبی با نفوذ و مقتدر، ظاهر می شدند، قدرتهای حاکم و مستقر از آنان حساب می بردند و با نگرانی و سوءظن به آنان نگاه می کردند. در همه طول قرن پانزدهم، امیران ترکمن قراقوینلو، که در تبریز حکومت می کردند، نگران افزایش روزافزون تعداد مریدان شیخ صفی و جانشینانش بودند. بطوریکه پیروان شیخ مجبور شدند، از دست قراقوینلوها، بارها به گیلان پناه ببرند و سپس از طریق قفقاز به دره علیای فرات سرازیر نشوند. در حین کوچ و مهاجرت، فرصت آن را می یافتند که با خاندان امیران ترکمن آق قوینلو، که در آن هنگام حکومت نواحی «دیاربکر» در دست آنان بود، عقد وصلت ببندند. به این ترتیب، دودمان صفوی، علاوه بر داشتن نفوذ و پیروان مذهبی، به یک اتحاد سیاسی دست یابند. حفظ و حراست امنیت شخصی، آنان را به اتخاذ تدابیری وامی داشت. در حول و حوش آنان، سرزمین امیرنشینان در حال تجزیه و متلاشی بود. پای ترکان عثمانی به مرزهای ایران باز می شد. جای درنگ نبود. شیخها به جنگجویانی مبدل شدند و از میان پیروان و طرفداران خود، ارتش منظمی ترتیب دادند. بعد از درگذشت پدر و برادران، فرزند کوچک سلطان حیدر، موسوم به شاه اسماعیل، قفقاز، آذربایجان و عراق را به تصرف خود درآورد و همه این مناطق متعلق به ایران را متحد ساخته، و با اتکا به مذهب تشیع در برابر تهدید ترکان، ایران نوین را پایه گذاری کرد.^(۲)

۱ - دفتر کنگره مقدس اردبیلی، اردبیل و گنجینه شیخ صفی و عالمان، جلد هفتم، قم، انتشارات ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۲۳۸.

۲ - دفتر کنگره مقدس اردبیلی، اردبیل و گنجینه شیخ صفی و عالمان، جلد هفتم، قم، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۲۳۹ - ۲۴۴. همچنین رجوع شود به: پارسا دوست، منوچهر، شاه اسماعیل اول پادشاهی با اثرهای دیرپای در ایران و ایرانی، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۵، ص ۱۲۰ - ۱۲۴.

وضع اجتماعی سیاسی اردبیل در زمان صفویه

با تولد شیخ صفی الدین اردبیلی در سال ۶۵۰ ه. ق در کلخوران، تاریخ اردبیل ورق تازه‌ای خورد. مردم اردبیل تا سده هشتم شافعی بودند ولی در قرن نهم هجری در زمان خواجه علی سیاهپوش (۸۳۰ ه. ق) نهضت تشیع در اردبیل بروز کرد و در اواسط این قرن بود که مریدان شیخ صفی به عنوان جهاد مذهبی به کشورهای مجاور، داغستان و چرکسان و گرجستان حمله می‌بردند. سرانجام همین نهضت تشیع موجب تشکیل دولت جدید صفوی گردید. این شهر در زمان سلطان جنید جد شاه اسماعیل اول (۸۶۰ ه. ق) در شمار شهرهای محترم و مقدس شیعیان مانند مکه، نجف، کربلا درآمد.

اردبیل در زمان شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۵۰ هجری، پس از پیوستن مریدان فراوان از طوایف قزلباش، شاه اسماعیل قیام مؤثر خود را بر ضد امیران آق قوینلو آغاز کرد ولی پایتخت خود را به تبریز و سپس به قزوین انتقال داد. با وجود این اردبیل به سبب آنکه مدفن شیخ صفی الدین بود، پایتخت معنوی شاهان صفوی به شمار می‌رفت.^(۱)

در زمان شاه عباس این شاه در سال ۱۰۱۴ ه. ق فرمانی صادر کرد و در آن اعلام نمود چون اردبیل در زمان امیر تیمور گورکانی دارالامان بوده است، عمال حکومت همچنان آنجا را دارالامان بدانند و به خاطر این مسئله اردبیل بست و دارالامان و پناهگاه مجرمان بود همچنین به دلیل تقدس خاص اردبیل شاه عباس کبیر از نیم فرسنگی شهر چکمه و پاپوش از پا درمی‌آورد و با پای برهنه پیاده به زیارت آرامگاه جدش شیخ صفی الدین اردبیلی می‌شتافت.^(۲)

سپس بعد از انقراض سلسله صفویه، اردبیل اهمیت و اعتبار اولیه را از دست داد و

۱ - حسن بیگ روملو، احسن التواریخ، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران فرهنگستان ادب و هنر ایران، ۱۳۴۹، ص ۴۰۸.

۲ - فلسفی، نصرالله، زندگانی شاه عباس اول، جلد اول، دانشگاه تهران، ۱۳۴۴، ص ۱۰۸.

در این امر خواست و اندیشه نادرشاه موسس سلسله افشاریه اثر مستقیم داشت. زیرا که او از صوفیان و شیخاوندان صفوی اردبیل بیم داشت و از هراقدامی که موجب تضعیف آنها می شد خودداری نمی نمود.^(۱)

مردم اردبیل

احمد کسروی در مورد نژاد شیخ صفی الدین اردبیلی در کتاب خود معتقد است که نیاکان صفویان اصلاً کرد بوده اند و از ناحیه سنجار کردستان به آذربایجان کوچ کرده اند و بدین ترتیب ایرانی می باشند.^(۲)

نصرالله فلسفی مورخ ایرانی در کتاب خود در مورد نژاد صفی الدین می نویسد: «فیروز شاه زرین کلاه جد هفتم صفی الدین از کردستان در حدود سال ۵۶۹ ه. ق به آذربایجان آمده است و اجداد صفویه اصلاً ایرانی بوده اند...»^(۳)

بنابراین پیش از وارد شدن آریائی ها به فلات ایران، مردمان بومی در این سرزمین زندگی می کردند چون مهاجرت آریائیها شروع شد این مردمان بومی ایران از جمله مردمان بومی اردبیل در برابر هجوم آریائیها استقامت و پایداری نکرده و حتی حکومت آریائیها را گردن نهادند و به مرور زمان آداب و رسوم و زبان آنان را پذیرا شدند.

در حدود سه تا چهار هزار سال قبل که آریائیها به سرزمین ایران مهاجرت نمودند در ایران به سه دسته یا گروه شده و هریک از این گروهها منطقه ای را به خود اختصاص دادند که در این میان مادها در آذربایجان و اردبیل ساکن گشتند و به همین جهت مردم این منطقه از نوادگان همان نژاد هستند. و به مرور زمان در نتیجه تاخت و تازهای اقوام ترک و مغول، رسته های گوناگونی از این نژاد در اردبیل ساکن شدند و آمیزشهایی بین نژاد اصلی و مهاجمان بوقوع پیوست. علی ایحال تیره های مهاجر به علت کمی نفوس

۱ - «رنس، لکهارت، انقراض سلسله صفویه، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر

کتاب، ۱۳۴۴، ص ۲۱. ۲ - کسروی، احمد، شیخ صفی و تبارش، ص ۷۹.

۳ - فلسفی، نصرالله، زندگانی شاه عباس اول، جلد اول، دانشگاه تهران، ۱۳۴۴، ص ۳.

نسبت به ساکنان محلی نابود شده و تقریباً اصالت نژاد اولیه نگاهداری شده است.^(۱)

زبان مردم

در کتاب احسن التقاسیم در کوهسار نواحی اردبیل به هفتاد زبان سخن اشاره شده است. پیش از غلبه زبان ترکی زبان غالب آذربایجان آذری بوده است که از گویشهای مهم ایرانی بوده و تا قرنهای هفتم و هشتم رایج بوده است. اولین نفوذ قبایل ترک در آذربایجان در دوران غزنویان بوده است در عهد سلجوقیان و به خصوص در ایام اتابکان تعداد ترک زبانان آذربایجان روبه فزونی نهاد. پس از مغولان آذربایجان مرکز حکومت ایلخانان ایران گردید و نفوذ ترکان و زبان ترکی افزایش یافت و پس از ایشان حکومت ترکان آق قویونلو و قراقویونلو در آذربایجان سبب گسترش و تقویت زبان ترکی و تضعیف بیشتر زبان آذری گردید بطوری که شاهان صفوی که از آذربایجان برخاسته بودند و جد آنها شیخ صفی الدین اردبیلی اشعاری به آذری سروده بود و به ترکی سخن می گفتند. لذا برخی از گویشهای کنونی آذربایجان همان زبان آذری است ولی اصطلاح آذری امروزه به گویشی از ترکی اطلاق می گردد که در آذربایجان رواج دارد. بنابراین اکثر زبان شناسان زبانهای باستانی مردم ایران از جمله منطقه اردبیل را با این که در اصل و ریشه یکی بوده اوستایی و پهلوی دانسته اند بعنوان مثال زبان اوستایی که زبان مادها بود و آنان نیز در ناحیه آذربایجان و منطقه اردبیل می زیستند.^(۲)

به طور کلی زبان مردم اردبیل که در اثر گذشت زمان و مدارک و اسناد تاریخی تحت تأثیر جاذبه زبان فارسی، عربی، ارمنی، گرجی، نیم زبانهای کردی ناتی و ... قرار گرفته و از نظر دستوری بسیار غنی است و بعنوان نمونه می توان ادبیات عامه مخصوصاً بایاتی (بیاتی) که مردم این منطقه بویژه ساکنان کوهپایه و کرانه های رود ارس می سرایند

۱ - افشار سیستانی، ایرج، نگاهی به آذربایجان شرقی، جلد دوم، انتشارات بهمن، ۱۳۶۹، ص ۸۰۱.
۲ - اردبیل و گنجینه شیخ صفی و عالمان، جلد هفتم، ص ۱۳۴.

و همچنین اشعاری را که در ایام سوگواری زمزمه از آنها شنیده می شود نمونه ای از غنی ترین و وسیع ترین ادبیات فولکوریک* می باشند.

براساس نظریه احمد کسروی که درباره زبان آذری پژوهش کرده است، معتقد است که زبان آذری شاخه ای از زبان فارسی است که هنوز نیز در بعضی از روستاهای آذربایجان تکلم می شود و در تائید این مطلب آورده است :

«... شیخ صفی و پدرانش تا آنجا که به راستی شناخته می باشند از بومیان آذربایجان و زبان ایشان آذری می بوده و ترکی که شاه اسماعیل با آن شعر سروده، سپس در آن خاندان رواج یافته است.»^(۱)

همچنین در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی نیز تصریح می شود زبان آذری، نام زبان پیشین آذربایجان و شاخه ای از زبانهای ایرانی غربی است ... و هنوز نیز بقایایی از آن به نام تاتی در برخی از روستاها از جمله منطقه مغان متداول است.^(۲)

مذهب مردم

مردم اردبیل در دوران باستان همانند آریائیه دین ساده ای داشتند و طبیعت را می پرستیدند و بعد از اینکه آریائیه به تعددخدایان و پرستش بتان سپس به یگانه پرستی و اعتقاد به توحید پرداختند، مردم این منطقه هم با تقلید از آنان به چنین خدایان روی آوردند. بهرحال مردم این منطقه پس از آئین آریائیه، به آئین زردشتی گرویدند بطوری که آتش آذرگشنسب که یکی از سه آتش مقدس ایرانیان بود در شهر شیز آتشکده ای ساخته و آنرا نگاهداری می کردند ولی پس از اینکه این سرزمین به دست عربها افتاد دین اسلام جانشین مذهب زردشتی گردید و مردم اردبیل در قرون

* - فولکوریک، مأخوذ از فرانسه به معنی دانش، علم به آداب و رسوم توده مردم و افسانه ها و تصنیفهای عامیانه.

۱ - نگاهی به آذربایجان شرقی، جلد دوم، ص ۸۰۷.

۱ - آذری یا زبان باستان آذربایگان، بکوشش محمود گودرزی، انتشارات واشنگتن، ۱۳۷۲، ص ۵۹ - ۶۶.

۲ - دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد اول، اب، ال داود، زیر نظر کاظم بجنوردی، ۱۳۶۹، ص ۲۵۹.

اولیه اسلام و حتی تا زمان شیخ صفی‌الدین اغلب شافعی بودند.^(۱)

مذهب شیخ صفی‌الدین نه تنها شیعه نبوده بلکه سنی شافعی بوده است بطوریکه مولف کتاب نزهةالقلوب در ۷۴۰ هـ. ق پنج سال پس از مرگ شیخ صفی تصریح کرده است که اکثر مردم آذربایجان در آن زمان سنی بوده‌اند. او در مورد مذهب اردبیل می‌گوید: «اکثر (مردم اردبیل) بر مذهب امام شافعی‌اند و مرید شیخ صفی‌الدین هستند. او در ادامه بحث خود اغلب روستاهای اردبیل را نام می‌برد و روشن می‌کند که اهالی آنها شافعی مذهب‌اند.»^(۲)

همچنین احمد کسروی که پیشگام درباره پژوهش مربوط به دین شیخ صفی بود تأکید می‌کند: «سنی شافعی بودن شیخ صفی درخور گفتگو نیست و چون بازماندگان شیعه شده‌اند کوشیده‌اند که مذهب شیخ را نیز شیعه جلوه دهند.»^(۳)

لارنس لکهارت در کتاب خود می‌گوید: «اگر چه عده زیادی از اخلاف شیخ صفی از شیعیان متعصب بودند ولی خود او مسلک تسنن داشت.»^(۴)

به طور کلی پس از استقرار حکومت صفویه تشیع جایگزین آن گردید و اکنون نیز اکثریت عظیمی از مردم اردبیل شیعی مذهبند، لازم به توضیح است که پیروان ادیان دیگر نظیر ارامنه در این منطقه در همان دوران اولیه اسلام زندگی می‌کردند و در اثر تسامح دینی سلاطین صفوی مخصوصاً شاه عباس مراسمی مذهبی خود را در کلیسایی که در محل اقامت برپا داشته بودند انجام می‌دادند که بقایای این کلیسا اکنون هم وجود دارد. همچنین ادیان مختلف کلیمی و مسیحی در این منطقه سکونت داشتند ولی با از کار افتادن بندر آستارا و احداث راه آهن جلفا به تبریز و انتقال مرکز تجارت از اردبیل به تبریز اغلب غیر مسلمانان از این شهر رفتند و این ادیان امروزه در این منطقه رونقی

۱ - جعفریان، رسول، دین و سیاست در دوره صفوی، قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۷۰، ص ۳۸.

۲ - نزهةالقلوب، ص ۸۱.

۳ - شیخ صفی و تبارش، ص ۸۲.

۴ - اقراض سلسله صفویه، ص ۲۱.

ندارد.^(۱)

اخلاق و عادات و رسوم

هرچند این منطقه از کشورمان همچنانکه از تاریخ کهن آن مشخص است مورد تهاجم حمله‌های وحشیانه و بنیان کن اقوام و حکومتها شده است با این وجود نتوانسته آداب و رسوم و روحیه اخلاقی مردم این منطقه را از هم فروپاشد. مردم این منطقه طبق اسناد و نظر سیاحان و مورخان خارجی وطن دوست، مهمان‌نواز، آزاده، مرزدار و پایبند به اعتقادات مذهبی هستند. وطن‌دوستی مردم این منطقه در ادوار تاریخی ضرب‌المثل عام و خاص بوده است و حاج زین‌العابدین مراغه‌ای در کتاب خود سیاحتنامه د رخصوص اخلاق و عاداتهای مردم این سامان می‌نویسد:

«... همه مردم ساده لوح و دین دارند، دایم الصلوة و مهمان‌نوازند بی علمی برای ایشان سعادت بزرگی است زیرا که اوصاف حسنه دینداری و مهمان‌نواری و راستگویی و درست‌کاری را بی تعلیم یاد گرفته‌اند.»^(۲)

از آداب و سنن مرسوم این مردم یکی مراسم چهارشنبه سوری است. چهارشنبه سوری: چهارشنبه آخر سال با یک مراسم ویژه‌ای برگزار می‌شود در این مراسم مردم اردبیل علاوه بر پریدن از روی آتش در این روز، صبح زود نیز از روی آب روان می‌پرند و آن راستی از پیشینیان و مایه خیر و برکت و صفا و روشنی می‌دانند. صبح روز چهارشنبه سوری زیر هر سقفی اعم از اطاق و راهرو و انبار و آشپزخانه شمعی روشن می‌کنند و از کوزه تازه‌ای که همان صبح پر از آب کرده‌اند چند قطره در چهارگوشه هریک از آنها می‌ریزند و معتقدند که این آب مانع پیدا شدن حشرات موذی در تابستان می‌شود. «همچنین آتشبازی شب چهارشنبه سوری و ایام عید از قدیم در

۱ - نگاهی به آذربایجان شرقی، ص ۸۱۵.

۲ - مراغه‌ای، حاج زین‌العابدین، سیاحتنامه ابراهیم بیک، (تهران: انتشارات اندیشه)، ص ۱۰۵.

این شهر مفصلاً برگزار می شده تا جایی که سفرای پادشاه هلشتاین از این شهر دیدن کرده‌اند از برگزاری چنین مراسم دچار حیرت شده‌اند.»^(۱)

-مراسم تحویل سال نو

در مراسم تحویل سال نو همه بر سر سفره هفت سین می‌نشینند و چون سال نو می‌گردد اول نظر به قرآن می‌اندازند و سپس سکه‌ای را دست به دست گردانده نگاه می‌کنند آنگاه کوچکترین فرد از اعضای خانواده گلابدان به دست می‌گیرد و با ریختن چند قطره گلاب به دست پدر یا بزرگترین شخص حاضر بر سر سفره، دست او را می‌بوسد و او نیز با بوسیدن روی او در حق وی دعا می‌نماید سپس همین کار را در مورد مادر یا دومین شخص بزرگ خانواده و پس از او دیگران به ترتیب تکرار می‌کنند. آنگاه نفر بزرگتر از وی این کار را انجام می‌دهد و به همین قرار تا نفر آخر ادامه می‌یابد بدین ترتیب همه افراد خانواده به همدیگر تبریک می‌گویند و در حق یکدیگر دعای خیر می‌نمایند و بعد از این کار برای صرف هفت سین و تنقلات می‌نشینند.

-مراسم شب چله و اعیاد مذهبی

مردم شهر اردبیل اول چله بزرگ را یلدا و شب اول چله کوچک را خدرنبی* می‌نامند و در بیشتر خانواده‌ها در آن شبها مراسمی برپا می‌دارند. شب یلدا بیشتر سبزه و مغز گردو و بادام و یا نخودچی و کشمش بر روی کرسی چیده می‌خورند و در شب خدرنبی خانواده‌های قدیمی قوت** تهیه می‌کنند. اعیاد مذهبی هم بیشتر به صورت چراغانی و آیین‌بندی دکانها و بازارها صورت می‌گیرد و روزهای سوم و پانزدهم شعبان که مصادف با میلاد امامان سوم و دوازدهم شیعیان است شهر منظره زیبایی پیدا می‌کند.

۱ - بابا صفری، اردبیل در گذرگاه تاریخ، جلد اول، (اردبیل: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی)، ص ۱۳۱.

* - منظور از خدرنبی قلب شده خضر نبی است.

** - منظور از قوت: آرد گندم بریان و نخود و عدس بو داده است که با کوبیده قند قاطی کرده می‌خورند.

مراسم شاخسه

مراسم شاخسه از سوگواریهای مذهبی مردم اردبیل می باشد که این مراسم در این اواخر تقریباً ترک شده است. شاخسه در ماه ذیحجه و بعد از عید قربان تا سه روز به محرم الحرام مانده صورت می گرفت و مردان و جوانان محلات در اول شب در میدانهای جلوی مساجد گرد آمده هریک چوبدستی بلندی در دست می گرفتند و در نور مشعلهای بزرگ صفی ترتیب می دادند. در این صفها هر نفر با دست چپ از پشت کمر نفر سمت چپ خود را می گرفت و با دست راست چوبدستی را به حرکت درمی آورد و در حالی که پای راست خود را محکم به جلو و پای چپ را به عقب می گذاشت همگام با دیگران به طرف راست حرکت می کرد این صف معمولاً به شکل دایره بسته در اطراف مشعل درمی آمد و شرکت کنندگان در آن در جواب اشعار مهیج مذهبی رئیس دسته، کلمه شاه حسین را به صورت شاخسه بیان می کردند و آنگاه با همین شکل و هیئت در محلات شهر گردش می نمودند.

-مراسم طشت گذاری

یکی دیگر از مراسم تعزیه داری در اردبیل طشت گذاری است که در سه روز آخر ماه ذیحجه انجام می شود مردم این شهر طبق سنت قدیمی قبل از حلول محرم در هر مسجد طشتهای بزرگی را که از مس و مفرغ ساخته شده و از قدیم مانده است با دسته و تشریفات معینی در جایگاه مخصوصی در مسجد می گذارند و آن را پر از آب می کنند. آب طشتهها که برای نوشیدن است هر روز عوض می شود و جلوی جایگاه طشت نیز محلی برای نذر کردن و دعای حاجتمندان به شمار می آید. این طشتهها تا آخر ماه صفر به همین حال نگهداری می شود. هریک از محلات اردبیل در دهه اول محرم یک روز برای عزاداری دسته راه می اندازند و به بازار و مساجد محلات دیگر می روند. دسته ها مرکب از سینه زن و زنجیر زن، اسبهای یدک و علمهای بسیار است و علماء و پیرمردان

در جلوی آنها زیر بیرق مخصوص محله حرکت می‌کنند.

- مراسم شمع‌گذاری و قمه‌زنی

این مراسم هم از مراسمهای تعزیه‌داری مردم اردبیل در ماه محرم الحرام است به طوری که غروب روز نهم محرم اختصاص به شمع‌گذاری دارد بیشتر مردان و جوانان، طبق نذری که کرده‌اند هریک در چهل و یک مسجد شمع روشن می‌نمایند. در روز عاشورا نیز همه محلات و شعبات دسته راه انداخته سینه و زنجیر می‌زنند. تا چهل سال پیش با این دسته‌ها، قمه‌زنها و شبیه‌خوانها نیز همراهی می‌کردند و دستجات قمه‌زنی بعد از غسل، کفن بر تن کرده و در دسته‌های متفاوت به مساجد شش محله بزرگ (طوی، گازران، اوچدکان، چشمه باشی، پیرعبدالملک و عالی قاپو) راه می‌افتادند و طبق نذری که داشتند در جلوی مسجد با قمه‌هایی که در دست داشتند بر سرشان می‌زدند به همین طریق تا نذر خود را اداء نمایند ولی اکنون این رسم ممنوع و به فراموشی سپرده شده است.^(۱)

- اقتصاد و تجارت

اردبیل به سبب واقع بودن بر سر راه ایران - قفقاز همواره از اهمیت اقتصادی و نظامی برخوردار بوده و به خصوص در دوره صفویه تجارت آن رونق بسیار داشته است. همچنین اردبیل از دیرباز یکی از پایگاههای مهم و باارزش تجارت ایران با کشورهای خارجی از یک طرف و با شهرهای ولایات مهم ایران از طرف دیگر بوده است.

کشورهایی که قبل از دوره صفویه و ظهور این خاندان در اردبیل، تمایل شدیدی به تجارت با ایران داشته و از راه اردبیل به داخل ایران کالا صادر می‌کردند اول دولت

۱. با سفر به اردبیل در گذرگاه تاریخ، جلد دوم، «اردبیل: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی»، ص ۱۴۴ - ۱۳۰.

روسیه و بعد دولت ونیز بود. ونیزیها به تبریز، اردبیل و قزوین یعنی پایتختهای اولیه صفویه و به شهر بزرگ اصفهان پایتخت بعدی و مشهور آن دولت رفت و آمد می‌کردند. شهر اردبیل کالاهای وارداتی ترانزیت را از اروپا و روسیه و عثمانی در باراندازهای خود می‌پذیرفت و از آنجا، امتعه به شهر تبریز که در اواخر دوره صفویه ۵۵۰ هزار نفر جمعیت داشت فرستاده می‌شد.^(۱)

شهر اردبیل که از دیدگاه سلاطین صفوی شهری مقدس و به عنوان اجاق و آشیان خاندان صفوی بوده و یکی از باراندازهای معتبر تجارت زمینی ایران به شمار می‌رفت و راههای تجارتی تفلیس، لنکران، دربند، بادکوبه، گیلان و تبریز از آن می‌گذشت. تاورنیه جهانگرد معروف فرانسوی در سفرنامه خود آورده است: اردبیل چهار راه و مرکز تلاقی کاروان‌هایی بوده که از آنجا عبور می‌کرده‌اند و همچنین تعداد شتران و قوافلی که ابریشم حمل می‌کرده‌اند را در شبانه روز به ۸۰۰ و ۹۰۰ نفر می‌رساند ایشان اضافه می‌کند ابریشم گیلان و شماخی، که مکانی برای انبار کردن و مرکز خرید و فروش آن بوده، بطوری که ابریشم از اردبیل به اطراف اسلامبول و از میر حمل می‌شده است. همچنین عوارض گمرکی که از محصولات ابریشم دریافت می‌شد برای مقبره‌های اردبیل عواید سرشاری داشت به طور کلی اردبیل از نظر کشاورزی نیز اهمیت داشته و کوهسار اطراف آن همه پوشیده از قریه و مزرعه بوده است و اکنون نیز اقتصاد امروز اردبیل تابع کشاورزی و دامداری است.^(۲)

شهر اردبیل از دیدگاه سلاطین صفوی شهر مقدس و به عنوان اجاق آشیان خاندان صفویان بود و همچنین یکی از باراندازهای معتبر تجارت زمینی ایران به شمار می‌رفت و راههای تجارتی تفلیس، لنکران، دربند، بادکوبه، گیلان و تبریز از آن می‌گذشت به

۱ - پیگولوسکایا، تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم میلادی، ترجمه کریم کشاورزی (تهران، انتشارات پیام)، ۱۳۵۳، ص ۲۹۱.

۲ - مجله بررسیهای تاریخی، مقاله اردبیل، داریوش به‌آزین، ص ۲۱۱.

طوری که بازرگانان گیلان، کردستان و گرجستان و سایر کشورها به اردبیل رفت و آمد می‌کردند. از کاروانهایی که به شهر اردبیل وارد می‌شدند در هشت کاروانسرای بزرگ که وقف مقبره بودند پذیرایی می‌شدند.

کتابخانه اردبیل در زمان صفویه

گنجینه کتاب مجموعه مذهبی شیخ صفی که روزگاری ارزشمندترین و پربهاترین و زیباترین کتابها را شامل می‌شد در درون ساختمان چینی خانه قرار داشت. تاسیس کتابخانه از زمانی بود که شیخ صفی‌الدین به نزد مرادش شیخ زاهد گیلانی راه یافت و در مکتب او به سیر و سلوک پرداخت و عالم روزگار خود در سایه شیخ زاهد گردید و پس از ازدواج با دختر شیخ زاهد گیلانی بی‌بی فاطمه از یاران خاص شیخ زاهد گردید و زمانی که در سال ۷۰۰ هجری قمری مرادش شیخ زاهد دارفانی را وداع گفت شیخ صفی‌الدین جانشین وی گردید و در شهر اردبیل به تزکیه و ارشاد مریدان خود پرداخت شیخ در خانقاه خود که مدرسه و منزل و ارشاد او بود کتابخانه‌ای را تاسیس نمود و این کتابخانه در زمان حیات خود شیخ با اهدای کتابهای نفیسی که از طرف مریدان و پیروان او می‌گردید غنی و آوازه جهانی یافت حتی کسانی که از کشورهای دور و نزدیک برای زیارت شیخ می‌شتافتند جز هدایای دیگر کتابهایی نیز به او تقدیم می‌کردند و این سنت هم بعد از فوت شیخ همچنان ادامه داشت و در عهد شاه عباس اول کتابخانه بقعه به کمال و اوج خود رسید و آوازه عام و خاص گردید.

کتابهای کتابخانه اردبیل اغلب به زبان عربی و قلیلی به زبان فارسی و ترکی بوده و جلدهای آنها غالباً از طلا و نقره بوده است و این کتابها به خطهای کوفی، ریحانی، ثلث و نسخ و با دست خطاطان معروف جهان اسلام نوشته شده بودند. عظمت کتابخانه از آنجا معلوم است که در آن ۷۴۴ مجلد مصحف سی جزء و ۲۳۴ مجلد سی پاره قرآن مجید وجود داشته که ۳ جلد آن به خط کوفی و به دست مبارک حضرت علی (ع)

برپوست آهو نوشته شده بوده و ۳۲ مجلد نیز با همان مشخصات و به خط ائمه معصومین (ع) نوشته شده بوده است.

آورده‌اند که شاه عباس کبیر در زمان حیات خود کتابهای فقهی سلطنتی را به آستان قدس رضوی، کتابهای فارسی و ترکی و دواوین شعر را همراه با آلات و ظروف طلا و نقره و سنگهای قیمتی و اشیا و آثار هنری دستگاه سلطنتی، به کتابخانه اردبیل وقف نمود و بر پشت این کتابها وقف نامه شاه عباس چنین ثبت شده است:

«... وقف نمود این کتاب را کلب آستان علی بن ابیطالب (ع) عباس الصفوی بر آستانه منوره شاه صفی علیه الرحمه که هر که بخواهد مشروط بر آنکه از آستان بیرون نبرد و هر که بیرون برد شریک خون امام حسین (ع) بوده است.»

نسخ وقفی شاه عباس که عمدتاً به سال ۱۰۱۷ و ۱۰۲۲ ه. ق وقف شده‌اند بشرح ذیل می‌باشد:

- ۱- پنج گنج، خمسه نظامی، محتملاً از سده دهم.
- ۲- جنگ شعر، محتملاً از سده دهم، شامل غزلهایی از بساطی و جامی و جلال و معمار و ناصری و عصمت و کاتبی و شاهی و طوسی و خیامی و ابن یمین
- ۳- حبیب السیر خواندمیر
- ۴- خلاصة التواریخ، میر منشی قاضی میراحمد بن شرف‌الدین حسین حسینی ابراهیمی قمی، وزیر خراسان و درگذشته در ۱۰۰۱ نسخه در ۹۹۷ ه. ق در کتابخانه شاه عباس بوده و او آن را بر آستانه شیخ صفی وقف کرده است.
- ۵- دیوان خاقانی، نسخه دوم نستعلیق شمس‌الدین بن میرزا جان قزوینی
- ۶- دیوان شاه اسماعیل خطایی صفوی، به خط نستعلیق عیشی، از سده دهم، وقف شاه عباس بر آستانه شیخ صفی
- ۷- دیوان، طالب آملی، به خط نستعلیق، از سده دهم یا یازدهم، با کاغذ الوران

- ۸- ذخیره خوارزمشاهی، سید اسماعیل گرگانی (جرجانی)، به خط نسخ، از سده هفتم یا هشتم، ترسیم با نستعلیق در ۹۶۸ ه. ق.
- ۹- دیوان عصمت بخارایی، به خط نستعلیق، از سده دهم.
- ۱۰- روضة الصفاء میرخواند، به خط نسخ محمد بن شیخ امین الدین جهرمی، از ۹۷۴ ه. ق جلدهای ۴ و ۵ و ۶ از کتاب.
- ۱۱- صیف النبوة یا مشهد الشهدا، حسین ندایی، به خط نستعلیق قاسم بن علی، از ۹۲۷ ه. ق.
- ۱۲- شاهنامه فردوسی
- ۱۳- شاهنامه قاسمی
- ۱۴- جواهر الاخبار، تألیف بوداق منشی قزوینی.
- ۱۵- صریح الملک، گردآوری شده در ۹۷۵ ه. ق
- ۱۶- فتوحات شاهی (مقدمة الفتوحات)، ابراهیم امینی، مشتمل بر پنج فتح، کتابت به خط امینی در هرات به سال ۹۲۷ ه. ق.
- ۱۷- فرهاد و شیرین، وحشی، به خط نستعلیق، از ۹۹۷ ه. ق
- ۱۸- کامل التعبير، ابوالفضل جیش بن ابراهیم تفلیسی، به خط نسخ علی شاه بن احمد شاه بن علی ضایع اصفهانی، رمضان ۷۳۷ ه. ق.
- ۱۹- کلیات سعدی، نسخه اول به خط نستعلیق شاه محمد کاتب، نسخه دوم به خط نستعلیق از ۹۰۸ ه. ق.
- ۲۰- مثنوی معنوی، یکی به خط نستعلیق احمد بن محمود، از ۸۹۱ ه. ق، دیگری به خط نستعلیق محتملاً از سده دهم.
- ۲۱- مجمع التواریخ السلطانیة، حافظ ابرو، به خط نستعلیق، سده نهم یا دهم.
- ۲۲- مجموعه، به خط نستعلیق غیاث الدین بن ابراهیم معلم بگلجانی، (نسخه را

محمود قاجار فرمانروای نهایند در ۱۲۵۱ خوانده است.^(۱)

کتابخانه بقیه صفی الدین اردبیلی تا جنگ دوم ایران که منجر به انعقاد عهدنامه ترکمن‌چای شد بعد از کتابخانه آستان قدس رضوی، قدیمی‌ترین کتابخانه ایران بود که سالم بر جای مانده بود. اما پس از برافتادن سلسله صفویه و بروز انقلابات کتابخانه بقیه صفی الدین پراکنده گردید ولی در زمان سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار در جنگ دوم رومها با ایران کتابخانه هنوز فعال و کتب متناهی در آن باقی بوده و در همان ایام ذخایر گرانهای کتابخانه از بین رفته است و آن بدین صورت که در سال ۱۸۲۷ م قشون روسیه تزاری به فرماندهی ژنرال پاسکویچ سردار معروف روس در جنگهای (۱۸۱۲ و ۱۸۲۶ تا ۱۸۲۸ م) با ایران، پس از شکست دادن نیروهای ایرانی وارد شهر تبریز شد و از آنجا از طریق میانه به منظور توسعه دامنه فتوحاتش حرکت به تهران را داشت. در این زمان از آنجائیکه کتابخانه آستانه صفی در اردبیل که در زمان سلسله صفوی یکی از مهمترین کتابخانه‌های آن عصر محسوب میگردید هنوز هم پس از وارد شدن خسارت و خرابیهای زیاد تعداد قابل توجهی از کتب نادر و نفیس را در خود داشت در این حرکت ژنرال پاسکویچ گریبایدوف نویسنده و شاعر روسی همراه ژنرال بود و از آنجا که گریبایدوف ادیب بود از ارزش نسخ خطی کتابخانه اردبیل آگاهی وافیه داشت بنابراین برای دست یافتن به آن کتابخانه مشهور و تصرف آن گنجینه بی‌نظیر و انتقال آن به روسیه آرام و قرار نداشت. به هر ترتیب، در فکر غارت کتابخانه اردبیل بود و با وجود اینکه شهر اردبیل خارج از مسیر حرکت ارتش روسی بود و در خط جبهه قرار نداشت و تسخیر آن مستلزم هزینه و خسارت زیادی بود با این حال عده‌ای از قشون روسی را به سوی اردبیل روانه ساخت که هدف این قشون تصرف آن شهر و به جنگ آوردن کتب کتابخانه بقیه صفی بود.

۱ - مجله نشر دانش، مقاله تاراج یا امانت، جمشید کیانفر، شماره ۶، سال سیزدهم.

فرمانده قشون روسی پس از تصرف شهر اردبیل علمای شهر را احضار و مأموریت خود را به آنان ابلاغ کرد. علما و بزرگان شهر اعتراضی ننمودند و آنها سرانجام کتابهایی را که سالم مانده بودند به یغما بردند و آن را به تفلیس روانه ساخته و از آنجا به پایتخت روسیه آن زمان یعنی سن پترزبورگ انتقال داد و به فرمان امپراتور روسیه به عنوان غنایم جنگی به کتابخانه عمومی پترزبورگ تحویل گردید امید است با تمهیدات دولت مقتدر جمهوری اسلامی ایران و با روابط حسنه‌ای که با شوروی وجود دارد کتابهای غارت شده به کشورمان برگردانده شود.^(۱)

پولاک یکی از جهانگردان غرب در کتاب خود تحت عنوان سفرنامه پولاک در خصوص کیفیت و ویژگیهای کتابخانه اردبیل می‌نویسد که :

در اردبیل کتابخانه‌های خانگی معمول محدود است به یک جلد قرآن، چند دیوان از شعرای مشهور، یک کتاب لغت و یک اثر بزرگ در زمینه تاریخ مجموعه‌های بزرگ و جامع کتاب بسیار نادر است. به غیر از کتابخانه چند امامزاده تا جایی که من می‌دانم فقط در قصر پادشاه کتابخانه‌ای هست اما حتی در اینجا هم کتابخانه بیش از سیصد نسخه خطی و چند کتاب چاپ اروپایی که در اتاقی کوچک در سه قفسه متوسط جا گرفته است چیزی ندارد. کتابها به صورت افقی روی هم قرار گرفته است در حالی که پشت آنها رو به دیوار و لبه آنها نوشته شده است چون فهرست دقیقی درباره کتاب موجود در دست نیست، گاه یک کتاب مفقود می‌شود و در چنین حالتی باز شاه نسخه‌ای از آن را از بازار می‌خرد. بزرگترین کتابخانه‌ای که در ایران وجود داشته در اردبیل بوده است که روسها به هنگام تصرف این شهر آن را به سن پترزبورگ برده‌اند، در نتیجه فعلاً باید زیباترین کتب فارسی و عربی را در آنجا سراغ کرد.^(۲)

۱ - مجله تماشای زندگی، مقاله گنجینه تاراج شده بقعه شیخ صفی، دکتر یوسف معماری، شماره ۹ - ۱۱.
۲ - پولاک، ادوارد، سفرنامه پولاک، کیکاوس جهاننداری (تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۸، ص ۱۹۴.

تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت از لحاظ تاریخ، با پیدایش خود بشر و زندگی او در دوره‌های اولیه یکسان بوده است یعنی از زمانی که انسان در روی زمین ظاهر شده و زاد و ولد نموده است تعلیم و تربیت نیز آغاز شده است.

تعلیم و تربیت در اردبیل هم همانند دوره‌های اولیه تاریخ پیدایش جامعه بشری بوده است به طوری که پس از تأسیس و پیدایش شهر اردبیل تعلیم و تربیت مردم به دو صورت انجام پذیرفته یکی تعلیم و تربیت توسط پدر و مادر بوده که اندوخته‌های خود را به فرزندان منتقل می‌ساختند و شکل دوم آن به صورت مکتب و مدرسه بوده است که تعلیم و تربیت در آن به صورت مستقیم و تحت تأثیر علما و روحانیون تعلیم و تربیت صورت می‌گرفته است.

تعلیم و تربیت در زمان صفویه در اردبیل هم به دو شکل گفته شده بوده است بطوری که شیخ صفی الدین اردبیلی خانقاهی در اردبیل داشته و در آن او علاوه بر تعلیم فقه و علوم دینی برای شاگردان خود قرآن تفسیر می‌نموده است و همچنین در آن خانقاه ادب فارسی هم تعلیم داده می‌شده است به طوری که این تعلیم پس از شیخ صفی هم «در بین فرزندان» انجام پذیرفته به گونه‌ای که فرزندش شیخ صدرالدین موسی نیز مثل پدرش بوده و حوزه درسی وسیعی در مدرسه‌ای که کنار آرامگاه شیخ صفی ساخته بوده داشته و به تعلیم و تربیت مردم اردبیل در آن زمان می‌پرداخته است.»^(۱)

همچنین بسیاری از مورخان از جمله مؤلف کتاب عالم آرای عباسی و دایرةالمعارف جغرافیایی جهان «بریتانیکا» در آن زمان از یک مدرسه بسیار عالی در اردبیل و یک کتابخانه پر از کتابهای خطی در آنجا سخن به میان آورده‌اند.

۱ - بابا صفی، اردبیل در گذرگاه تاریخ، جلد اول، (اردبیل: دانشگاه آزاد اسلامی)، ۱۳۷۰، ص ۶۶.

آداب طریقت و تشکیلات طریقت در زمان صفویه

در بقعه اردبیل، صوفیان زندگی شگفتی داشتند، ده روز اول ذی‌الحجه و ده روز آخر ماه رمضان را علی‌الدوام صبح و شامگاه به ذکر جلی می‌پرداختند. در خوراک و پوشاک امساک مرتاضانه داشتند، غذای مریدان حلیم گندم بود. خود شیخ صفی، هنگام افطار فقط چند قاشق حلیم می‌خورد و تنها آنگاه که ضعف بر او مستولی می‌شد، دهن‌تور می‌داد که اندکی گوشت کباب کنند و نزد او بیاورند، کباب را بو می‌کرد و پس می‌فرستاد و...^(۱)

در تشکیلات صوفیان صفوی، ریاست عالیه، تحت عنوان «پیر یا مرشد» همواره با یکی از افراد خاندان صفوی بود و بر طبق نوشته والتر هینتس: «همواره فرزند مرشد پیشین بدین سمت انتخاب می‌شد (جز شاه اسماعیل که پس از برادر بزرگترش سلطان علی به این سمت برگزیده شد). این رسم حتی در آن هنگام که جانشین، پسری خردسال بود، باز رعایت می‌شد.»

مقررات و نظامات حاکم بر تشکیلات صفوی مبتنی بر اطاعت بی‌چون و چرا بود. به کمک قدرت نفوذ همین نظم مستحکم بود که مثلاً هیچگاه موضوع جانشینی موجب کشمکش یا حتی جدائی نشد. تعیین جانشین به وسیله پیر، در زمان حیات و در موقع مناسب انجام می‌گرفت و فرزند ارشد نیز شرط قطعی نبود. جانشین، بر کلیه میراث و مقامات معنوی و دنیایی، عایدات (ملاک و غیره) دست می‌یافت.^(۲)

۱ - تاریخ عالم‌آرای عباسی، جلد اول، ص ۳۲۵.

۲ - هینتس، والتر، تشکیل دولت ملی در ایران، کیکاوس جهاننداری (تهران: کمیسیون معارف)، ۱۳۴۶، ص ۸ - ۹.

فصل سوم

اردبیل از دیدگاه جهانگردان

- سفرنامه
- خواند میر
- ویلیام ماندلسلو
- تاورنیه
- ابودلف بن مهلهل
- اولثاریوس
- پیتر دلاواله

- سفرنامه‌ها

کتابها و سفرنامه‌هایی که مورخین و سیاحان و جهانگردان خارجی در مورد کشوری می‌نویسند در حقیقت مانند پرده‌های نقاشی از مناظر مختلف زندگانی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن کشور است. که معمولاً ارزش اطلاعات و قضاوت مورخین و سیاحان و جهانگردان خارجی یکسان نیستند. مطالعه کتابها و سفرنامه‌های مورخین و سیاحان خارجی به دلیل اشمال بر بسیاری از وقایع و حوادث آن ایام، از اسناد و مدارک مهم برای تحقیق در اوضاع و احوال اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هر کشور می‌باشد.

سیاحان دوره صفویه به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱ - جهانگردان و بازرگانانی که هدفشان آشنایی با احوال و اوضاع کشور و تحقیق در منابع ثروت مملکت بود. این افراد در پایان مسافرت خود سفرنامه‌هایی نیز بر جای گذاشته‌اند.

۲ - مبلغانی که برای تبلیغ دین خود به این منطقه آمده که در مدت توقف مشاهدات خود را نوشته‌اند.

۳ - سفیرانی که برای انجام مأموریتهای سیاسی آمده‌اند و در مراجعت شرح مسافرت خود را نگاشته‌اند.

به هر حال موقعیت ممتاز تاریخی، اقتصادی و نظامی و جغرافیایی اردبیل از دیرباز مورد توجه جهانگردان خارجی بوده است که از این شهر دیدن کرده‌اند. آنها از این شهر، دیدگاهها و خاطرات جالبی دارند که به آنها اشاره می‌شود:

اردبیل از دیدگاه جهانگردان - خواندمیر

در حدود یکصد سال بعد از مرگ شیخ صفی‌الدین اردبیلی، خواند میر جهانگرد معروف ایرانی به اردبیل آمد و در کتاب خود حبیب‌السير ضمن تشریح اوضاع آشفته و متفاوت شهر به بیان حضور شخصیت شیخ و فریبندگی معنوی مردم و شهر اردبیل اشاره دارد و اطلاعات ارزنده‌ای را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد سپس اشاره جالبی در خصوص شهر اردبیل دارد که می‌گوید:

«اردبیل از این حیث که مسکن قدوه‌الاولیاء شیخ صفی‌الحق و الدین و اولاد کرامت‌نژاد آن حضرت بوده است، بهترین بلاد عالم و قبله طوایف بنی آدم است. حال اردبیل در کمال معموری و آبادانی است و ملجاء و مأمن اشراف طوایف انسانی در مشاهد عطرآسا و مراقد جنت آسای زبده الاصفیای مشارالیه و ذریّت امامت منزلتش پیوسته خوان احسان گسترده‌اند. و همواره سایه آن عتبه عالی مرتبه، صلاهی ضیافت خاص و عام در داده.»^(۱)

- ویلیام ماندلسلو

در اوایل سده یازدهم ه. ق شاعر گمنامی از شهر هولشتاین واقع در جمهوری آلمان در اثر مطالعه و تفحص در خصوص ایران زمین شیفته شکوه و زیباییهای موجود در این منطقه از جهان گردید. سپس مصمم شد که از نزدیک زیباییهای وصف شده شهرهای آنرا از نزدیک ببیند در همین راستا پس از طی راههای دور و دراز از طریق دریای سیاه رهسپار ایران گردید.

ویلیام ماندلسلو در عصر پادشاهی شاه صفی، نوه و جانشین شاه عباس اول در سال ۱۶۷۰ م از طریق قفقاز که در آن زمان جزئی از خاک ایران محسوب می‌شد وارد

۱ - مجله سبلان، مقاله اردبیل از دیدگاه جهانگردان، ناصرهمرنگ، شماره ۳، پاییز سال ۷۱، ص ۶۱.

ایران گردید و پس از گشت و گذار از شهرهای کشور ما در همان سال ورود به ایران به شهر اردبیل وارد شد در زمان ورود وی به شهر اردبیل حاکم شهر کلبعلی خان بود که ماندلسلو پس از اجازه از وی برای زیارت به بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی رفت این جهانگرد غربی در قرن هفدهم میلادی از این شهر دیدن نموده است و تمام مشاهدات خود را در یک کتاب بنام سفرنامه ماندلسلو چاپ نموده که بسیار خواندنی و جذاب می باشد این جهانگرد غربی در مقدمه سفرنامه خود توضیحاتی در خصوص چگونگی ورود به شهرهای مرزی ایران و ذکر احوال و اوضاع آبادیهای سر راه خود می پردازد سپس به شرح دیدنیهای شهر اردبیل پرداخته و می نویسد :

«اردبیل بی گمان بهترین، زیباترین، آبادترین و دلکش ترین شهرهای ایران است. چیزی است شبیه بهشت برین اگر نگوئیم بسان آن.»

سپس درباره بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی می گوید :

«آدمی هنگامی که به اندرونی آرامگاه شیخ، گام می نهد، چنان می پندارد که گویی در عالم آسمان و در چند قدمی ملائک و شانه به شانه علین و در دنیایی به غایت شفاف تر از آنچه که تا به حال دیده و شنیده و پنداشته، قدم می زند.

دیوارها را تو گویی پریان با عطر و گلاب اندود کرده اند نه آنکه معمار زبردستی خواسته است به وسیله اشکال گل و بوته، تکلیف خود را ادا کرده باشد. و تو درمی مانی که عناصری از قبیل خاک و آب و خشت و آجر و سنگ، چگونه می تواند آدمی را به دنیایی این چنین آسمانی و پاک و جاودانه بکشاند و این چیزی است که در کلیساهای غرب، هیچ به چشم نمی آید. شاید به همین دلیل من حق داشته باشم بگویم که بناهایی از قبیل کلیسای سانتا صوفیا و کلیسای نتردام و کلیسای سن پیترو، در مقایسه با آنچه که من در مزار شیخ صفی الدین در شهر اردبیل دیدم، هیچ چنگی به دل

نمی‌زند.»^(۱)

- تاورنیه

یکی دیگر از جهانگردان مشهور غرب که از ایران دیدن نموده است تاورنیه است وی جهانگرد و تاجر نامی فرانسه می‌باشد که در زمان شاه عباس دوم برای تحکیم و تثبیت روابط خارجی دولت ایران و پادشاهی فرانسه از طریق راه طرابوزان وارد شمال غرب ایران شد و از طریق اردبیل رهسپار فلات مرکزی ایران شد. از همان بدو ورود تاورنیه شهر در منتهای آبادی و زیبایی قرار داشت و شکوه خیره‌کننده آن دیده‌هر تازه‌واردی را به سوی خود فرا می‌خواند به طوری که تاورنیه پس از بازگشت از ایران کتابی تحت عنوان سفرنامه تاورنیه چاپ نمود و در آن کتاب وی به شهر اردبیل و احوال و اوضاع آبادیهای آن اشاره‌ای دارد که که مناره‌های بلند بالا و متعددی که در اقصانقاط شهر بزرگ، هر پنج وقت یک بار مردم را به نماز، صلا درمی‌دادند، خیابانهای سنگفرش و پاکیزه، باغات سرسبز و گسترده‌ای که چشم‌انداز بی‌بدیلی از زیبایی و شکوه را برای هر بیننده بی‌ذوقی به همراه می‌آورد، طیف وسیعی از عمارتهای معظم و بی‌نظیر و از همه مهمتر دنیای سرسبز و افسانه‌ای و آسمان فیروزه‌ای و نیل‌قام طبیعت اطراف شهر را توصیف می‌کند. سپس در ادامه مشاهدات خود می‌نویسد:

«... در یک غروب مه‌آلود پاییزی ما در یکی از تالارهای باشکوه دولتی که مشرف به شمال غرب شهر ساخته شده بود، رو به سوی کوه افسانه‌ای سبلان ایستاده بودیم. شهر زیبا و با عظمت در زیر پا و آسمان پاک و فیروزه‌ای که همانندش را نه در غرب و نه در شرق در هیچ کجا ندیده‌ام، در بالای سر قرار داشت. و این دو در آن دور دستها در جایی که تنها به بهشت می‌ماند به هم می‌رسیدند و همدیگر را در آغوش می‌گرفتند در

۱ - مجله سبلان، مقاله اردبیل از دیدگاه جهانگردان، ناصر همرنگ، شماره ۳، پاییز سال ۷۱، ص ۶۱.

نقطه‌ای فراتر از خیال آدمیان و پریان»^(۱)

- ابودلف ابن مهلهل

ابودلف جهانگرد عرب می‌باشد که از قرن چهارم سیاحی را شروع کرده و در شرق و غرب کشورهای اسلامی به سیاحت پرداخته است و از طریق ارمنستان و تفلیس به اردبیل مسافرت نمود. پس ابودلف خاطرات خود را در کتابی بنام سفرنامه ابودلف جمع‌آوری نموده است و از آنجائیکه ابودلف مرد بازرگانی بوده و به معاون علاقه فراوانی داشته است سفرنامه وی از این نظر حاوی اطلاعات وافیه و کافی است او در بخشی از سفرنامه خود می‌نویسد که از کوه‌های «ویزور» و «قبان» و «خاجین» و «ربع» و «حندان» و «بذین» گذشته و به اردبیل رفته‌ام. در این مکان معدنی از زاج وجود دارد که به نام محل خوانده می‌شود. زاج آن سرخ و معروف به یمن می‌باشد و از آنجا به یمن و واسطه فرستاده می‌شود. در واسطه پشم را فقط با آن رنگ می‌کنند. جنس آن بهتر از زاج مصری است. در این مکان و در اردبیل و در کوه‌های ذکر شده آب‌های معدنی و طبیعی وجود دارد که فقط برای معالجه جرب مفید است. در «بذین» مکانی به مساحت سه جریب دیدم. می‌گویند این محل قدمگاه موقف رجل مردی می‌باشد و هرکس در آنجا بایستد و از خدا چیزی بخواهد دعایش مستجاب می‌شود. در بذین پرچم‌های سرخ‌پوشان معروف به خرمیه برافراشته شد و بابک از آنجا برخاست و نیز در این مکان انتظار ظهور مهدی (عج) را دارند، در پایین شهر رودخانه بزرگی جاری است و چنانچه بیمار مبتلا به تب‌های کهنه در آن شستشو نماید شفا می‌یابد.

در نزدیکی آن مکان رود ارس «رس» جاری است. در این ناحیه انار عجیبی بار می‌آید و من مانند آن را در هیچ شهری ندیده‌ام انجیر آن نیز عجیب است. کشمش را در آنجا در تنور خشک می‌کنند زیرا به واسطه فراوانی مه آفتاب ندارند و آسمان آنجا هیچ

۱ - تاورنیه، ژان باتیست، سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، اصفهان، سنایی، ۱۳۳۱، ص ۷۳ - ۷۶.

وقت صاف نمی شود. در آنجا گوگرد کم است و آن را قطعاً در آبها به دست می آورند و هرگاه زنان آب را با خمیر نان بخورند فربه می شوند.^(۱)

- اولئاریوس

آدام اولئاریوس، یکی از جهانگردان اروپایی است که در عصر صفویه به ایران سفر کرده و مدتی را به سیر و سیاحت در شهرها و نقاط مختلف ایران گذرانیده است و به مدت دو ماه نیز در دارالارشاد اردبیل اقامت داشته است. او شرح دیده ها و شنیده های خود را در کتابی بنام سفرنامه اولئاریوس گرد آورده است و ترجمه این کتاب در دو جلد منتشر شده است. در جلد دوم این کتاب ۲۲ صفحه به معرفی شهر اردبیل، آثار تاریخی و مراسم و آداب مردم آن اختصاص یافته است. اولئاریوس در سفرنامه خود در مورد اردبیل می نویسد:

شهر اردبیل تقریباً شکل یک دایره را داشته و قطر آن در حدود سه میل است. دورتادور آن را کوهستانهایی فراگرفته و مهمترین این کوهها در مغرب آن است که سبلان نام دارد و بیشتر اوقات پوشیده از برف است. در جنوب شرقی آن هم کوهستانهای گیلان قرار دارند. این کوهستانها، هوای اردبیل را ناپایدار کرده و زمانی آن را گرم و زمانی آن را سرد می نمایند و روی هم رفته آب و هوایی ناسالم به اردبیل داده اند، مخصوصاً در ماههای اوت و سپتامبر که بادهای موسمی در آن شهر وزیده و عده زیادی را بیمار می کند، چند نفر از ما از جمله بروگمان سفیر و گرامان طی اقامت در اردبیل سخت بیمار شده و بستری شدند و مرض آنها طوری شدت یافت که در زنده ماندنشان تردید پیدا کرده بودیم. معمولاً ظهرها که آفتاب کاملاً بالا می آید با کمال تعجب به طور ناگهانی گردبادی در آن شهر شروع شده و گرد و خاک زیادی را به هوا بلند می کند ولی پس از یک ساعت گردباد پایان یافته و هوای شهر آرام می گردد و به

۱ - ابن مهلهل، ابودلف، سفرنامه ابودلف، ترجمه ابوالفضل طباطبایی (تهران)، ۱۳۴۲، ص ۴۶.

همین جهت ترکهای ایران ضرب المثلی دارند که «سابا اردبیل، نیمروز کردبیل یعنی صبحها اردبیل، ظهرها گردوخاک زیاد.»

به علت هوای نسبتاً سرد، در اردبیل انگور، خربزه و مرکبات عمل نمی آید ولی سیب و گلابی زیاد دارد. درختان اردبیل در آخر ماه آوریل تازه شروع به شکوفه می کند ولی در دامنه کوههای اطراف که هوا گرمتر است میوه های مختلف به عمل می آید. زمینهای کشاورزی اردبیل خوب و حاصلخیز است و چراگاهها و مراتع آن هم قابل توجه می باشد و به همین جهت دامداران خارجی و مخصوصاً ترکها با استفاده از پشتیبانی شاه ایران از این مراتع برای چرای گله های خود استفاده می کنند یکی از مطلعین اردبیل می گفت که در مدت ۱۴ روز در حدود صد هزار گوسفند از روی پل اردبیل گذشته و وارد چراگاههای آن شده اند، گله داران خارجی قسمتی از گوسفندان خود را در همین جا معامله کرده و به فروش می رسانند. برای چرای هر گوسفند مبلغی در حدود ۹ فینگ آلمانی عوارض گرفته می شود و غیر از آن از هر گوسفند ۵/۵ فینگ دیگر بابت عوارض گمرکی اخذ می گردد و اگر بخواهند آنها را بفروشند از فروش هر گوسفند نیز همین اندازه عوارض دریافت می شود.

اردبیل حصار و دیوار محافظی در اطراف خود ندارد، خانه های آن هریک دارای باغ میوه هستند و به همین جهت اردبیل از فاصله دور بیشتر مانند یک جنگل به نظر می آید تا یک شهر، ساختمان چوبی، کمتر در این شهر دیده میشود زیرا چوبهای آن را باید از گیلان که تا اردبیل شش روز راه است بیاورند. از وسط شهر رودخانه ای بنام بالخلو جاری است که چندین پل سنگی روی آن زده اند، این رودخانه از دهی واقع در جنوب به طرف اردبیل جاری شده و قبل از ورود به شهر به دو شاخه تقسیم می گردد یک شاخه آن وارد شهر شده و شاخه دیگر به طرف خارج شهر رفته و به رودخانه قره سو میریزد. در ماه آوریل و اوایل بهار که برفهای کوهستانی اطراف شروع به آب

شدن می‌کند، آب این رودخانه زیاد شده و اگر آب آن را به خارج شهر هدایت نکنند اردبیل را سیل فرا می‌گیرد. یکبار چندی قبل از این واقعه در زمان شاه عباس روی داد که سیل خانه‌های اردبیل را که از خشت ساخته شده‌اند خراب کرده و با خود برد، گهواره‌های بچه‌ها روی سیلاب به حرکت افتاد و در این حادثه تلفات جانی و مالی زیادی به مردم شهر و احشام آن وارد شد. به همین جهت در ماه آوریل که ما در اردبیل اقامت داشتیم در حدود هزار کارگر با بیل و کلنگ مشغول ساختن سدی در مقابل آب رودخانه بودند که سیلاب را از شهر منحرف نمایند.

اردبیل علاوه بر کوچه و خیابان زیاد، دارای پنج خیابان اصلی است که نسبتاً عریض بوده و دارای درختها و اشجاری هستند که تابستانها سایه خنکی بر سر عابران می‌اندازند. این شهر دارای میدان بزرگ و گردشگاه و محل خرید است که در حدود سیصد قدم طول و نصف این مقدار عرض دارد. در اطراف میدان دکانهای زیادی ساخته شده که اصناف مختلف در آن مشغول کار و فروش تولیدات خود هستند، در مدخل این میدان سمت راست و در کنار مزار شیخ صفی، امامزاده‌ای واقع است. اگر کسی مرتکب گناهی شده و مورد تعقیب واقع گردد و در این امامزاده متحصن شود، کسی نمی‌تواند متعرض او شود و از اینجا هم اگر خود را به مزار شیخ صفی برساند، برای همیشه از مجازات معاف می‌ماند. در عقب این میدان بازاری وجود دارد که همه آن را قیصریه می‌نامند و طلا و زینت‌آلات و جواهرات و پارچه‌های ابریشمی و اشیاء نفیس و گرانبها برای فروش عرضه می‌شود. این قیصریه دارای ۳ در است که به طرف بازارهای مختلفی می‌رود و در این بازارها کالاهای عادی و معمولی به فروش می‌رسد. در این بازارها، کاروانسراهای مختلفی هم وجود دارد که در آن تجار ایرانی و خارجی از قبیل ترکها، تاتارها و هندیها مشغول معامله هستند و در یک کاروانسرا دو تاجر چینی را مشاهده کردیم که به فروش ظروف چینی اشتغال داشتند. تعداد حمامهای عمومی شهر

زیاد است. مساجد زیاد و یک کلیسا هم در اردبیل وجود دارد، مهمترین مساجد شهر، مسجد آدینه واقع در تپه‌ای در مرکز شهر است که گلدسته‌های بلند و زیبایی دارد و اهالی شهر در این مسجد نماز جمعه را به جامی آورند، در جلوی این مسجد حوض آب بزرگی وجود دارد که آب آن را صدر اعظم کنونی ایران «ساروخوجه» با حفر چند چاه قنات از دامنه کوهستانهای اطراف به داخل شهر آورده است، و در این حوض مسلمانان برای اقامه نماز دست و روی خود را شسته و وضو می‌گیرند.^(۱)

– پیترو دلاواله

پیترو دلاواله سیاح ایتالیایی است که در زمان شاه عباس اول، وارد ایران شده و مدتی طولانی به همراه شاه صفوی و درباریانش در شهر اردبیل به سر برده است وی مشاهدات خود را در سفر به ایران در کتابی تحت عنوان سفرنامه پیترو دلاواله آورده است. پیترو دلاواله در مورد اردبیل در این کتاب می‌نویسد:

اردبیل در شمال ایران واقع شده و مثل بقیه قسمت‌های آذربایجان مرتفع و در نتیجه خنک است. این شهر در جلگه وسیعی قرار گرفته که از کوه‌های بلندی احاطه شده است و یکی از این کوه‌ها که خیلی نزدیک به شهر واقع شده از مهمترین سلسله جبالی است که من در آذربایجان دیده‌ام و می‌گویند همه جا دامنه آن قابل کشت و زرع است، این کوه‌ها سبلان یا سپلان خوانده می‌شوند و به آن سولان هم می‌گویند. احتمال دارد سبلان رشته‌ای از سلسله جبال زاگرس باشد که از غرب به شرق ادامه دارد و به هر حال با وجودی که ماه اوت بود بر روی آن برف زیادی قرار داشت.

اردبیل از لحاظ وسعت یکی از شهرهای متوسط ایران یعنی نه کوچک و نه بزرگ است. کوچه‌های این شهر همه بدقواره‌اند به این معنی که مساوی و مستقیم و حتی طویل نیستند و برعکس پریچ و خم و بی‌نظمند. خانه‌ها نیز وضع بدی دارند، ولی

۱ - اولتاریوس، آدام، سفرنامه اولتاریوس، (تهران: انتشارات ابتکار)، ۱۳۶۳، ص ۱۱۹ - ۱۲۵.

جمعیت شهر زیاد و امتعه در آنجا فراوان است، زیرا این شهر بر سر چهارراهی قرار گرفته و از ارمنستان و کردستان و گرجستان و قفقاز و دمیرقاپو و ایالات گیلان مال التجاره فراوانی به آنجا حمل می‌شود. در اردبیل شراب به عمل نمی‌آید چون اولاً هوای آن به علت سردی برای پرورش انگور مناسب نیست و ثانیاً موقعیت مذهبی شهر باعث شده که در اردبیل شراب نایاب شود و از طرف دیگر طبق قوانین اسلام شرابخواری گناه است و از سوی دیگر چون مقبره شاه صفی که بعد از مکه و مقابر حضرت علی (ع) و امام حسین (ع) برای ایرانیان مقدس‌ترین محل محسوب می‌شود در آنجا واقع شده باید حرمت آن را نگه داشت. پس به دلایل فوق در اردبیل یا مطلقاً شراب پیدا نمی‌شود و یا اگر پیدا شود آن را مخفیانه می‌خورند و به خصوص در ایامی که ما در آنجا بسر می‌بردیم حتی یک قطره آن نیز نایاب بود ...

در کوچه‌های اردبیل نهرهای فراوانی جریان دارند که از رودخانه جاری کوهستانهای اطراف منشعب می‌شوند و به اندازه‌ای آب در این شهر فراوان است که شهر و نیز در نظر انسان مجسم می‌شود. تمام نهرها پر از بهترین ماهیهایی است که من بعد از عزیمت از سکندریه در مصر و به خصوص در ایران از خوردن آن محروم بوده‌ام. ماهی قزل‌آلا در اینجا به حد وفور وجود دارد و یک روز که دیدم بعضی از سواران گرجی در باغ خانه من از نهر وسیعی که از آنجا می‌گذشت مشغول صید ماهی هستند، من نیز با آنان شریک شدم و از آن تاریخ به بعد ماهی زیادی خوردم ... همچنین اردبیل قبلاً مرکز ایالت و مقر خان بوده است. ولی بعد از اینکه شاه عباس آخرین حاکم شهر را به هلاکت رسانید دیگر نخواست حکومت این شهر را به دست خان جدید دیگری بسپارد اداره امور آن را بر عهده اشخاص کم‌اهمیت‌تری واگذار کرد. خانه‌ای که سابقاً به حاکم شهر «ذوالفقارخان» تعلق داشت، اکنون قصر سلطنتی است. زیرا در این شهر که خانه خوب دیگری وجود ندارد فقط این منزل با میدان جلو و باغ بزرگ و

حرمسرا و چیزهای مورد احتیاج دیگر آن شایستگی اقامت شاه را داراست. از این گذشته به جز مقبره شاه صفی چیز قابل توجه دیگری در اردبیل وجود ندارد و در این مقبره تمام شاهان و افراد مهم خانواده صفویه به خاک سپرده شده‌اند.^(۱)

- حمدالله مستوفی

حمدالله مستوفی قزوینی یکی از مأمورین عالیرتبه امور مالی مغولان در قزوین و مورخ و شاعر و جغرافی نگار عهد ایلخانان درباره شیخ صفی الدین یکی از قدیمیترین اشارات مستند را ارائه کرده و آنرا در سال ۷۳۱ ه. ق/ ۱۳۳۰ میلادی یعنی فقط چهار سال قبل از فوت شیخ صفی الدین، رقم زده است. در این نوشته وی می‌گوید که شیخ صفی الدین هنوز در قید حیات است و از نفوذ زیادی برخوردار می‌باشد. حکام مغول احترام زیادی به او قایل‌اند و او جان افراد زیادی را نجات داده است.

او در کتاب جغرافیایی خود بنام «نزهة القلوب» در توصیفی از اردبیل در اقلیم چهارم بار دیگر از شیخ صفی الدین حرف می‌زند، ولی با عبارت «علیه الرحمة» از او یاد می‌کند که مبین وفاتش می‌باشد. حمدالله مستوفی اطلاعات ذیقیمتی بر این گفته‌اش می‌افزاید، مبنی بر اینکه اکثر مردم اردبیل مذهب شافعی دارند و مرید شیخ صفی الدین علیه الرحمة هستند.^(۲)

شیخ صفی الدین یک صوفی شیعه و شاگرد و داماد شیخ زاهد گیلانی یکی از اجله دانشمندان عارف بوده شیخ صفی الدین بر خلاف بعضی صوفی‌های دیگر که مردم را از فراگرفتن علوم منع می‌کردند، علم و عمل را با هم جمع کرده و جمیع صوفیان شیعه نیز از شیوه او پیروی نمودند. شیخ صفی الدین اردبیلی صاحب مقام و حال و فضل و

۱ - دلاواله، پیترو، سفرنامه دلاواله، ترجمه شعاع الدین شفا، (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب)، ۱۳۴۸، ص ۳۶۴ - ۳۷۳.

۲ - مزاولی، میشل، پیدایش دولت صفوی، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: انتشارات نشرگستره، ۱۳۶۳، ص ۱۲۱.

کرامات بود با این وصف اولاد خود را به تکریم علمای دین تشویق می نمود و بنای امور دین و سیاست را بر گفته فقها می دانست و سلسله صفویه هم سفارش او را پذیرفتند و اولاد شیخ صفی از اول تا آخر، دستورات او را مراعات نمودند.

شیخ صفی الدین طرفدار دین مبین، توحید حق تعالی، توسل به انوار مقدسه ائمه طاهرین و حمایت از حامیان و شیعیان مولی الموحدين امیرالمومنین (ع) بود. شیخ صفی الدین مریدان خود را در متابعت از شریعت مقدسه تشویق و از زبان گشودن به امری که مخالف با ظاهر شرع باشد، منع می نمود. شیوه شیخ صفی الدین، برای رسیدن به خالق یکتا و محو شدن در وجود واجب مطلق، ذکر و فکر و ریاضت بود.^(۱)

۱ - سیوری، راجر: ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۲، ص ۷ - ۹.

فصل چهارم دانشمندان، نویسندگان و شاعران اردبیل

- قاضی زاده اردبیلی
- کمال الدین اردبیلی
- آیت الله مقدس اردبیلی
- حسین بن موسی اردبیلی
- ملادرویش اردبیلی
- سید محمد طاهر اردبیلی
- شیخ حسین اردبیلی
- شاه اسماعیل صفوی «خطایی»
- بانو باغبان اردبیلی
- نواب پریخان اردبیلی
- بزمی اردبیلی
- تزریقی اردبیلی
- عیشی اردبیلی
- بدیعی اردبیلی
- فائض اردبیلی
- ماهر اردبیلی
- شیخ صفی الدین اردبیلی

دانشمندان و نویسندگان و شاعران اردبیل در زمان صفویه :

خطه سرسبز سبلان از گذشته‌های دور تا به امروز خاستگاه صدها عارف و فقیه و دانشمند، شاعر و نویسنده و ... بوده است به عنوان نمونه می‌توان از مرحوم مقدس اردبیلی نام برد که کرامات و زهد و ورع وی ضرب‌المثل عام و خاص بوده است.

حقیر در این طرح تحقیق خود تنها به بررسی دانشمندان و نویسندگان و شاعران اردبیل که در زمان صفویه مشهور بوده‌اند پرداخته‌ام و در این میان آنهایی که اثری از خود به جای گذاشته‌اند را بررسی نموده‌ام چه بسا که ممکن است بسیاری از آنها هنوز که هنوز است ناشناخته مانده باشند.

- قاضی زاده اردبیلی

ظهیرالدین اردبیلی معروف به قاضی زاده متوفی ۹۳۰ هـ. ق شهید راه تشیع و صاحب کتاب رجال ظهیر الدین، یکی از فقها و علمای برخاسته از دارالارشاد اردبیل می‌باشد. او والد محترم شاعر نامی مرحوم لطیفی می‌باشد. مرحوم حاج آقا بزرگ می‌نویسد :

«در شذرات الذهب شرح حال او را آورده است و می‌نویسد او نخست بر فقه حنفی بود. از آن فقه برگشت و تصمیم به اعلام تشیع و معتقدات امامی خود نمود.

بالای منبر گفت مدح و توصیف صحابه واجب نیست و به خطبه نماز جمعه هم ضرر نمی‌رساند. براساس همین کلمه سر او بریده شد و در دروازه زویلۀ قاهره آویزان شد.^(۱)

شرح حال او در کتاب دانشمندان آذربایجان، تحت عنوان «ظهرالدین کبیر بن اویس بن محمد لطیفی نیز آمده است.» به این ترتیب نام پدر را با فرزند در هم آمیخته و نوشته است از تألیفات او ترجمه کتاب و فیات الاعیان ابن خلکان می‌باشد که نسخه‌ای از آن در کتابخانه مجلس و نسخه دیگر در کتابخانه آقای سلطان القرائی در تبریز می‌باشد. شرح حال فرزندش را محمد قزوینی در بهشت هشتم از ترجمه مجالس النفائس صفحات ۳۹۴ تا ۳۹۶ تحت عنوان «قاضی شیخ کبیر آورده است.» او کتاب رجالی به نام رجال ظهرالدین دارد.^(۲)

- کمال الدین اردبیلی

حسین بن شرف الدین عبدالحق اردبیلی، متوفی ۹۵۰ هـ. ق از بزرگان علم معقول و منقول بوده، و در ریاضیات و علوم فلکی و طب مهارت بسزا داشته است. وی معاصر شاه اسماعیل صفوی بوده و در شیراز پیش بزرگان علم و فلسفه مانند جلال الدین دوانی، امیرغیاث الدین دشتکی شیرازی، امیر جمال الدین بن عطاءالله حسینی و دیگران درس خواند، و به مقام بزرگی در حکمت و علم نائل آمده است.

این عالم بزرگ، گذشته از این مقامات که در حکمت و ریاضی داشته، در عرفان و تصوف نیز قدمی راسخ داشته، و از سالکان بزرگ این راه بوده است، ز به سبب همین میل و علاقه به تصوف، گلشن راز شیخ محمود شبستری را بر مذاق صوفیان شرح و تفسیر کرده است. او در علوم مختلف کتاب نوشته، و در سه زبان عربی، فارسی و ترکی

۱ - موسوی اردبیلی، فخرالدین، تاریخ اردبیل و دانشمندان، نجف اشرف، ۱۳۴۷، ص ۲۴۹.
۲ - بخشایش عقیقی، عبدالرحیم، مفاخر آذربایجان، جلد سوم، تبریز، نشر آذربایجان، ۱۳۷۵، ص ۷۱.

آثاری سودمند دارد، که مهم‌ترین آنها از این قرار است :

۱ - شرح نهج البلاغه، به زبان فارسی که آن را به نام شاه اسماعیل صفوی نگاشته است.

۲ - رساله‌ای در امامت به زبان ترکی

۳ - شرح تهذیب علامه حلی

۴ - تفسیر الهی به زبان فارسی، در دو جلد بزرگ پیرامون تفسیر قرآن کریم

۵ - حاشیه بر تحریر اقلیدس، تألیف خواجه نصیرالدین طوسی، در هندسه

۶ - تلخیص تحریر اقلیدس، که برخی فواید ریاضی و براهین تازه و مسایل بدیع در آن گنجانیده است... (۱)

- آیت الله مقدس اردبیلی

مرحوم شیخ احمد بن محمد اردبیلی، معروف به مقدس اردبیلی متوفی سال ۹۹۳ ه. ق ماه صفر در نجف اشرف واقع شده که قبر شریفش در ایوان طلای حضرت امیرالمؤمنین (ع) معروف است. او یکی از فقهای نامدار شیعه و یکی از مفاخر ارزشمند امامیه در قرن دهم هجری می‌باشد.

مرحوم شیخ احمد بن محمد اردبیلی، ضرب‌المثل زهد و تقوا و نمونه‌ای عالی‌مرزرداری فقاقت و پرچمداری هدایت شیعه در عصر خویشتن بوده است که به قول مرحوم محدث نوری «درخت علم و تحقیق با انوار درخشان قدس، زهد، اخلاص و کرامات او پوشیده شده است.» و یا به تعبیر علامه مجلسی «او در ورع و تقوا و زهد، به حد نهایی و مرتبت عالی‌نایل آمده است و همانند او در میان پیشینیان و متأخرین شنیده نشده است. خداوند او را با پیشوایان معصوم (ع) محشور بدارد.»

مرحوم مقدس اردبیلی تفکر مستقل امامی را در فقه پیش گرفت. و از پذیرفتن

۱ - خوانساری، محمدباقر، روضة الجناب، قم، مکتبه اسماعیلیان، ۳ تا، ص ۱۸۵.

دعوت امرا و سلاطین ایرانی امتناع می‌ورزید تا بتواند زیربنای فکری اصیل خود را در سرزمین مقدس علوی از گزند حوادث و عوارض و دخالت‌های بازدارنده سیاسی و اجتماعی محفوظ نگهدارد. او تدریس و تدرّس را بر تمام مزایای اجتماعی و سیاسی که احیاناً در ایران عاید او می‌گشت، ترجیح داد. پارسایی، زهد و عفت نفس اسلامی را کاملاً حرمت داشت. مقدس اردبیلی در مرجعیت نخستین فقیه نامدار غیر عرب بوده که لوای مرجعیت و فقاہت را به دوش خود کشید و پس از شهادت شهید ثانی (ره)، مقدس اردبیلی بود که مرجعیت و زعامت تامّه شیعه را بر عهده داشت، و این امر در اثر علم وافر و تقوا و ورع فوق‌العاده چشمگیر و موقعیت و منزلت ممتاز او در جمع شیعیان و پیروان اهل بیت (ع) بود.^(۱)

صاحب کتاب اردبیل در گذرگاه تاریخ درباره وی می‌نویسد: «ملا احمد بن محمد، معروف به مقدس اردبیلی یا محقق اردبیلی، از اعظم علمای اسلام در مذهب تشیع است. او در ورع و تقوا و فقه و کلام، وحید عهد خود به شمار می‌آید. او در نجف اشرف درس خوانده و به عالی‌ترین مقام فقاہت روز در عالم تشیع رسید و ریاست حوزه علمیه نجف را به عهده گرفت.»^(۲)

از کرامات مقدس، سید جزایری در مقامات خود نقل کرده است که مقدس اردبیلی در قحط سالی تمام طعام خود را با فقرا قسمت می‌کرد و برای خودش نیز مثل سهم یک فقیر برمی‌داشت، تا آنکه زوجه‌اش برآشفته که در مثل چنین سالی اولاد خود را بی‌آذوقه می‌گذاری، تا محتاج به سوال از مردم شوند؟ مقدس چیزی نفرمود و به قرار عادت معمولی به مسجد کوفه برای اعتکاف رفت. روز دوم مردی آرد و گندم خوبی به خانه‌اش آورده و گفت صاحب خانه این را فرستاده، و خودش هم در مسجد

۱ - تحقیق بخشایشی، عبدالرحیم، مفاخر آذربایجان، جلد اول، تبریز، نشر آذربایجان، ۱۳۷۵، ص ۷۵ - ۸۰.

۲ - باباصفری، اردبیل در گذرگاه تاریخ، جلد سوم، اردبیل: دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۳۵۳.

کوفه معتکف است. در صورتی که مقدس اصلاً از این جریان بی اطلاع بود، به خانه آمد و از قضیه مطلع گردید، دانست که از جانب خداست. او به لوازم حمد و شکر الهی قیام ورزید.

مقدس اردبیلی با شیخ بهایی و میرزا محمد استرآبادی صاحب رجال و نظایر ایشان معاصر بوده و از بعضی تلامذه شهید ثانی و اکابر فضلاء عراقین تحصیل معقول و منقول کرده و ملا عبدالله شوشتری و صاحب مدارک و صاحب معالم و بسیاری از اجلای وقت، از تلامذه وی بوده‌اند.^(۱)

مقدس اردبیلی از خود آثار و تألیفات گرانمایی را به یادگار گذاشته است که از مهمترین آنها عبارتند از:

۱- زیادةالبیان فی براهین آیات الاحکام، کتاب استدلالی پیرامون آیات عملی و اجرایی قرآن می باشد.

۲- اثبات الواجب (به فارسی که همان اصول الدین است)

۳- استیناس المعنویة (به عربی در علم کلام)

۴- حاشیه شرح تجرید قوشچی

۵- حاشیه شرح مختصر الاصول عضدی

۶- الخراجیه (که دو رساله در مسئله خراج و مالیات نوشته و هر دو در سال ۱۳۱۸

ه. ق، در حاشیه در الفوائد چاپ سنگی شده‌اند.)

۷- مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان

۸- حدیقة الشیعة ...^(۲)

۱- مدرّس، محمدعلی، ریحانة الادب، جلد پنجم و ششم، (تهران: انتشارات خیام)، ۱۳۶۹، ص ۳۶۶ - ۳۷۹.

۲- حرعاملی، شیخ محمدبن حسن، اعیان الشیعه، با تعلیقات اشکوری، جلد نهم، بغداد، داراندلس، ص ۹۵.

وفات مقدس اردبیلی در ماه صفر سال ۹۹۳ هـ. ق در نجف اشرف واقع شد و قبر شریفش در ایوان طلای حضرت امیرالمومنین (ع) معروف است. در ردیف اشخاص موسوم به احمد از نخبةالمقال گوید:

والاردبیلی من الاعاظم منه استجاز صاحب المعالم
مقدس ذورع و عفة وفاته فی الالف الا السبعة^(۱)

نامه مقدس اردبیلی به شاه عباس صفوی

شجاعت و صراحت این روحانی پاکباز را از نامه‌ای که به شاه نوشته است می‌توان دریافت. از قول مولف قصص العلما آمده است که یکی از ملازمان شاه که مورد قهر و غضب وی گشته بود، به شیخ مقدس اردبیلی متوسل تا از وی نزد شاه شفاعت کند. مقدس به شاه عباس رقعہ‌ای نوشت که: «... ربانی ملک عاریت عباس بداند: که اگر این مرد در اول ظالم بود، اکنون مظلوم می‌نماید چنانچه از تقصیر او بگذری شاید حق سبحانه و تعالی از پاره تقصیرات تو بگذرد، کتبه بنده شاه ولایت، احمدالاردبیلی.»

شاه عباس، خود از این طبقه از علما، وحشت تام داشت. حالت انفعالی او، از پاسخی که به شیخ مقدس داده است، آشکار می‌شود: «... به عرض می‌رساند: عباس، خدمتی که فرموده بودید، به جان منّت دانسته به تقدیم رسانید که این محب را از دعای خیر فراموش نکنید. کتبه: کلب آستان علی، عباس.»^(۲)

- حسین بن موسی اردبیلی

حسین بن موسی اردبیلی متوفی سال ۱۰۵۳ هـ. ق او یکی از فقهای بزرگواری بود که در استرآباد سکونت می‌ورزید. در فقاہت و فضیلت در سطح عالی قرار داشت. او معاصر شیخ بهایی بود. تالیفاتی دارد که از آن میان شرح «رساله صومیّه» شیخ بهایی

۱ - مدرس، محمدعلی، ریحانة الادب، تهران، انتشارات خیام، ۱۳۶۹، ص ۵ و ۶، ص ۳۶۶ تا ۳۷۰.
۲ - فلسفی، نصرالله، زندگانی شاه عباس اول، جلد دوم، (تهران: دانشگاه تهران)، ۱۳۴۴، ص ۸۸۵ - ۸۸۶.

می‌باشد و در بخشی از آن آمده است: «هنگامی که به این قسمت رسیدم، درگذشت مولف را در شهر اصفهان شنیدم» (۱۰۳۱ - ۹۵۳ ه. ق) که در آن شهر درگذشته است و جنازه‌اش به شهر امام رضا (ع) حمل شده است.^(۱) نسخه خطی این کتاب در مکتبه آیت‌الله العظمی سید محسن حکیم موجود است. او علاوه بر شرح رساله فوق، حواشی و تعلیقاتی نیز بر شرح تهذیب اصول عمیدی و جز آن دارد.

- ملّا درویش اردبیلی

امیرالدین ملّا درویش اردبیلی (۱۰۶۹ م) ادیب و دانشمند و فاضل جلیل القدری بوده است. در قرن یازدهم هجری می‌زیسته و از علمای دوران شاه عباس صفوی و جانشینان او به شمار می‌آمده است.

در دست‌نوشته برخی از شاگردان او دیده شده است که او در هنگام تحویل سال ۱۰۶۹ هجری که مطابق با ماه رجب بوده است مقارن صبح بدرود زندگی گفته است.^(۲) اطلاعات بیشتر از این از آن مرحوم موجود نیست.

- سید محمد طاهر اردبیلی

سید محمد طاهر بن محمد طالب حسینی موسوی مشهدی، کتابی نوشته به نام «الشجرة المباركة» بعضی از اجزای کتاب در رجال است از فقهای معروف قرن یازدهم هجری می‌باشد که تاریخ وفات وی مشخص نیست. مؤلف کتاب الذریعة از او و تألیف رجالی او نام برده است. وی می‌گوید: «رجال سید محمد طاهر موسوی اردبیلی مشهدی، سبک بسیار عجیب و وضع بسیار شگفتی دارد، و آن بخشی از کتاب بزرگ الشجرة المباركة می‌باشد. در آغاز آن پس از حمد و ثنای الهی گوید: این کتاب نخستین مرحله از شاخه‌های شجره مبارکه می‌باشد بدان شناخت سندهای احادیث از نظر

۱ - اردبیل در گذرگاه تاریخ، جلد سوم، ص ۳۱۵.
۲ - تاریخ اردبیل و دانشمندان، جلد اول، ص ۲۱۳.

صحت و ضعف از آن کارهای مهم می‌باشد. چون انگیزه‌ها و فواید آن بی‌شمار می‌باشد و چون رساله کوتاه و فشرده در این ارتباط وجود نداشت که به آسانی جوینده را به مطلوب خویش نایل سازد در سال ۱۰۹۱ ه. ق به صورت سریع و عجله خواستم اسامی راویان را به صورت حروف تهجی تنظیم نمایم و علامت اختصاری و رمزی ترتیب دادم. نخست رموز اسم پیامبر خدا (ص) و ائمه اطهار (ع) و علامت «صح» نشان صحیح بودن، «ق» علامت موثق بودن و «ن» علامت حسن بود «عف» علامت ضعیف بودن، «م» علامت مجهول بودن و همچنین رموزی جهت اسامی منابع ترتیب دادم
...» (۱)

۱ - افندی، میرزا عبدالله ۷ ریاض العلماء، با تعلیقات اشکوری، جلد دوم، قم، کتابخانه مرعشی، ص ۱۸۹. همچنین رجوع شود به کتاب تهرانی، حاج آقا بزرگ، طبقات اعلام الشیعه، جلد پنجم، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۷۲، ص ۷.

- شیخ حسین اردبیلی

او فرزند شیخ موسی فاضل فقیه و صالح و معاصر شیخ بهایی بوده که دارای آثار و تألیفات متعددی می باشد که یکی از آنها حواشی بر تهذیب الوصول عمیدی و شرح الرسالة الصومیه شیخ بهایی می باشد.^(۱)

استاد شکوری فرد دیگری را به نام سید حسین حسینی اردبیلی که از اعلام قرن دهم می باشد معرفی می نماید که او در سال ۹۷۳ ه. ق جهت اخذ پاره ای از مسایل فقهی به اردبیل مهاجرت می نماید و مسایل متعددی را از او می پرسد و آنها را در مجموعه ای به نام «تحصیل المراد ممّا استصعبت من عبارات الارشاد» گردآوری می نماید و در آن مجموعه می نویسد: سیدبزرگوار، آثار و تألیفات استواری دارد. آنگاه او را با اوصاف سیدالمحققین، سندالمدققین و ارشاد علوم الانبیاء والمرسلین، نائب الائمة المعصومین (ع)، نتیجه العلماء المجتهدین ... تعبیر می آورد.^(۲)

صاحب امل الآمل در حق او می نویسد:

«او در شیراز پیش ملاصدرا تحصیلات خود را ادامه داده است. به تصوف و عرفان متمایل بوده است. او تألیفات و آثاری دارد که نگارنده پیش احفاد و نوادگان او در استرآباد دیده است. یکی از آنها «شرح اصول کافی» و دیگری «شرح صحیفه سجادیه (ع) به روش تفسیر مجمع البیانی» و رساله دیگری در امر ازدواج دختر باکره و بالغه و رشیده بی اذن ولی و پدر می باشد. در پایان منظومه فارسی در مواظ و اخلاق و پند و اندرز می باشد او موقع وفات بیش از ۱۰۰ سال عمر کرده بود.^(۳)

براساس منابع بالا مشکل دو فرد مستقل بودن نیز برطرف و حل میشود و او همان

۱ - حسینی، سید احمد، تراجم الرجال، جلد اول، قم، کتابخانه مرعشی، بی تا، ص ۱۷۰.
۲ - حرعاملی، محمدبن حسن، امل الامل، با تعلیقات اشکوری، جلد دوم، قم، کتابخانه مرعشی، ص ۱۴۲.
۳ - حرعاملی، محمدبن حسن، امل الامل، با تعلیقات اشکوری، جلد دوم، قم، کتابخانه مرعشی، ص ۱۴۲.

سیدالمحققین و سند المدققین می باشد.

— شاه اسماعیل صفوی «خطایی»

شاه اسماعیل در میان هنرها به شعر و نقاشی علاقه داشته است. از توجه او به نقاشی نوشته اند که در آغاز پادشاهی نقاشان زیردست را تشویق می کرده است. مانی شیرازی، شاعر و نقاش از کسانی بود که در نخستین سالهای سلطنت شاه اسماعیل مورد حمایت او قرار داشت. اما سرانجام با اینکه این مرد هنرمند به شاه اسماعیل عشق می ورزید، اما بر اثر حمایت حسودان بفرمان شاه صفوی بصورت غم انگیزی به قتل رسید اشعار زیر را هنگام مرگ برای شاه اسماعیل سرود:

مرا به ظلم بکشتی، طریق داد این بود؟ زیادشاهی حسن توام مراد این بود؟
بروز حشرکنم داد و دامننت گیرم که آنکه داد غمش خاک من بیاد این بود
سری جدا شده از تن به خاک راه افتاد سمنند ناز تو هر جا که پانهاد این بود
شنیده ای سخن غیر در حق مانی مرا کجا بتو ای دوست اعتماد این بود^(۱)
بهر حال شاه اسماعیل در شاعری شهرت بسیار دارد او به زبان ترکی شعر می سروده و دیوان شعرش در دست است. همچنین آورده اند که شاه اسماعیل صفوی، خود از شاعران خوب به زبان فارسی و ترکی بوده و «خطایی» تخلص می کرده است وی ده نامه ای در ۱۴۰۰ بیت نظم کرده که به سال ۱۹۴۸ م در باکو به طبع رسیده و دیوان اشعار ترکی او را هم آکادمی علوم اتحاد شوروی بنام «شاه اسماعیل خطایی اثرلری» به سال ۱۹۶۶ م منتشر ساخت.^(۲)

ذبیح الله صفا در کتاب خود می نویسد: «شاه اسماعیل خود در بین ترکمانان برآمده و زبان مادریش ترکی بود و مانند گویندگان ترک زبان عهد خویش به فارسی و

۱ - شوستر والسر، سیبلا، ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه های اروپائیان، ترجمه غلامرضا ورهرام، (تهران: امیرکبیر)، ۱۳۶۴، ص ۵۹.

۲ - صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، جلد چهارم، (تهران: انتشارات فردوس)، ۱۳۶۶، ص ۱۳۶.

ترکی هر دو شعر می سرود...» همچنین وی شاعر اسماعیل را نخستین شاعر بزرگ، در لهجه ترکی آذربایجانی می داند.

نمونه‌ای از اشعار وی :

چند روزی ما ^۱ ، از حسن تو نادانی مکن	از برای زریسی آلوده دامانی مکن
زر رود از کف، پشیمانی بماند سالها	جان من کاری که باز آرد پشیمانی مکن
با پریشانان مرو هرسوپریشان روز و شب	شد پریشان خاطر یاران پریشانی مکن
نقد مردی بهر زر، بر باد دادن مشکل است	کارهای این چنین مشکل، به آسانی مکن
مال دنیا را نکردند اهل همت اعتبار	ای خطایی اعتبار از عالم فانی مکن ^(۱)

۱ - تاریخ ادبیات در ایران، جلد پنجم، ص ۴۲۴.

ـ بانو باغبان اردبیلی

بانو باغبان اردبیلی به زبان آذری شعر می‌گفت و سخن می‌راند. در زمان شیخ صفی‌الدین اردبیلی می‌زیست و ابن بزاز در صفوة‌الصفاء درباره او چنین می‌نویسد : «خواجه آغا گوید عورتی بود بانو طالبه کار کرده باغبانی کردی روزی آتش شوقش زبانه کشید و در خاطرش افتاد که شیخ صفی مرا یاد نمی‌آورد زبان بگشاد و این پهلوی انشاء کرد :

دیره کین سر به سوادى ته گيجى ديره کین چش چو خونین آسره ریجی
دیـره سـرباستانه اچ ته دارم خود نواجی کو وریختی چو کیجی^(۱)
ابن بزاز در ادامه دو بیت مذکور اینگونه می‌نویسد :

پس از آن پسر بیامد و پاره سبزی و تره جهت حوایج زاویه بیاورد. شیخ به او فرمود با مادرت بگو که می‌خواهی که ما تو را یاد آریم تره و سبزی بی‌وزن می‌فروشی منت چون یاد آرم. از این بیان شیخ مشخص می‌شود که بانو باغبان در اردبیل و یا اطرافش زمین و باغی داشته که سبزی می‌کاشته و باغبانی می‌کرده است و دو بیتى ذکر شده نمونه‌ای از زبان آذری قرن هفتم و هشتم که در اردبیل متداول بوده است.^(۲)

۱ - معنی شعر : «دیرگاهی است که این سرباسوادی تو گيج است. دیرگاهی است که این چشم اشک خونین می‌ریزد. دیرگاهی است که سر به آستانه تو دارم. خود نمی‌گویی که بدبخت چه کسی هستی.»
۲ - ابن بزاز، درویش توکل بن اسماعیل، صفوة‌الصفاء، تصحیح غلامرضا طباطبایی، (تهران : انتشارات تابش)، ۱۳۷۳، ص ۲۲۰.

-نواب پریخان صفوی

نواب پریخان خانم دختر شاه طهماسب صفوی به سال ۹۵۵ ه. ق پایه عرصه حیات نهاد، او از زنان عالی همت و صاحب استقامت و دانشمند و دارای ذوق شعری از خطه دارالارشاد اردبیل می باشد. هنگام فوت پدرش بین درباریان اختلاف نظر پدید آمد، گروهی طرفدار حیدر میرزا پسر شاه طهماسب شدند و دسته ای به هواخواهی برادر وی اسماعیل میرزا که در قلعه قهقهه زندانی بود برخاستند. در این گیرودار، این خانم شجاع زمام امور را در دست گرفت و تا آزادی برادرش اسماعیل میرزا و رسیدن وی به قزوین حکمرانی کرد و بعد از فوت برادر در ایام فترت نیز تا ورود سلطان محمد خداوند «پدر شاه عباس» در اعمال دولت دخیل بوده است، ولی پس از ورود سلطان به قزوین و جلوس او بر تخت او را کشتند.^(۱)

نویدی تاریخ تکلمه الاخبار را به نام این بانو تألیف کرده است این بانوی سخنور در شعر خود را «حقیقی» تخلص می نمود.

نمونه ای از اشعار او:

ساقیا تکیه بر این دار فنا نتوان کرداده پیش آر که تغییر فضا نتوان کرد
خانه بر رهگذر سیل فنا نتوان ساختگر جاوید، در این کهنه سرا نتوان کرد
طاق ابروی تو محراب دلم تا نشوئی پریچهره به اخلاص دعا نتوان کرد
ای حقیقی چو تو را عمر به پایان برسد همه حکمت لقمانت، دوا نتوان کرد^(۲)

۱ - موسوی اردبیلی، فخرالدین، تاریخ اردبیل و دانشمندان، جلد اول، نجف اشرف، ۱۳۴۷، ص ۷۵ - ۷۶.

۲ - دولت آبادی، عزیز، سخنوران آذربایجان، جلد اول، (تبریز: دانشکده ادبیات تبریز)، ص ۲۴ - ۲۵.

-بزمی اردبیلی:

بزمی اردبیلی از شعرای شیرین سخن قرن دهم هجری قمری است وی به سبب رفتار خوب با مردم اردبیل، مورد توجه و احترام آنان بود. بزمی اردبیلی اوقات خود را با سیاحت و زیارت و تجارت سپری نموده است او در جودت ذهن، سرعت انتقال از شعرای نمونه می باشد. تقی کاشانی در خلاصة الاشعار و زیدة الافکار می نویسد: «او در اوائل حال به هندوستان رفت و از آنجا به زیارت خانه خدا شتافت مدت سه سال در مکه ماند از آنجا از راه دریا متوجه عراق شد تا به دارالمؤمنین کاشان رسید و از آنجا به دارالارشاد اردبیل رفت، بعد از اندکی اراده روم نمود، ولی هنوز اسباب سفر را فراهم نکرده بود که خویشان وی به طمع مال شبی به سر وی ریختند و بیچاره را خفه کردند و این قضیه در سال ۹۸۷ ه. ق رخ داد.

نمونه ای از اشعار او:

عام همه پوست آمد و مغزش در صورت چو مغز نه شد گذشت زیوست
از هرچه نه اوست در گذشتن چو نگرودی اگر نگذری از هرچه نه اوست^(۱)

-تزریقی اردبیلی

تزریقی از شعرای قرن دهم هجری می باشد. او در شماخی به معامله و داد و ستد اوقات خود را می گذرانیده و شعرهای مهمل می گفته است و گویا پیشوای صنعتی در صنایع بدیع است که تزییق نام دارد. این صنعت در عهد صفویه رواج داشته و تزییقی اردبیلی از این شیوه سبک در شعر گفتن بسیار استفاده می کرده است. او در صنعت تزییق که از صنایع بدیع در عصر صفویه بود دستی داشت و گویا یا خود او پیشوا و موسس این سبک بوده است او گوید وی نسبت به این سبک در مورد اشعار خود و مقلدینش گفته است:

۱ - تذکره شعرای آذربایجان، جلد اول، ص ۲۰ - ۱۸.

به طرز طرز طرز طرز طرزیدن نه تزریق است
که طرزیدن به طرز طرز طرز محض تزریق است
نمونه‌ای از اشعار وی :

رَوم در پشته کوهی چو اشتر خار می‌بینم
ز شادی بشکفم چون گل که در گلزار می‌بینم^(۱)

عیشی اردیلی

عیشی اردیلی در دارالارشاد ردیبل نشو و نما یافته و مطالعه کتب علمی نموده و در سنه ۱۰۲۶ هـ. ق به هرات آمده مدت یکسال در هرات ساکن بود، و از آنجا متوجه دیار هند گردید، طبع لطیف دارد و از نمونه اشعار وی :

نشد نخل مرادی سبز در باغ تمنایم درین محنت سرا با طالع خود در تماشا می
به هر نوعی که باشد می‌برم زین گلستان فیضی گلی گر نبود در دست، خاری هست در پایم
نمونه‌ای از اشعار وی :

خورشید پی نور کشد دامن داغم ای چرخ برافروز چراغی به چراغم
من نغمه سراب‌لبلم، اما کند آخر آواره زگلزار تو هم چشمی زاغم
مرغ آزاده اگر ذوق قفس دریابد در گلستان ارم بال فشانی نکند^(۲)

- بدیعی اردیلی

بدیع‌الزمان فرزند بهرام میرزا پسر شاه اسماعیل اول متخلص به بدیعی از شعرای معروف اردیل بود. وی به هوشیاری، سخاوت و بخشش معروف بود و سالها در سیستان حکومت کرد و در سال ۹۸۴ هـ. ق به دستور شاه اسماعیل دوم به قتل رسید.
از نمونه اشعار وی :

طرف کله به ناز شکستن نگه کنید آن آهو نه دیدن و جستن نگه کنید
آن طرز تازیانه کشیدن به بادپا وز کف عنان خلق گسستن نگه کنید

۱ - تذکره شعرای آذربایجان، جلد اول، ص ۳۴ - ۳۳. همچنین رجوع شود به کتاب دولت‌آبادی، عزیز، سخنوران آذربایجان، (جلد اول)، تبریز، دانشکده ادبیات تبریز، ص ۱۴.
۲ - گلچین معانی، احمد، کاروان هند، جلد دوم، (مشهد)، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹، ص ۹۲۸ - ۹۲۷.

مست آمدن به رغم (بدیعی) به بزم غیر بردن به تیغ دست و نشستن نگه کنید^(۱)

- فائض اردبیلی

ملاحیدر علی خلف مسیح الله اردبیلی معروف به فائض در قرن یازدهم هجری می زیسته و به سال ۱۰۸۱ ه. ق به درود زندگی گفته است. او مثل پدر از حسن خط بهره وافی داشته به گونه ای که از خطاطان بنام اردبیل بوده است همچنین وی در فن تاریخ استاد بوده است. اشعاری هم به شکل مثنوی می سروده و کتابی به نام «مهر و وفا» تدوین کرده است.

بیت اول آن کتاب:

شکر که دیباچه مهر و وفا گشت مشرف به سپاس خدا
بیت آخر آن:

مونس من باد محبت تمام کار دلم باد وفا و السلام^(۲)

- ماهر اردبیلی

علیقلی خان متخلص به ماهر از عشایر مغان و ساکن اردبیل بود. وی شغل عطاری داشت، ولی در فن نقاشی و خطاطی ماهر بود. مدتی در خدمت محمدحسین حکاک بود، سپس به تبریز رفت و در آنجا هنر نقاشی و خطاطی را کاملتر کرد می گویند با قلم مو خط نستعلیق را جالب می نوشت.^(۳)

- شیخ صفی الدین اردبیلی

شیخ صفی الدین اردبیلی نیای بزرگ سلاطین صفوی یکی از عارفان نامدار اردبیل می باشد که در سال ۶۵۰ ه. ق متولد شد. «نسب او به امام موسی کاظم می پیوندند و

۱ - افشار سیستانی، ایرج، نگاهی به آذربایجان شرقی، جلد دوم، تهران، انتشارات بهمن، ۱۳۶۹، ص ۷۰۱.

۲ - افشار سیستانی، ایرج، نگاهی به آذربایجان شرقی، جلد دوم، تهران انتشارات بهمن، ۱۳۶۹، ص ۷۲۶.

۳ - تذکره شعرای آذربایجان، جلد اول، ص ۵۳۴.

اجداد عظامش هادیان راه یقین و احفاد کرامش حامیان دین بودند.» وی پس از بلوغ به حد رشد در مزار شیخ فرج اردبیلی و گاه در مرقد ابی سعید که هر دو از مریدان جنید بغدادی بودند، مشغول عبادت شده است. سپس به عزم دیدار شیخ نجیب‌الدین بزغوش در سال ۶۷۸ ه. ق عزم سفر شیراز نمود در این سفر به دیدار رکن‌الدین بیضاوی و رضی‌الدین صالیفی و شیخ مصلح‌الدین سعدی نایل آمده، و مدتی با این بزرگان انیس و همدم گشته است. بنابه توصیه امیر عبدالله، به عزم زیارت شیخ زاهد گیلانی، از شیراز به اردبیل بازگشته است. پس از چهار سال توقف، برای ملاقات شیخ زاهد، به گیلان رفته و تا فوت آن مرشد، در خدمت او بوده و با دختر وی به نام «بی‌بی فاطمه» وصلت نموده است.

شیخ زاهد گیلانی که خود از مریدان شیخ جمال‌الدین تبریزی بوده است، و او هم مرید شیخ شهاب‌الدین محمود عتیقی اهری است و سلسله طریقت او به نه واسطه، به شیخ جنید بغدادی، و او به سُرّی سقطی و او به معروف کرخی، خادم حضرت علی بن موسی الرضا (ع) اتصال و ارتباط پیدا می‌کند. شیخ صفی در تاریخ ۷۰۰ هجری، خلیفه و جانشین شیخ زاهد گیلانی گردیده و تا دویست سال، شهر اردبیل از انفاس آن مرشد والامقام، دارالارشاد بوده و با آن عنوان نیز مشهود شده است.^(۱)

مؤلف کتاب نزهةالقلوب در حق او می‌نویسد:

«مرد صاحب وقت بود و قبولی عظیم داشت و به برکت آنکه مغولان را به او ارادتی عظیم بود، بسیاری از ایدها را از مردم بازداشت.»^(۲)

حضور عرفانی شیخ صفی در اردبیل، این منطقه را مجمع عرفا و ادبا و اهل فضل و علم و معرفت نموده بود و کسان بسیاری از خرمن فضل و اندیشه‌های او بهره می‌برده

۱ - عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، مفاخر آذربایجان، جلد دوم، تبریز، نشر آذربایجان، ۱۳۷۵، ص ۲۸.
۲ - عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، مفاخر آذربایجان، جلد دوم، تبریز، نشر آذربایجان، ۱۳۷۵، ص ۲۸.

است. هیچ بعید نمی نماید افرادی با زمینه های عرفانی و معنوی که در این حوزه عرفانی پیدا نموده بودند به دیگر حوزه های علمی نیز راه پیدا نموده باشند و همین زمینه های مذهبی و عرفانی او بود که باعث ظهور سلاطین پر قدرت صفوی در جهان تشیع گردید. همچنین نقل کرده اند که حضرت مولوی معنوی به ظهور شیخ خبر داده است. به هر صورت شیخ صفی الدین بیش از سی سال به هدایت و ارشاد طالبان اشتغال داشته و بیش از صد هزار نفر را تربیت فرموده، سخن منظوم از او مشهور نیست ولی بیت زیر بنام اوست.

آه از این ذکر فسرده چند از این فکر دراز آه های آتشین و چهره های زردکو^(۱)

۱ - عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، مفاخر آذربایجان، جلد دوم، تبریز، نشر آذربایجان، ۱۳۷۵، ص ۲۸.

فصل پنجم آثار و بناهای تاریخی اردبیل در زمان صفویه

- الف - مجموعه بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی
- ب - امامزاده‌های اردبیل
- پ - حمامهای اردبیل در زمان صفویه
- ج - پلهای اردبیل در زمان صفویه
- چ - بازارهای اردبیل در زمان صفویه
- د - دروازه‌های اردبیل در زمان صفویه

- آثار و بناهای تاریخی اردبیل در زمان صفویه

آثار و بناهای تاریخی زیادی از دوره‌های قبل و بعد از اسلام در اردبیل وجود دارد و به قول کریستی ویلسن مؤلف کتاب تاریخ صنایع تپه‌های اطراف اردبیل معرف آثار تاریخی قبل از اسلام و دوره اسلامی می‌باشند و چنانچه کاوشهای باستان‌شناسی در آنها انجام پذیرد بسیاری از حقایق تاریخی روشن خواهد شد.^(۱)

البته در این مقاله قصد ما این نیست که همه آثار تاریخی اردبیل را بیان نمائیم بلکه مراد ما فقط بیان آثار و بناهای تاریخی در یک دوره‌ای از تاریخ معین زمان صفویه می‌باشد.

مجموعه بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی

بنای بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی علاوه بر دُرا بودن جذبه روحانیت و طرز معماری مخصوص از نقطه نظر حاوی بودن نمونه‌هایی از صنایع مختلفه حائز اهمیت فوق‌العاده بوده و مزیتی بر سایر ابنیه تاریخی دارد زیرا در قسمت‌های داخلی و خارجی

۱ - ویلسن، کریستی، صنایع ایران، ترجمه عبدالله فریار، تهران انتشارات فرهنگسرا، ۱۹۳۸ م، ص ۲۰۱.

این بنا علاوه بر کاشیکاری و خطوط معرق بی مانند نمونه‌هایی از نقاشیهای مختلف و گچ‌بری و نقره‌کاری و حجاریهای بدیع و بی نظیر در روی سنگهای مرمر مشاهده می‌شود که هریک به نوبه خود از کارهای استادان ماهر می‌باشد. اینک هریک از این گنجینه‌های گرانبها بطور مجزا بررسی می‌شود.

۱- بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی

بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی از مهمترین آثار تاریخی اردبیل است که از بناهای کم نظیر تاریخی ایران و از لحاظ صنعت از شاهکارهای معماری و کاشیکاری سده هشتم هجری قمری و سالهای پس از آن است. قسمت اصلی بقعه در زمان شیخ صدرالدین موسی ساخته شده که نخستین بار شاه طهماسب آنها را به صورت مجموعه‌ای واحد در آورد. و بعدها شاه عباس سبب افزودن بناهای مهم به این مجموعه و اصلاحاتی در آن گردیده است و بنای آن قریب به ده سال بطول انجامیده است.^(۱)

مورخان نوشته‌اند: شیخ صفی در خانه‌اش که بیرون دروازه اسفیریس بوده است به خاک سپرده شده، خانه‌ای که به «بله یوسف» مشهور بوده و شیخ در آنجا خلوت می‌نموده است، بنابراین مولف صفوة الصفا در کتاب خود می‌نویسد:

«... مرقد منور آن مقام باشد که خانه بود که در جنب خلوتخانه قدس سره و باغچه و حوض و میان خلوت سرای عام و مزار مریدان بود ... جائی که شیخ در مرض و صحت، استراحت آنجا می‌کردی و آن مقام است که شیخ را به هر آن موضع و جدی شده بود و فرمودی: که از فیضی که نازل شد بدین مقام نصیبی رسید.»^(۲)

هنگامی که شیخ در روز دوشنبه ۱۲ محرم ۷۳۵ هجری قمری در می‌گذرد، جنازه

۱ - شهبازی شیران، حبیب، مجموعه شیخ صفی در اردبیل، اردبیلی، نشر آرتا، ۱۳۷۲، ص ۱
۲ - ابن بزاز اردبیلی، صفوة الصفا، تصحیح غلامرضا طباطبایی، تهران، انتشارات ثابتی، ۱۳۷۳، ص ۹۸۶.

او را زیر درخت بید خانه‌اش دفن می‌کنند. بنای اصلی مقبره شیخ، که گنبد الله الله و قسمتی از حرمخانه می‌باشد در زمان شیخ صدرالدین موسی ساخته شده و کاشیکاریهای آن هم از قدیمی‌ترین کاشیکاریهای بقعه به شمار می‌رود.^(۱)

بنابر نوشته‌های آدام اولثاریوس که در نیمه اول سده هفدهم میلادی برابر با یازدهم هجری قمری به ایران مسافرت کرده است معتقد است که نقشه و طرح ساختمان را شیخ صدرالدین، به شکل معجزه و دیدن تصویری در رویا مشخص نموده است. و در سفرنامه خود می‌نویسد:

«... شاه صدرالدین پس از مرگ پدرش، این بقعه را توسط استاد معماری که با خود از مدینه آورده بود با بهایی گران ساخت. می‌گویند که طرح و شکل چنین بنایی مربوط به معجزات شاه صدرالدین می‌شود که مانند پدرش صاحب کرامات بوده است. او به استاد معمار دستور می‌دهد چشمان خود را ببندد، معمار مزبور در حالتی روحانی تصویر ساختمان را در ذهن خود مشاهده می‌کند که همان را پایه و طرح کار خود قرار می‌دهد و مبادرت به ساختن آن می‌کند...»^(۲)

پس از فوت شیخ صفی‌الدین، همسرش فاطمه از شدت اندوه، پانزده روز بعد، درگذشت. شیخ صدرالدین، در ساختن و تعمیر مرقد پدر و مادر سعی بلیغ کرد، بطوریکه در تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب آمده:

«... و هم در آن اوان شیخ صدرالدین موسی مرقد والده ماجده خویش را تعمیر فرموده بقدر استطاعت در زینت آن مزار فایض الانوار سعی بلیغ نمود و ابواب فواید و عواید از تأسیس آن روضه متبرکه بر روی روزگار گشوده گشت و یکی از شعرا در

۱ - خواند امر، امیر محمود، تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی، تصحیح محمدعلی جراحی، تهران، نشر گستره، ۱۳۷۰، ص ۳۴ - ۳۷.

۲ - الثاریوس، آدام، سفرنامه آدام اولثاریوس، احمد بهپور، بخش ایران، تهران، انتشارات ابتکار، ۱۳۶۳، ص ۱۳۲.

وصف آن روضه سپهر انتما گفته :

برافروخت گرد مزار پدر به اندک زمان آسمان دگر
پی مرقد آن امام زمان زمین جمع گردید و شد آسمان
و از آن پس به وسیله فرزندان شیخ صدرالدین موسی، روز بروز بر رونق و آبادانی
آن افزوده گشت.^(۱)

بعد از شیخ صدرالدین موسی، سلاطین صفوی قسمتهای دیگری را نیز به بقعه
اضافه کرده‌اند از جمله : حیاط دوزنقه‌ای شکل بزرگ، رواق فعلی، مقبره شاه اسماعیل
و گنبد مربوطه آن، چینی‌خانه، مسجد جنت‌سرا، چراغخانه، چله‌خانه، مقبره سلاطین
صفوی، شهیدگاه...^(۲)

بقعه شیخ صفی‌الدین در جنوب شرقی میدان عالی‌قاپو قرار گرفته است. این میدان
در دوره صفویه وسیعتر از امروز بوده و طول و عرضی به اندازه ۱۵۰×۳۰۰ قدم داشته
است و معروف است که در زمان شاه عباس، شیخ ابدال متولی بقعه، این میدان را با
دری به چهارسوی بازار اردبیل مربوط ساخت. در آن زمان اطراف میدان را مغازه‌ها و
دکه‌هایی تشکیل می‌داده و ساختمان حکومتی اردبیل نیز در گوشه میدان بوده است.^(۳)
تمام مغازه‌ها و دکه‌های اطراف میدان، در گذشته جزء موقوفات بقعه بوده‌اند اما
اکنون وضع این موقوفات به هم خورده و چند مغازه محدود را جزء موقوفات می‌توان
به شمار آورد.

راه‌وروی بقعه از دری که به طول ۶ متر و عرض ۴ متر و از دو لنگه چوبی به
ضخامت ۱۰ سانتی‌متر ساخته شده می‌باشد. این در قبلاً کاشیکاری شده بود، ولی در

۱ - خواند امیر، امیرمحمود، تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی، تصحیح محمدعلی جراحی،
تهران، نشر گستره، ۱۳۷۰، ص ۳۶-۳۷.

۲ - معماری، یوسف، تابستان و دیدنیهای اردبیل، مجله تماشای زندگی، سال دوم، شماره ۳ و ۴، خرداد
و تیر ۷۳، ص ۲۳.

۳ - صفری، بابا، اردبیل در گذرگاه تاریخ، جلد دوم، اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۲۱۳.

تعمیرات مختلفه از میان رفته است. در وسط این کاشیها کتیبه‌ای به شرح زیر بوده است :

«قد اتفق الفراغ من هذه العمارة الشريفة الرفیعة، فی ایام دولت خاقان الاعظم و السلطان المعظم، مالک الرقاب العرب و العجم، السلطان بن السلطان شاه عباس الصفوی الموسوی الحسينی بهادر خان خلدالله ملکه و سلطانه، افاض الله علی العالمین بره و عدله و احسانه، به سعی امیرالکبیر المؤید به تأیید الملک المتان. نظر علیخان المتولی ۱۰۵۷ هـ. ق.»^(۱)

حیات بزرگ، در انتها بوسیله در دیگری که از که از سنگ مرمر ساخته شده است به دالان روبازی منتهی می‌شود که طول آن ۱۵ متر و عرض آن ۶ متر است. درهایی در سمت شرق و غرب این دالان آنرا به ترتیب به چله‌خانه و شهیدگاه مربوط می‌کند. چله‌خانه هم اکنون ویران شده ولی درگذشته، صوفیان برای تزکیه نفس به مدت چهل روز در اتاقهای آن روزه می‌گرفته‌اند. آثاری از کاشیکاری قدیمی در چله‌خانه دیده می‌شود. انتهای این دالان دری به صحن اصلی بقعه دارد. صحن اصلی حیات مستطیل شکلی به ابعاد ۱۶/۱۰ × ۳۰/۴۰ متر است که آثار حوضی با ۱۲ ترک در آن خودنمایی می‌کند و در عهد شاه طهماسب اول نشاخته شده است.

در دو سمت شرقی و غربی صحن حیات، دو رواق به اتاقهای ضری قرار دارد. ساختمان غربی به نام دارالمتولی، محل زندگی و چله‌خانه بوده و ساختمان شرقی به نام مسجد جنت‌سرا، ویژه مراسم عبادی و عرفانی بوده که دارای گنبدی است که قطر دهانه آن ۱۶/۲۰ متر می‌باشد که در دوره قاجاریه به مسجد تبدیل شده است.

در جلوی رواقهای شرقی و غربی، دو پنجره مشبک چوبی قدیمی که نمونه‌ای از

۱ - صفری بابا، اردبیل در گذرگاه تاریخ، جلد دوم، اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۲۰۲ - ۲۰۳.

هنر صنعتگران ایرانی است تعبیه شده و پایه‌های طرفین این پنجره‌ها از نوع کاشیکاریهای قدیمی و عالی است و دارای کتیبه‌هایی: کتیبه بالای در کوچک غربی راست، کتیبه بالای در کوچک غربی چپ، کتیبه قسمت فوقانی پنجره و ... است. در سمت چپ سرسرای ورودی یا صحن حیاط، مسجد جنت‌سرا قرار گرفته که بصورت هشت ضلعی طراحی شده و فاقد محراب است.

بره و عدله و احسانه، به سعی امیرالکبیر المؤید به تأیید الملک المنان. نظر علیخان

المستولی

۱۰۵۷ ه. ق. (۱)

در بالای در ورودی اتاقهایی قرار داشته که در سالهای اخیر محل اداره اوقاف اردبیل بوده است. سنگهای سیاه و مکعب شکل در دو طرف درگاه تعبیه گردیده‌اند، که از گورستان شهیدگاه به آنجا آورده شده و اکنون به عنوان سکو از آنها استفاده می‌شود. وجه تسمیه میدان عالی‌قاپو نیز به مناسبت همین درگاه است که در ترکی به معنای «در عالی» خوانده می‌شود.

در قسمت داخلی درگاه نیز باقیمانده زنجیری که مجرمان برای امان‌خواهی بدان متوسل می‌شدند مشاهده می‌شود. تاورنیه سیاح فرانسوی آنرا زنجیر صلیب گفته است. این درگاه به حیاط دوزنقه‌ای شکلی به ابعاد 26×93 متر مربوط می‌شود که دیوارهای شرقی و غربی بلند آن، به اتاق‌نماهایی، محل نشستن زائران بوده است و کف حیاط با تخته سنگهای آهکی مفروش گردیده است. دو راهرو به عرض $1/5$ متر در کنار و یک راهرو به عرض ۲ متر در وسط، با دو حوض قرینه که برخی معتقدند قبلاً مکان این حوض‌ها، ساختمانی بوده است که زائران را برای رفتن به سمت بقعه و همراه

۱ - صفری، بابا، اردبیل در گذرگاه تاریخ، جلد دوم، اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۲۰۲ - ۲۰۳.

داشتن سلاح کنترل می کرده‌اند. این زائران از نقاط دور و نزدیک به زیارت بقا می آمدند.^(۱)

حیاط بزرگ، در انتها بوسیله در دیگری که از سنگ مرمر ساخته شده است به دالان روبازی منتهی می شود که طول آن ۱۵ متر و عرض آن ۶ متر است. درهایی در سمت شرق و غرب این دالان آنرا به ترتیب به چله خانه و شهیدگاه مربوط می کند. چله خانه هم اکنون ویران شده ولی در گذشته، صوفیان برای تزکیه نفس به مدت چهل روز در اتاقهای آن روزه می گرفته اند، آثاری از کاشیکاری قدیمی در چله خانه بالای پنجره مشبک، مسجد جنت سرا عبارت: «یا ایها الذین آمنوا ذکروالله ذکراً کثیراً و سبحوه بکرة و اصیلا، هو الذی یصلی علیکم و ملائکته لیخرجکم من الظلمات الی النور و کان بالمومنین رحیماً» نوشته شده است. پنجره مشبک این قسمت نیز در قسمت چپ دارای دری است که به راهروی جنت سرا مربوط می شود و در بالای آن در قسمت میانی کاشیهای معرق عبارت: «ان المتقین فی جنات و عیون، آخذین ما آتاهم ربهم کانوا هم قبل ذلک محسنین.»

اما در دیوار شمالی صحن حیاط که به سردر شاه عباسی معروف است دارای هشت طاق نما است که با کاشیهای معرق تزیین شده و در ورودی در میانه این دیوار قرار دارد. سردر شاه عباسی در زمان شاه عباس اول ساخته شده و کاشیکاریهای دیوار و طاقهای شمالی در ۵۰ ساله اخیر تعمیر و تکمیل شده است.^(۲)

۲- رواق یا قندیلخانه:

در قندیلخانه به رواق یا دارالحفاظ مربوط می شود. رواق یا قندیلخانه ساختمان بلندی است به ابعاد ۱۱/۵ × ۶ متر که در هریک از دو ضلع شمالی و جنوبی آن یعنی

۱ - جامعی، بیوک، نگاهی به آثار و ابنیه تاریخی اردبیل، اردبیل، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲، ص ۹۶.
۲ - اردبیل در گذرگاه تاریخ، جلد دوم، ص ۲۲۱.

در قسمت طولی ساختمان، ۱۲ رواق یا ایوان مقابل هم در دو طبقه ساخته شده که نمادی از ۱۲ امامی بودن است. سطوح کلیه دیوارهای آن با بهترین نقاشی و تذهیب طلا تزیین شده است. این رواق از زاویه غربی ساختمان به وسیله دوپله مرمرین از قسمت شاه نشین جدا می شود و دری مشبک و فولادی که در بعضی قسمتها دارای روکش نقره می باشد محل جدایی رواق از شاه نشین است.

در دورتادور رواق به ارتفاع ۲ متری از کف آن کتیبه ای است به خط نسخ و برجسته بصورت گچبری که عباراتی در باب تصوف و عرفان و مدح مشایخ بزرگ را در برگرفته و کار استاد میرقوام الدین روضه خوان است. در حاشیه بالایی رواق دورتادور سوره مبارکه «الفتح» را خطاط مشهور دوره صفوی «محمد اسماعیل» به خط ثلث به رشته تحریر درآورده است.^(۱)

قندیلخانه یا رواق بقعه در زمان شاه طهماسب اول ساخته شده است و چون محل تدریس بوده، طاق نماهای طبقه فوقانی آن به بانوان اختصاص داشته است. پرچم جنگ چالدران با چوب خیزران به ارتفاع پنج متر در میانه دیوار شمالی رواق نصب شده و تنها پارچه سبز رنگ آن تعویض گردیده است. در سال ۹۴۶ ه. ق به دستور شاه طهماسب اول، فرش برای قندیلخانه بافته می شود که از نفیس ترین و گرانباترین فرشهای جهان به شمار می رفته است. پس از بافتن فرش نقشه آن را بر روی گنبد و گهواره سقف، تالار «قندیلخانه» به صورت مطلقاً نقاشی می کنند به طوریکه تصور می شده هریک از نقشه ها، اصل و تصویر، عکسی از دیگری است که بر آئینه نقش بسته است. این فرش به ابعاد ۵/۳۵ × ۱۱/۳۸ متر و با نقشی ریزبافت و تاروپود ابریشمی، وردشماره ۵۰ که مجموع گره های آن به ۳۲ میلیون عدد تخمین زده شده است. هرچند محل بافت آن به روشنی معلوم نیست، ولی چون نام مقصود کاشانی بر آن نوشته شده، به احتمال قوی

۱ - نگاهی به آثار و ابنیه تاریخی اردبیل، ص ۱۰۶ - ۱۰۷.

قالی کار استاد مقصود کاشانی است که در آذربایجان بافته شده است. در متن قالی مذکور، بیتی از حافظ بدین مضمون بافته شده است:

جز آستان توام در جهان پناهی نیست سرمرا بجز این در پناهگاهی نیست^(۱)

۳- شاه‌نشین:

در انتهای غربی رواق قندیلخانه محوطه‌ای با اختلاف ارتفاع ۷۰ سانتی‌متر و پله مرمرین وجود دارد که به نام شاه‌نشین معروف است. قسمت شاه‌نشین به وسیله پنجره فلزی از رواق جدا شده است. در روبه‌رو، یعنی منتهی‌الیه شاه‌نشین در ورودی به مقبره شیخ صفی‌الدین قرار دارد و آخرین در از کل مجموعه به مقبره شیخ محسوب می‌شود. از ابتدای ورودی مجموعه شیخ صفی تا مقبره او، روی هم هفت در وجود داشته است که نشان دهنده مرحله عرفانی به شمار می‌آمده است. آخرین در ورودی مقبره شیخ قبلاً از روکش زیبایی از طلای ناب پوشیده بوده است. در سمت راست شاه‌نشین اتاقکی است که در سابق محل نگهداری روپوشهای ارزشمند مقابر شیخ صفی‌الدین و شاه اسماعیل بوده است و در سمت چپ شاه‌نشین در مقبره شاه اسماعیل و حرمخانه قرار گرفته است.^(۲)

به طور کلی دیوارهای رواق و شاه‌نشین با گچ‌بریها و نقاشیهای الوان ممتاز پوشیده گشته و در حاشیه طاقها و دیوارها آیاتی از قرآن مجید و سلسله مشایخ شیخ صفی‌الدین گچ‌بری شده که قسمتی از آن در اطراف شاه‌نشین ریخته و در گوشه شمال شرقی شاه‌نشین بالای در حرمخانه متصل به شبکه نقره نوشته شده:

«کتیبه میراسد الله بن آقا میرقوام‌الدین روضه خوان»

شاه‌نشین به طول ۵/۷۰ متر و عرض ۴/۸۰ متر بوده و کف آن به اندازه چهل

۱ - اردبیل در گذرگاه تاریخ، جلد دوم، ۵ - ۲۷۲.
۲ - اردبیل در گذرگاه تاریخ، جلد دوم، ص ۲۳۰ - ۲۳۲.

ساتی متر از کف رواق بلندتر می باشد که به وسیله نرده آهنی مستور از ورق نقره از یکدیگر جدا می شود.

در دیوارهای شاه نشین چهار در نقره کوب موجود است که از نظر نقره کاری دارای اهمیت می باشد و در روی یکی از این درها اشعار زیر به خط نستعلیق طلایی رنگ خوانده می شود:

چون به دور شه جهان عباس	که بود صیت دولتش به دوام
بهر این آستان عرش نشان	که مقام ملائک است مدام
خان بن خان قلیچ مهرانی	کرد نذر دری ز نقره فام
هاتفی گفت بهر تاریخش	در به دولت گشاه باد مدام ^(۱)

۱ - مجموعه شیخ صفی در اردبیل، ۹۳ - ۹۶.

۴- فرمان شاه طهماسب:

این فرمان بین پنجره دوم و سوم مرتبه پایین نمای رواق سنگ مرمری به عرض ۱/۳۱ متر و بلندی ۱/۱۵ متر در وسط قابی از کاشی معرق به دیوار نصب گشته که فرمانی در باب منع منهیات از شاه طهماسب اول صفوی روی آن نقره شده و عبارت آن به شرح زیر می باشد:

«بعد حمدالله و حسن توفیقه چون به میامین توفیقات صدرنشین اولیاءالله معروفه و برکات تأییدات صاحب تمکین اصفیاءالله المعین به انوار مهر آثار عزیه عزای هدایت شعار ولایت و دثارنواب اعلی عالی حضرت سلطان السلاطین بالارث و الاستحقاق ضل الله فی الافاق السلطان بن سلطان ابوالمظفر السلطان شاه طهماسب الصفوی الحسینی بهادرخان خلدالله تعالی ملکه و سلطانه و ابداکرامه و احسانه لامع و هویدا است و خطایر فیض مائر علیه علویه صفیه صفویه تالی مشاهد مقدسه و عتبات سدره مرتبه است همچنانچه در آن روضات منوره عمال از جرعت اظهار بدعت ممنوع شده حکم گشته که جمع مجاوران و زایران و ساکنان از تکالیف غیرمشروعه مصون بوده امر خیر اثر و فرمان قضا و قدر شرف صدور یافت که در دارالارشاد اردبیل و ولایات همان قاعده حسنه را منظور داشته ... شلبافی محترقه و رسم الاحتساب طلبی از ساکنان و غیر آنجا ننمایند تا به مصدوقه و من دخله کان آمنا مشاهد عالمیان و منظور جهانیان گردد و بعد از شرف توبه نصوح و فتح ابواب نصرت و فتوح بنابر کمال توجه خاطر انوار به ترویج شرح مظهر و غایت اهتمام امر به معروف و نهی منکر فرمان قضا جریان عز اصدار یافت که در دارالارشاد مذکور و ولایات به دستوری که در عساکر منصوره و ممالک محروسه شرابخانه و بنجخانه و معجونخانه و بورهخانه و بیت اللطف و قمارخانه و قوالی و کبوتربازی منع شد و مستوفیان کرام مال و خراجات آنها را از دفاتر اخراج نموده و من بعد اطلاقی ننمایند واحدی به امری از امور غیر شرعیه مثل ریش

تراشیدن و طنبور زدن و نرد باختن و بدعت تغزیت ... واداشتن و خدمات امردان در حمامات و ارتکاب امور غیر مشروعه اشتغال نمایند و پیرامون نگرند فمّن بدله ماسمه فانما اثمه علی الذین یبدّلونه و خلاف کننده از مردودین درگاه الهی و مطرودین بارگاه شاهی خواهد بود و در سلک اولئک علیه لعنة الله و الملائكة و الناس اجمعین منسلک خواهد گشت و از مرحمت نسبت به سکنه آنجا به اهتمام و افاضت و افادت شاهی خلیفه ...

امیر معین الشریعة والدین امیر الاوحدی به ظهور پیوست به تاریخ شهر ذیحجة الحرام سنه ۹۳۲ هـ. ق کتبه حسن»^(۱)

۵- مقبره شیخ صفی الدین یا گنبد الله الله

در جنوب غربی قندیلخانه و بر روی قبر شیخ صفی الدین، گنبد الله الله بر روی ازاره سنگی هشت ضلعی بنا شده که ارتفاع آن در حدود ۱۷/۵ متر است. فضای داخلی مقبره زیرگنبد، تقریباً ۶ متر قطر دارد و دیوارهای آن از پایین به ارتفاع تقریبی ۲ متر چوبکاری زیبایی شده است و بقیه ارتفاع که قریب ۱۵ متر می شود و به شکل استوانه می باشد، از پارچه های نقاشی شده به سبک دوره صفویه پوشیده شده و این قسمت از بیرون، سطح خارجی گنبد «الله الله» را تشکیل می دهد.

در زیر سقف گنبد، یعنی در وسط مقبره صندوق منبت کاری گرانبهایی به ابعاد $۱/۵ \times ۱/۸$ متر که به وسیله ماهرترین استادان دوره صفویه ساخته شده و جزو اشیاء گرانبهایی بقعه به شمار می رود، بر روی قبر شیخ صفی الدین قرار گرفته است. دورتادور قسمت حاشیه بالای اطراف صندوق کتیبه زیر به خط رقاع زیبایی از چوب کنده کاری نصب شده است:

۱ - جامعی، بیوک، نگاهی به آثار و ابنیه تاریخی اردبیل، (اردبیل، انتشارات علمی و فرهنگی)، ۱۳۷۲، ص ۶۲.

«هذا مرقد المنوره و مضجع المتبركه الشيخ الربانى و العارف الصمدانى، كاشف اسرار الحقيقه، محيى مراسم الطريقه، حامى مفاخر الابرار، حاوى مناقب الاخيار، المكرم باليقين بانظار الخلائق على العموم و الاطلاق قطب العارفين، سلطان المحققين، امام قدوة اولياء الله الواصلين الى الفتح، صفى الحق و الملة والدين، اسحق اجرى الله تعالى آثار بركاته فى الاطراف و آفاق المعزز القدسيه المخصوص بارشاد الجنة و الانسيه»^(۱)

در محوطه زیرگنبد به غیر از مقبره شیخ صفی الدین، سه گور دیگر تیز موجود است، که یکی از آنها شیخ حیدر، پدر شاه اسماعیل می باشد و دو گور دیگر شیخ صدرالدین موسی و شیخ ابراهیم است.

گنبد مزبور را به مناسبت اینکه کلمه «الله» به صور مختلف با کاشیهای آبی رنگ برجدار آجری آن منقوش گردیده است، به نام گنبد «الله الله» می خوانند، تاج گنبد نیز که از آجر و کاشی شاخته شده، بر تارک و قله آن، چهارگوى به هم چسبیده برنزی مطلقاً قرار گرفته و بین تاج گنبد و جدار استوانه‌ای آن، از بیرون، کتیبه‌ای با خط نسخ نوشته شده که عده‌ای معتقدند، شیخ صدرالدین موسی آنها را از قرآن کریم انتخاب نموده است کتیبه به این شرح است:

«بسم الله الرحمن الرحيم، شهد الله انه لا اله الا هو، و الملائكه و اولوالعلم قائماً بالقسط، لا اله الا هو العزيز الحكيم. * ان الدين عند الله الاسلام. *** هو الحى الذى لا اله الا هو، فادعوه مخلصين له الدين: الحمد لله رب العالمين. *** ذلكم الله ربكم لا اله الا هو، خالق كل شىء، فاعبدوه و هو على كل شىء وكيل. **** لا تدركه الابصار و هو يدرك

۱ - ویور، مارتین ای - مسایل حفاظتی ۵ بنای تاریخی ایران، ترجمه کرامت اله افسر، تهران، سازمان حفاظت آثار باستانی، ۱۳۶۵، ص ۴۹ - ۵۱ * - سوره آل عمران، آیه ۱۸. *** - سوره آل عمران، آیه ۱۹. **** - سوره انعام، آیه ۱۰۲.

الابصار و هو الطیف الخیر*

در دو سمت بیرونی پنجره دو مربع طلایی رنگ با کاشی معرق وجود دارد که در هریک کلمه مقدس «الله» با اسامی مبارکه محمد، و علی، به صورت تکرار و معکوس جهت یکدیگر با کاشی، گل زیبایی ساخته‌اند. در سطح خارجی استوانه گنبد و قسمت شمالی آن در دایره‌ای از کاشی زیبا، نام سازنده گنبد الله الله بدین صورت نقش بسته است:

«عمل عبدالفقیر الراجی الی عفو الصمد عوض بن محمد»^(۱)

۶- مقبره شاه اسماعیل:

این مقبره در قسمت جنوبی طرف شرقی شاه نشین قرار دارد و محوطه مقبره اتاق مربع شکلی است به ابعاد $2/5 \times 3/5$ متر که از داخل به ارتفاع سه متر با کاشیهای لاجوردی زیبا و نقوشی از آب طلا پوشیده شده است، در وسط دیوار سمت چپ از در ورودی قطعه سنگی نصب شده، که دورتادور دیوارهای جانبی آن از کتیبه بسیار نفیسی به خط ثلث تزیین یافته که اثر استاد علیرضا عباسی است.^(۲)

بر روی گور شاه اسماعیل صندوق مرصع و فوق‌العاده ارزشمندی قرار گرفته که از خاتم و منبت عاج فیل و بلال و چوب صندل و سنگ فیروزه و سیم‌های نقره است و این صندوق بنا به قول آقای پروفیسور پوپ شرق‌شناس معروف آمریکایی نتیجه زحمت و کار و عقیده و ایمان ماهرترین استادان دوره صفویه می‌باشد از برجسته‌ترین شاهکارهای صنایع ظریفه بوده و در ضلع جنوبی آن وسط گل عاجی با خط ریز نوشته شده:

* - سوره انعام، آیه ۱۰۳.

۱ - ویلسن، کریستی، تاریخ صنایع ایران، ترجمه عبدالله فریار، تهران، انتشارات فرهنگسرا، ۱۹۳۸ م، ص ۲۰۳.

۲ - دیباج، اسمعیل، آثار باستانی و ابنیه تاریخی آذربایجان، تبریز ۱۳۲۸، ص ۳۶.

«عمل استاد مقصود علی...» نقش بسته است.^(۱)

گنبد کاشی کاری شده آرامگاه شاه اسماعیل که به نسبت گنبد الله الله کوچکتر است، به سال ۱۰۵۷ هجری قمری در زمان شاه عباس دوم ساخته شده است و سطح بیرونی گنبد و استوانه بدنه آرامگاه از کاشیهای فیروزه‌ای و سفید، زرد و مشکی به شیوه موزونی پوشیده شده و بر تارک گنبد طوق زرینی در میان پنج تیغه شمشیر منحنی نصب شده است که نماینده اسلحه ۵ خاندان معروف قزلباش که شاه اسماعیل را در رسیدن به سلطنت همراهی کرده‌اند و نمایانگر قدرت دفاعی صفویه است.^(۲)

۷- حرمخانه

از قسمت شاه‌نشین، در نقره‌ای دیگری از کنار آرامگاه شاه اسماعیل، با یک راهرو کوچک به اتاقی با ابعاد ۴ × ۵ متر مربوط می‌شود که به مناسبت وجود گورهای بانوان خاندان صفوی به حرمخانه معروف است. کف این اتاق از نمدهای کهنه و فرسوده‌ای مفروش شده که از جهت نقش و قدمت بسیار نفیس و ارزنده می‌باشد.

بر روی گورهای حرمخانه نیز صندوقهای چوبی کوچکی قرار گرفته که نموداری از آثار مثبت کاری قدیم و ارزشمند بقعه محسوب می‌شوند. آنها مجموعاً در زیر گنبد حرمخانه قرار دارند، این گورها به افراد زیر متعلق‌اند:

- همسر شیخ صفی‌الدین اردبیلی، فاطمه خاتون که به سال ۷۳۵ هجری قمری درگذشته است یعنی در همان سال چند روز بعد از مرگ شیخ صفی.

- دختر شیخ صفی‌الدین که در روی صندوق آن نوشته شده «علی‌الاستاد عثمان بن

احمد المراغی»

۱ - جمال‌الدین صفوی، نشریه فرهنگ ایران، مقاله گوشه‌ای از تاریخ ایران، باباصفری، اردبیل در گذرگاه تاریخ، جلد دوم، ص ۲۳۷، ۲۳۸.

۲ - شهبازی شیران، حبیب، مجموعه شیخ‌صفی در اردبیل، ص ۱۰۸، ویور، مارتین ای، مسایل حفاظتی ۵ بنای تاریخی ایران، ترجمه کرامت اله افسر، ص ۵۱

- سید صدرالدین موسی، که به سال ۷۹۲ هجری قمری مدفون گردیده است.
- سلطان با یزید خواجه حسین صفوی که به سال ۹۰۸ هجری قمری درگذشته است.

- سلام الله بن خلیل الله صفوی که در سال ۹۰۹ هجری قمری فوت نموده است.
- مرشد قلی آقا بن الله قلی آقا ایشیک آقاسی و قبور دیگری از بزرگان و نزدیکان خاندان صفوی و برخی دیگر موجود است.^(۱)

حرمخانه که از منازل مسکونی شیخ صفی بوده که محل سکونت عیال شیخ صفی به نام فاطمه خاتون بوده که دارای گنبدی است به سبک ایلخانی تودرتو ساخته شده است.

قسمت بالای در ورودی حرمخانه سه لوح گچبری زیبایی که در متن آن نیز به خط کوفی، شهادتین نیز گچبری شده است. حاشیه سرلوح با سخنان مختلف شاه عباس و اسلیمی‌های خرطوم فیلی قاب گرفته شده است بر لنگه راست درب ورودی حرمخانه نیز کتیبه‌ای فلزی نصب شده که حاوی اشعار و ادبیات زیر است:

چون به دوران شاه این عباس	خواجه چوپانی از صدق و یقین
این در نقره نمودند چو نذر	بهر درگاه صفی قدوه دین
برسد کعبه اصحاب کمال	هادی مقصد دل‌های حزین
یافت از تولیت شیخ ابدال	فیض اتمام چو آثار مبین
فردی اندیشه تاریخش کرد	گفت باب سلیم از خلد برین ^(۲)

۱ - دیباج، اسماعیل، تاریخچه فرهنگ اردبیل، تبریز ۱۳۲۸، ص ۷۲.

۲ - مجموعه شیخ صفی در اردبیل، ص ۱۱۰.

۸- چینی خانه

چینی خانه که در سمت شرقی رواق بقعه واقع شده بنایی است تقریباً هشت ضلعی که در چهار طرف دارای قسمتهای خروجی طاق مانند بوده و قطر بنا تقریباً ۱۸ متر می باشد که در وسط اضلاع آن طاق نماهای پنج ضلعی زیبا و نفیسی از مقرنس گچی دیده می شود. در میانه هریک از این طاق نماها به جز قسمت شمالی که در ورودی را تشکیل می دهد، دو پنجره روی هم قرار دارد و در کنار این طاق نماها، در داخل دیوار قفسه هایی ساخته اند که با تزئینات چوبی با کلمه الله زینت یافته اند، جای مناسبی برای کتاب و اشیاء قیمتی بقعه تعبیه کرده اند که به صورت ویرین از آنها استفاده می شود. سقف چینی خانه که از گنبد نسبتاً بزرگ و وسیعی تشکیل، و از داخل با گچبری و نقاشیهای زیبای عصر صفوی رنگ آمیزی و طلاکاری شده است، شاهکارهایی از صنایع ظریفه و معماری قرن یازدهم هجری محسوب می شوند.

در قسمت پایینی سقف از داخل یعنی در بالای طاق نماهای پنج ضلعی، گچبری های مجوف و توخالی ساخته شده که گویا جای ظروف چینی بوده است. چینیهای بقعه در زمان شاه عباس اول از چین به اردبیل آورده شده و به قولی هدایایی بوده است که امپراتور چین «سلسله مینگ» به شاه عباس داده که تعداد آنها به ۱۴۰۰ قطعه می رسیده است و شیخ بهایی به امر شاه عباس چینی خانه را با ۱۲۵۶ حفره برای حفاظت این چینی ها بنا می کند.^(۱)

از چینیهای مذکور ۸۳۵ عدد آنها ممهور به مهر شاه عباس با سجع «بند شاه ولایت عباسی» و مهری به خط چینی داشته که متعلق به سازنده آنها بوده است، امروزه ظرفهایی از چینی را که دارای زمینه سفید و نقشهای آبی باشند به اعتبار ظروف بقعه

۱ - مجموعه بقعه شیخ صفی در اردبیل، ص ۱۱۲ - ۱۱۸.

شیخ صفی یا طرح شیخ صفی یا شاه عباسی می‌گویند.^(۱)

۹- شهیدگاه

در ضلع شرقی و جنوبی بقعه محوطه نسبتاً وسیعی وجود دارد بنام شهیدگاه، اطلاق نام شهیدگاه به این قسمت از بقعه از زمان شاه اسماعیل اول متداول شده است. زیرا او که در سال ۹۱۵ هجری قمری از جنگ شیروان مراجعت می‌کرد. جسد پدر و عده‌ای از بزرگان صفویه را که در رکاب سلطان حیدر، و خود او و سپس در جنگ چالدران، جنگیده و به شهادت رسیده بودند به اردبیل آورد، پدرش را در کنار گور شیخ صفی و دیگر شهدار را در محوطه گورستان مذکور به خاک سپردند و از آن زمان، آنجا به نام شهیدگاه نام گرفته است.

شهیدگاه در زمان سلاطین صفوی حائز اهمیت زیادی بوده است، زیرا محل خاکسپاری سرداران و بزرگان سپاهی دوره صفویه محسوب می‌شده است و سنگ گورهای آن بطور عموم از مرمر و یا سنگ سیاه خارا که به شکل مکعب مستطیل ساخته‌اند، بوده است که پنج جانب بیرونی آنها با حجاریهای بسیار زیبا از گل و بوته، آیات و سوره‌های قرآن مجید و اشعار فارسی منقوش شده که خود از جهت تاریخی و هنری قابل توجه‌اند، اما متأسفانه این سنگها عموماً خرد شده و در گوشه‌ای تلمبار گردیده‌اند. و بعدها جهت ساخت سربازخانه اردبیل قسمت اعظمی از سنگ قبرهای فوق را مصرف کرده‌اند.^(۲)

ب- امامزاده‌های اردبیل:

چندتن از فرزندان امام موسی کاظم (ع) به نامهای قدرالدین، قوام‌الدین، بدرالدین و صدرالدین به منظور ارشاد مردم و تفسیر احکام دین از بغداد به شهر ری آمدند.

۱- سفرنامه اولتاریوس، ص ۱۲۵، ۱۳۵.

۲- بابا صفری - اردبیل در گذرگاه تاریخ، جلد دوم، ص ۲۸۰ - همچنین رجوع شود به کتاب: جامعی، بیوک، نگاهی به آثار و ابنیه تاریخی اردبیل، ص ۱۱۶.

حمزه و صدرالدین از ری به اردبیل رفتند و در آن شهر اقامت کردند و در آنجا درگذشتند.

مزار حضرت حمزه (ع) در کلخوران^{*} است و مدفن حضرت صدرالدین نیز در همانجا واقع است. علاوه بر امامزاده‌های یاد شده، دو مقبره در داخل شهر به عنوان فرزندان امام موسی کاظم (ع) شناخته می‌شوند: یکی امامزاده صالح است، ولی در محل آن «اوغلان امامزاده‌سی» یعنی امامزاده پسر می‌گویند و در مقابل آن امامزاده دیگر را «قیز امامزاده‌سی» یعنی امامزاده دختر می‌نامند.

امامزاده دختر در کنار مسجدی است که مرحوم حاج میرصالح مجتهد انواری در ۱۲۹۳ هـ. ق آن را بنا کرده است و در بین محله اوچدوکان و بازار قرار دارد.

اما امامزاده صالح، نزدیک میدان شیخ صفی‌الدین جای دارد هر دو امامزاده بقعه دارند، ولی بقعه امامزاده صالح وسیعتر، اما مخروبه‌تر از بقعه امامزاده دختر است. سردر بقعه امامزاده صالح در عهد شاه عباس بزرگ کاشیکاری شده و با کاشیهای آجری مزین گشته است. این کاشیها امروز نیز باقی است، ولی خود بنا تهدید به خرابی می‌شود.

روی کاشیها، اشعاری نوشته شده و تاریخ ساختمان یا تعمیر آن براساس حساب ابجد ۱۰۳۱ هجری قمری است، ولی چون پیش از تاریخ نیز بقعه این امامزاده بستی برای پناهندگان بوده است، چنین می‌رساند که اساس بنا ایجاد نگشته، بلکه تعمیر یا تجدید بنا شده است. این امامزادگان بزرگوار، فرزندان بلافضل حضرت موسی الکاظم (ع) نبوده‌اند، باید گفت که آنها از نوادگان آن بزرگوار و شاید از فرزندان حمزه بن موسی الکاظم (ع) یا صدرالدین بن موسی (ع) بوده‌اند.^(۱)

* - کلخوران روستایی است در سه کیلومتری شمال اردبیل واقع می‌باشد.
۱ - افشار سیستانی، ایرج، نگاهی به آذربایجان شرقی، جلد اول، تهران، انتشارات بهمن، ۱۳۶۹، ص ۲۸۵ - ۲۸۷.

همچنین بابا صفری در خصوص امامزاده صالح در کتاب خود می‌نویسد :
 «... امامزاده صالح در عهد پادشاهان صفوی، مورد احترام آنان بوده، مقبره او طبق نوشته مورخان و جهانگردان، بست و دارالامانی برای گناهکاران به شمار می‌آمده، ولی چون محوطه وسیعی برای اقامت طولانی پناهندگان نداشت از این رو آنها در فرصت مناسب که در روزهای اول به دست می‌آوردند، عرض میدانی را که بین آن بقعه و مقبره شیخ صفی‌الدین بود، می‌پیمودند و خود را به آستانه در ورودی شیخ می‌رسانیدند و تا زمانی که بخشوده نمی‌شدند، در آنجا می‌ماندند و از خوراک مهمانسرای شیخ نیز استفاده می‌کردند.»^(۱)

پ - حمامهای اردبیل در زمان صفویه

اردبیلیان از دوران قدیم به نظافت و پاکی علاقه داشتند و برای خود حمامهای بزرگ و زیبایی می‌ساختند. وصف این حمامها در کتابهای جهانگردان و مورخان قدیم به چشم می‌خورد به طوری که مؤلف کتاب احسن التقاسیم در خصوص حمام اردبیل در کتاب خود می‌نویسد :

«... حمامهای پاکیزه و تمیز در آن موجود است ...»^(۲)

اینک به چند نمونه از حمامهای اردبیل در زمان صفویه اشاره می‌کنیم :

۱ - حمام صفویه:

حمام صفویه یا قراگنگ که در خیابان ناییبی جای دارد، دارای ستونهای مربع در رختکن و ضریبی معمولی است و تمام دیوارها و سقف آن سفیدکاری شده است.

۲ - حمام حاج محسن:

این حمام در کوچه ملاهادی واقع است. در ورودی ستون‌دار با آجر قرمز و گنبد

۱ - بابا صفری، اردبیل در گذرگاه تاریخ، ج دوم، اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۱۸۸ - ۱۹۲.
 ۲ - مقدسی، احسن التقاسیم، ترجمه علینقی منزوی، جلد اول، تهران ۱۳۶۱، ص ۱۱۱.

معمولی بلندی دارد. رختکن آن هشت ضلعی است و بر آن گنبد مدوری بنا شده، پطاق گنبد به وسیله پانداتیفهای «آویز» منظم ترین شده است. حمام دارای دو قسمت زنانه و مردانه است و فقط در حمام زنانه نقاشیهای آن تقریباً سالم مانده است.

۳- حمام حاج شیخ:

حمام حاج شیخ در کوچه شهیدگاه کوی عالی قاپو واقع شده، معمران آن را سیصد ساله می دانند. در ورودی آن ساده، ولی دارای یک هشتی زیبا با گنبد کروی است. در زیر گنبد ۱۶ عدد آویز تعبیه شده که حد فاصل گنبد و ۸ طاق نمای سکودار است.

رختکن حمام دارای ۴ رواق و ۴ ستون هشت ضلعی است، که طاقهای جناقی مختلف بلند و کوتاه بر آنها گذارده شده، نیم گنبد رواقها بر طاق نماها تکیه کرده و تمام دیوارها و سقف پوشیده از نقاشیهای مختلف بوده که به علت سفیدکاری سطوح مختلف از بین رفته است. فقط در گوشه جنوبی در زیر گنبد کوچک، کنج رختکن، نقاشیهایی مرکب از گل و بوته و اسلیمی ساده باقی مانده است.

داخل حمام دارای دو شاه نشین بزرگ است که رویاروی یک دیگر جای دارند و دو نیم گنبد کوچک که به خزینه آب گرم و در ورودی منتهی می شوند. گنبد بلند اصلی با آویزهای گسترده آن، بر طاق نماها و نیم ستونهای مربع تکیه دارد. ازاره حمام از نوع کاشی کاریهای معمولی است.

۴- حمام پیر:

حمام پیر یا حمام حاج رحیم در محله سرچشمه واقع است. در ورودی و هشتی آن تغییرات بسیاری یافته، ولی بقیه ساختمان شکل اصلی خود را حفظ کرده، رختکن به صورت چهار طاقی کامل ساخته شده است. رختکن و داخل حمام کاملاً شبیه همدیگر بوده و در تعداد ستونها و نوع طاق نما و گنبد کروی، مشترک هستند فقط رختکن دو ردیف و داخل حمام سه ردیف آویز در زیر عرقچین گنبد دارد.

۵- حمام میرزا حبیب:

این حمام در ورودی وهشتی جالبی ندارد، ولی رختکن آن شکل و سبک دیگری از لحاظ ابعاد بنا دارد. بین رختکن و داخل حمام، محوطه کوچک سکوداری ساخته شده که یک دیوار آن ساده و معمولی، ولی سه دیوار دیگر، دارای طاق نما و آویزبندی است، که در سقف به یک ستاره منتظم هشت پر منتهی می شود.

داخل حمام صحن بزرگی به ابعاد 5×5 متر است که دو دیوار طاق نما و آویزبندی شده، ولی در دیوار طرفین به دو شاه نشین بزرگ و عمیق اختصاص یافته که دیوار شاه نشینها به سه طاق نما و گوشواره های حد فاصل طاقها و آویزهای متعدد منتهی می شود.

۶- حمام پیرزرگر:

این حمام در ورودی و راهروی ساده ای دارد، ولی رختکن آن شکل اصلی و قدیمی خود را حفظ کرده است. کف سنگ فرش و حوض سنگی هشت ضلعی با چهار بازوی سنگی که با یک پله کوچک به سکوی رختکن ها منتهی می شود. سقف رختکن با نواری که با گلهای تکراری نقاشی شده، تاب گرفته شده است. ولی در زیر عرقچین کنگره ای مرکب از ۱۶ آویز (پاندانتیف) به صورت گردنبندی قرار گرفته که در متن آنها گل و بوته های اسلیمی توریقی نقاشی شده است. داخل حمام به صورت چهار طاقی بلند با آویزهای متعدد است و نسبت به وسعت حمام گنبدی کوچک دارد. وسعت آن 5×5 متر و وسعت شاه نشینها 4×5 متر است. دیوار خزینه آب گرم و درب ورودی با طاق نمای کم عمقی ساخته شده است.^(۱)

۱ - افشار سیستانی، ایرج، نگاهی به آذربایجان شرقی، جلد اول، تهران، انتشارات بهمن، ۱۳۶۹، ص ۲۸۷ - ۲۹۰.

ج - پلهای اردبیل در زمان صفویه:

۱- پل قره‌سو:

پل قره‌سو یا زاغلان بر روی رودخانه بالخلو در اردبیل بنا گردیده است. این پل هفت چشمه (دهانه) دارد و متعلق به دوره صفوی است و به وسیله میرحمزه اردبیلی ننه کران به سال ۱۳۳۰ هجری قمری تعمیر و بازسازی شده است.

۲- پل ججین

پل ججین یا داش‌کسن یا سنگ‌بر، بر روی رودخانه بالخلو در اردبیل بنا شده، دارای هفت دهانه است. این پل به دوره صفویه عصر شاه عباس کبیر منسوب است. پایه‌های آن سنگی و طاقهای ضربی جناقی آن آجری است. ملاط ساختمان پل از گچ و آهک می‌باشد.

۳- پل ابراهیم آباد:

این پل بر روی رودخانه بالخلو در اردبیل بنا گردیده چهارچشمه دارد مصالح ساختمانی آن عبارتند از یا سنگ در پایه‌ها و آجر در طاقها با ملاط گچ و آهک این پل مربوط به دوره صفوی است.

۴- یعقوبیه:

پل یعقوبیه بر روی رودخانه بالخلو احداث گردیده، و به دوره صفوی منسوب است. کف پل در مساحتی به ابعاد 10×20 متر با شیفته گل و آهک و قلوه سنگ پوشیده است و چنانچه از اسم آن پیداست دارای پنج چشمه می‌باشد. بنا به روایات محلی یکی از بازرگانان اردبیل بنام یعقوب بانی آن بوده است.

۵- پل سید آباد:

پل سیدآباد یا پیرمادر بر روی رودخانه بالخلو بنا گردیده، به دوره صفویه منسوب و دارای مصالح ساختمانی سنگ، آجر و ملاط گچ و آهک است.

۶- پل سامیان:

این پل بر روی رودخانه قره‌سو در ۱۵ کیلومتری اردبیل در مسیر جاده اردبیل - گرمی واقع و دارای شش چشمه است که به دوره صفویه منسوب است مصالح ساختمانی آن - ننگ در پایه‌ها و آجر در طاقها و میلها (مناره) است. پل در کنار روستای سامیان از توابع دهستان کلخوران قرار دارد و از آن نام گرفته است. چهار میل یا مناره در چهار گوشه آن وجود دارد. مناره‌ها را برای راهنمایی مسافران در شبها و هوای طوفانی و نامساعدی می‌ساختند تا مسافران با دیدن مناره‌ها به سوی پل جلب شوند.

۷- پل نیر:

پل نیر بر روی رود نیر زده شده است، چهار طاق دارد و منسوب به دوره صفویه است در گذشته عبور و مرور مسافران تبریز - اردبیل از روی آن انجام می‌گرفت، ولی امروزه در کنار آن پل جدیدی ساخته شده است.

۸- پل سرخ:

پل سرخ یا پل «سمیان» که سازنده این پل معلوم نیست و احتمالاً به امر یکی از شاهان صفوی ساخته شده است طاق‌های جناقی پل با آجر و سنگ زده شده است، عرض آن ۷/۵ متر و به طول ۶۰ متر می‌باشد.

۹- پل سرچشمه:

پل سرچشمه یا پل «میر علمدار» این پل چون سه دهانه دارد به همین لحاظ به پل سرچشمه معروف است و مربوط به اوایل عصر صفویه می‌باشد و بنا به روایات محلی یکی از تجار معروف بنام میر علمدار آنرا ساخته است.^(۱)

۱ - عقیقی بخشایشی، مفاخر آذربایجان جلد دوم، تبریز، نشر آذربایجان، ۱۳۷۵، ص ۱۰۳۸ - ۱۰۴۱. همچنین رجوع شود به کتاب افشار سیستانی، ایرج، نگاهی به آذربایجان شرقی، جلد اول، تهران انتشارات فرهنگسرا ۱۳۶۹، ص ۲۹۵ - ۲۹۹. و کارنگ، عبدالعلی، آثار باستانی آذربایجان جلد دوم، تبریز، انجمن آثار ولی ایران، ۱۳۵۱، ص ۳۱۷ - ۳۲۴.

چ - بازارهای اردبیل در زمان صفویه:

علیرغم بزرگی شهر اردبیل چه در گذشته و چه در حال و برخلاف شهرت و سوابق تاریخی اردبیل، بازارهای محدود و کوچکی دارد، بطوریکه بخش برجای مانده از شبکه‌ها در هم تنیده کالبد باستانی شهر، یادآور رونق تجارت ابریشم و توقفگاه هزاران کاروان از متاعهای گران، با هزارها بار شتر، پاسراها و تیمچه‌ها و راسته‌های متعدد که هریک به نامی نامور چون بازار کفاشان، خداطان، خرازان و علافان و ... می‌باشد که اغلب این بازارها در دوره صفویه بنا و یا تجدید بنا شده‌اند. اینک اشاره کوتاهی به بازارهای اردبیل در زمان صفویه می‌شود:

۱- راسته بازار:

راسته بازار شاخه اصلی دارای طاق جناقی و گنبدهای چهارطاقی و ساده می‌باشد که سراها و تیمچه‌های زیادی را شامل میشود مانند سرای حاج احمد - سرای وکیل - سرای حاج میرزا - تیمچه زنجیرلی - سرای دوگوچی* - سرای گلشن - قیصریه و ...

۲- سرای خشکبارها:

سرای خشکبارها عبارتست از دو بازارچه موازی هم که هر دو عمود بر راسته بازار واقع شده است که هر کدام دارای پنج دهانه و ده طاق‌نما و مغازه است.

۳- سرای گلشن:

در راسته بازار و روبروی درب وسطی «سرای نو» قرار گرفته است و مرکب از دو بازارچه و یک سرا می‌باشد که مشخصات بازارچه‌ها و سرا عبارت است از:

۱ - بازارچه‌هایی که واقع در ورودی یا راهروی آن هستند با شکل معمول دوره صفوی «چهار طاقی ضربی» با گنبدهای خوش شکل و سالم، سرای گلشن را از یک طرف به بازار راسته و از طرف دیگر به راسته پیرعبدالملک مربوط می‌سازد بازارچه‌ها

* - منظور از سرای دوگوچی همان سرای برنج‌فروشان است.

دارای ۱۳ دهانه می‌باشند.

۲- سرای مستطیل شکل به ابعاد $۱۳/۸$ و $۹/۹۴$ متر، مرکب است از ۹ گنبد چهار طاقی که بوسیله ۴ ستون سنگی (خارایی - سبز روشن) نگهداری می‌شود. ارتفاع ستونها $۲/۷۵$ متر و قطر آنها $۰/۵۲$ متر می‌باشد. ستونها به یک سر ستون مربع ختم شده که پایه طاق‌ها بر آن نهاده شده است.^(۱)

۴- قیصریه:

بازار بزرگ قیصریه بنایی است مدور با گنبد کروی بلند و ساده، قطر بلند (در کف بازار) ۱۲ متر و ارتفاع تقریبی آن از کف بنا تا انتهای گنبد (از درون) ۱۳ متر و عوارض ساختمانی آن از پایین به بالا چنین است:

دیوار بنا بدون در نظر گرفتن پایه مغازه‌ها و امتداد بازارچه‌ها عبارتست از ۱۲ پایه که با ۱۲ طاق نمای جناقی و ۱۲ پاندانتیف، عرقچین مدور زیر گنبد را به وجود می‌آورد. از دوازده طاق نما ۴ دهانه به ۴ بازارچه منتهی و بقیه به هشت مغازه مختلف اختصاص دارد. طاق‌نمای بازارچه‌ها از چپ به راست عبارتست از ۱- طاق نمای شمال‌غربی، طاق نمای شمال شرقی و شرقی، طاق نمای جنوب شرقی، ارتفاع طاق‌نماها در سمت جنوب $۲/۶$ متر «حداقل» و در سمت شمال ۳ متر «حداکثر» می‌باشد. از کنج جناق طاق‌نماها به ارتفاع $۱/۴$ متر استوانه زیر گنبد و در روی آن یک ردیف آجر برآمده چیده شده که در واقع به اندازه ۶ سانتیمتر از قطر بنا کم کرده و رف یا پله معکوس به وجود آورده است. گنبد روی این رف بنا شده است.

گنبد این بازار کاملاً ساده ساخته شده و آجرها به صورت موازی و افقی قرار گرفته‌اند. ۴ پنجره در بالای رف معکوس زیر گنبد شکلی شده است. متأسفانه گنبد

۱- تاورنیه، ژان باتیست، سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، اصفهان، سنایی، ۱۳۳۱، ص ۱۲۸ - ۱۲۳.

بازار قیصریه در یک خط عمودی یک شکستگی و شکاف پیدا کرده است.
بر سر درب بازارچه شمال شرقی سنگ نبشته‌ای دارد که بعلت فرسودگی به
سختی قابل خواندن است.

۵- بازارچه حاج شکر:

بازارچه حاج شکر یا حاج شکرلو با ۱۲ دهانه چهار طاقی و هر دهانه به عرض ۲
متر در بازار زرگران بنا شده است طاقهای جناقی دارد که آجر آن نواری چیده شده
است. گنبد چهار طاقی آن بدون پطاق و از گوشه‌های چهار طاقی به صورت جناق
معکوس زده شده است.^(۱)

د- دروازه‌های اردبیل

در مورد دروازه‌های اردبیل فقط در کتابهای قدیم از چند دروازه نام برده شده
است ولی در عهد شیخ صفی اردبیل دارای دروازه‌های متعددی بوده از جمله:
دروازه رئیس سعد - دروازه نوشهر - دروازه اسفیریس - دروازه مقابر و ... بوده و
هیچ مدرک و اسنادی دال بر تعداد دروازه‌ها و موقعیت‌ها نسبت به چهار جهات اصلی
در دست نیست، مگر دروازه اسفیریس که محل آن در حدود مقبره شیخ صفی‌الدین
بوده است و مسجدی هم به نام مسجد دروازه در قسمت غرب میدان عالی‌قاپو وجود
دارد.^(۲)

۱- کارنگ، عبدالعلی، آثار باستانی آذربایجان، جلد اول، تبریز، انجمن آثار ملی ایران، ۱۳۵۱، ص ۵۰-۵۳.

۲- کارنگ، عبدالعلی، آثار باستانی آذربایجان، جلد اول، تبریز، انجمن آثار ملی ایران، ۱۳۵۱، ص ۴۴.

نتیجه گیری

دریاب خویش را که در بحر موج خیم چون حباب عمر تو بسیار اندک است
(ملا واهب)

اردبیل در تاریخ و فرهنگ ایران زمین، از دیرباز تاکنون، نقش مهم و تعیین کننده‌ای را ایفا نموده است از جمله: زردتشت پیامبر ایران زمین از این دیار برخاسته، سرداران این دیار سالها با حکومت‌های غاصب بی امیه و بنی عباسی برای خلاصی و نجات ایران از یوغ و سلطه آنان جنگیده‌اند، همچنین افکار شیخ صفی از این سرزمین بر سراسر ایران پرتو افکنده و شاه اسماعیل فرزند خلف این سرزمین با اندیشه و شمشیر خود تمامیت ارضی ایران را بدست آورده است. بنابراین در همین راستا علما و روحانیون و اندیشمندان این سرزمین همیشه هدایت مردم سراسر ایران را وجهه همت خود قرار داده‌اند بطوری که مقام معظم رهبری حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای در کلام گوهر بار خودشان در خصوص سلسله صفویه فرموده‌اند: «علمای برجسته فقه شیعه عموماً ایرانی هستند و در این نقاط بیشترین شرف متعلق به صفویه است و اینجانب برخلاف کسانی که صفویه را در چشمها ضد ارزش کردند، تاکید می‌کنم که صفویه بزرگترین حق را به دانش، فقاہت و کلام شیعی دارند. زیرا آنها بودند که راه را باز کردند و علمای شیعه را در این سطح پرورش و پرواز دادند.»

من حیث المجموع آنچه از این تحقیق می‌توان نتیجه گرفت این است سلسله صفویه در آغاز حرکت خود بسیار مقتدرانه و باوقار پرتو خود را به نقاط دیگر کشورمان افکند بطوری که در کمترین زمان توانست حکومتی یک شکل و متحد پایه‌ریزی نماید و بسیاری از سنتها و آئینها و مراسمات آن زمان را تغییر جدی دهد و این امر میسر نمی‌شد مگر توسط شیخ صفی‌الدین اردبیلی و پس از آن شاه اسماعیل صفوی.
بنابراین چنانچه سیاست و درایت شیخ صفی و شاه اسماعیل را هم فرزندان آنها

بکار می‌گرفتند به یقین هیچ وقت رکود و ضعف در این حکومت مستولی نمی‌گشت. اما با وجود بی‌کفایتی پادشاهان صفوی که روز بروز پایه حکومت صفویه روبه افول می‌رفت ولی اهمیت و اعتبار مذهبی شهر اردبیل همچنان به قوت خود باقی مانده بود بطوری که از سفرنامه‌های به جا مانده که در بخش از این تحقیق به آن پرداخته شده که تمامی سران و سلاطین این سلسله جهت نشان دادن ارادت خودشان به شیخ صفی و فرزندان آنها که در این شهر مدفون بودند رنج و مشقت سفر را به خود می‌دادند و به خدمت و زیارت مراد خودشان می‌آمدند و پس از بیعت با جد خودشان که با این کار به حکومت خودشان اعتبار و مشروعیت می‌بخشیدند.

که ما در این تحقیق علاوه بر بررسی وضعیت مذهبی شهر به اوضاع فرهنگی و اقتصادی آن نیز پرداخته‌ایم که این شهر همچنان بسیاری از فرهنگ و آداب و رسوم صفویان را نیز هنوز که هنوز است به ارث برده‌اند. به پایان آمد این دفتر حکایت همچنان باقی است.

والسلام - موسوی

– منابع و مأخذ

الف – کتب

ب – نشریات

منابع و مأخذ پژوهش اردبیل در زمان صفویه

- ۱ - ابن بزاز، درویش توکل بن اسماعیل، *صفوة الصفاء*، به تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران به انتشارات تابش، ۱۳۷۳.
- ۲ - افشار سیستانی، ایرج، *نگاهی به آذربایجان شرقی*، ۲ جلد، تهران، انتشارات بهمن، ج اول، ۱۳۶۹.
- ۳ - افندی، میرزا عبدالله، *ریاض العلماء*، به اهتمام: سید احمد حسینی اشکوری، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی.
- ۴ - افندی، میرزا عبدالله، *تعلیقه امل الامل*، تحقیق: سید احمد حسینی اشکوری، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۴۱۰ ه. ق.
- ۵ - الثاریوس، آدام، *سفرنامه اولثاریوس*، ترجمه احمد بهپور، تهران: انتشارات ابتکار، ۱۳۶۳.
- ۶ - باباصفری، اردبیل در گذرگاه تاریخ، جلد ۱ و ۲ و ۳، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اردبیل، چاپ دوم، ۱۳۷۰.
- ۷ - بدیعی، ربیع، *جغرافیای مفصل ایران*، جلد اول، تهران: انتشارات اقبال، ۱۳۶۷.
- ۸ - بلاذری، احمد بن یحیی، *فتوح البلدان*، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تصحیح علامه محمد فروزان، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۴۶.
- ۹ - *دانشنامه ایران و اسلام*، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، شماره ۱، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰.
- ۱۰ - بی نا، *حدود العالم من المشرق والمغرب*، بکوشش منوچهر ستوده، تهران، ۱۳۷۲.
- ۱۱ - پارسا دوست، منوچهر، *شاه اسماعیل اول پادشاهی با اثرهای دیرپای در*

- ایران و ایرانی، (تهران : انتشارات شرکت سهامی انتشار) ج اول، ۱۳۷۵.
- ۱۲ - پولاک، ادوارد، سفرنامه پولاک، ترجمه : کیکاووس جهانداری، تهران : انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۸.
- ۱۳ - پیگولوسکایا، تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم میلادی، ترجمه کریم کشاورز، تهران : انتشارات پیام، ج سوم، ۱۳۵۳.
- ۱۴ - تاجبخش، احمد، ایران در زمان صفویه، تبریز، ۱۳۴۰.
- ۱۵ - تاورنیه، ژان باتیست، سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، اصفهان، انتشارات سنایی، ۱۳۳۱.
- ۱۶ - ترکمان، اسکندریک، تاریخ عالم آرای عباسی، تصحیح ایرج افشار، «جلد»، تهران، ۱۳۳۴.
- ۱۷ - تهرانی، حاج آقا بزرگ، طبقات اعلام شیعه، ۶ جلدی، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۷۲.
- ۱۸ - جامعی بیوک، نگاهی به آثار و ابنیه تاریخی اردبیل، اردبیل: انتشارات علمی و فرهنگی اردبیل، ۱۳۷۲.
- ۱۹ - جعفریان، رسول، دین و سیاست در دوره صفوی، (قم، انتشارات انصاریان)، ۱۳۷۰.
- ۲۰ - دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد اول، آب، آل داود، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم بجنوردی، تهران، ۱۳۶۹.
- ۲۱ - حرعاملی، محمد بن حسن، امل الامل، تصحیح سیداحمد حسینی اشکوری، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۴۱۰ ق.
- ۲۲ - حسینی، سیداحمد، تراجم الرجال، ۲ جلد، (قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی).

- ۲۳ - حموی یاقوت، معجم البلدان، جلد اول، تهران، ۱۹۶۵ م.
- ۲۴ - خواند امیر، امیر محمود، تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی (ذیل تاریخ حبیب السیر) به تصحیح و تحشیه مرحوم دکتر محمدعلی جراحی، تهران: نشر گستره، ۱۳۷۰.
- ۲۵ - خوانساری، محمدباقر اصفهانی، روضات الجنات، قم، مکتبه اسماعیلیان، بی تا
- ۲۶ - دفتر کنگره مقدس اردبیلی، اردبیل و گنجینه شیخ صفی و عالمان اردبیل، قم؛ انتشارات سلمان فارسی، ج اول، ۱۳۷۵.
- ۲۷ - دلاواله، پیتر، سفرنامه پیتر و دلاواله، ترجمه شعاع الدین شفا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸.
- ۲۸ - دولت آبادی، عزیز، سخنوران آذربایجان، تبریز، انتشارات دانشکده ادبیات تبریز.
- ۲۹ - دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، حروف الف و ت، (تهران، دانشگاه تهران)، ۱۳۷۲.
- ۳۰ - دیباج اسماعیل، تاریخچه فرهنگ اردبیل، تبریز، ۱۳۲۸.
- ۳۱ - دیباج، اسماعیل، آثار باستانی و ابنیه تاریخی آذربایجان، تهران: انتشارات شورای مرکزی ...، ۱۳۴۶.
- ۳۲ - دیهیم، محمد، تذکره شعرای آذربایجان، ۴ جلدی، تبریز: انتشارات آذرآبادگان، ۱۳۶۷.
- ۳۳ - رزم آرا، سرتیپ، فرهنگ جغرافیایی ایران، ۱۱ جلد، تهران: انتشارات ستاد ارتش، ۱۳۳۲.
- ۳۴ - روملو حسن بیگ، احسن التواریخ، به تصحیح عبدالحسین نوائی، تهران:

- فرهنگستان ادب و هنر ایران، ۱۳۴۹.
- ۳۵ - زاهدی، شیخ حسین بن شیخ ابدال، سلسلة النسب صفویه، برلین، انتشارات ایرانشهر، ۱۳۳۴.
- ۳۶ - سیوری، راجر، ایران در عصر صفویه، ترجمه: کامبیز عزیزی، تهران: انتشارات سحر، ۱۳۶۶.
- ۳۷ - شکری یدالله، عالم آرای صفوی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ، ۱۳۵۱.
- ۳۸ - شوستر والسر، سیبلا، ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپائیان، ترجمه و مواشی غلامرضا و رهرام، تهران، امیرکبیر، ج اول، ۱۳۶۴.
- ۳۹ - شهبازی شیران، حبیب، مجموعه شیخ صفی در اردبیل، اردبیل: انتشارات آرتا، ۱۳۷۲.
- ۴۰ - شهبازی شیران، حبیب، جغرافیای اردبیل، جلد اول، (اردبیل، نشر آرتا)، ج اول، ۱۳۷۲.
- ۴۱ - شهرستانی، عبدالکریم، الملل و النحل، ترجمه افضل الدین صدرترکه اصفهان، بکوشش محمدرضا جلالی نایینی، تهران، ۱۳۵۰.
- ۴۲ - شیروانی، میرزازین العابدین، ریاض السیاحه، تصحیح اصغر حامد ربانی، (تهران، انتشارات سعدی)، ۱۳۳۷.
- ۴۳ - صفاء ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، جلد چهارم و پنجم، تهران: انتشارات فردوسی، چاپ پنجم، ۱۳۶۶.
- ۴۴ - صنیع‌الدوله، محمدحسن خان، مرآة البلدان، به تصحیح عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
- ۴۵ - طاهری، ابوالقاسم، جغرافیای تاریخی مازندران، گیلان، آذربایجان، تهران، ۱۳۴۸.

- ۴۶ - عباداله زاده ملكى، جمشيد، اردبيل شهر مقدس، تهران: انتشارات اميركبير، ۱۳۴۶.
- ۴۷ - عقيقى بخشايشى، عبدالرحيم، مفاخر آذربايجان، ۳ جلدی، تبريز: انتشارات نشر آذربايجان، ج اول، ۱۳۷۵.
- ۴۸ - فردوسى، ابوالقاسم، شاهنامه فردوسى، چاپ مسكو، جلد سوم، بيت ۳۶۵۵.
- ۴۹ - فلسفى، نصرالله، زندگانی شاه عباس اول، جلد اول و دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۴.
- ۵۰ - قمشه‌ای، الهی، قرآن مجید.
- ۵۱ - قمی، قاضی احمد، خلاصة التواریخ، به تصحيح احسان اشراقی، ج اول، تهران، ۱۳۵۹.
- ۵۲ - کارنگ، عبدالعلی، آثار باستانی آذربايجان، جلد اول، تبريز: انجمن آثار ملی ایران، ۱۳۵۱.
- ۵۳ - کریستی، ویلسون، تاریخ صنایع ایران، ترجمه عبدالله فریار، تهران: انتشارات فرهنگسرا، ۱۹۳۸ م.
- ۵۴ - کسروی، احمد، شیخ صفی و تبارش، تهران، ج اول، ۱۳۵۲.
- ۵۵ - کسروی، سیداحمد، شهریاران گمنام، تهران، امیرکبير، ۱۳۰۷.
- ۵۶ - گلچین معانی، احمد، کاروان هند، ۲ جلد، مشهد: آستان قدس رضوی، ج اول، ۱۳۶۹.
- ۵۷ - لارنس، لکهارت، انقراض سلسله صفویه، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴.
- ۵۸ - لسترنج، کی، جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، ترجمه:

- محمود عرفان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.
- ۵۹- مدرس، محمدعلی، ریحانة الادب، تهران، انتشارات خیام، ۱۳۶۹.
- ۶۰- مراغه‌ای، حاج زین العابدین، سیاحتنامه ابراهیم‌بیک، تهران: اندیشه.
- ۶۱- مرعاملی، شیخ محمد بن حسن، اعیان الشیعه، ۵۶ جلدی، با تعلیقات اشکوری، چاپ داراندلس بغداد.
- ۶۲- مزای، میشل، پیدایش دولت صفوی، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: نشر گستره، ۱۳۶۳.
- ۶۳- مستوفی قزوینی، حمدالله، نزهة القلوب، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، ۱۳۳۶.
- ۶۴- مسعر بن مهلهل ینبوعی، ابودلف، سفرنامه ابودلف، ترجمه ابوالفضل طباطبایی، تهران، ۱۳۴۲.
- ۶۵- مقدسی، ابوعبدالله، احسن التقاسیم فی معرفة الاقاسیم، ترجمه علینقی منزوی، ۲ جلد، تهران، ۱۳۶۱.
- ۶۶- موسوی اردبیلی، فخرالدین، تاریخ اردبیل و دانشمندان، نجف اشرف، ۱۳۴۷.
- ۶۷- میرخواند، محمد، روضة الصفا، ۱۰ جلد، تهران، چاپ خیام، ۱۳۳۹.
- ۶۸- نویدی شیرازی، خواجه‌زین العابدین علی، تکملة الاخبار، به تصحیح و تعلیقات عبدالحسین نوایی، تهران: نشرنی، ج اول، ۱۳۶۹.
- ۶۹- ویور، مارتین ای، مسایل حفاظتی ۵ بنای تاریخی ایران، ترجمه کرامت اله افسر، تهران: سازمان حفاظت آثار باستانی، ۱۳۵۶.
- ۷۰- هینتس، والتر، تشکیل دولت ملی در ایران، ترجمه کیکاووس جهاندارای، تهران: کمیسیون معارف، ۱۳۴۶.

۷۱ - یوسف جمالی محمد کریم، تشکیل دولت صفوی، انتشارات امیرکبیر،
شعبه اصفهان، ۱۳۷۲.

نشریات مورد استفاده

- ۱- نشریه : فرهنگ اردبیل، جمال‌الدین صفوی، «گوشه‌ای از تاریخ ایران»، شماره ۱، سال ۱۳۲۸.
- ۲- نشریه : تماشای زندگی، یوسف معماری، گنجینه تاراج شده بقعه شیخ صفی، شماره‌های ۹، ۱۰، ۱۱، دی، بهمن، اسفند، ۱۳۷۲.
- ۳- مجله بررسیهای تاریخی، داریوش به آذین، مقاله اردبیل، شماره ۴، سال یازدهم، ۱۳۶۵.
- ۴- مجله سیلان، حبیب شهبازی شیران، مجموعه بقعه شیخ صفی و شناخت آن، شماره سوم و چهارم و ششم و هفتم.
- ۵- مجله نشر دانش، جمشید کیانفر، تاراج یا امانت، سال ۱۳، شماره ۶.
- ۶- کیهان فرهنگی، میرهدایت حصاری، سرنوشت ملال‌انگیز کتابخانه تاریخی اردبیل، سال سوم، شماره دهم، دی ماه، شماره پیاپی ۳۴، ۱۳۶۵.
- ۷- مجله نشر دانش، ایرج افشار، عرض کتابخانه خانقاه اردبیل، سال ۱۴، شماره ۱ و ۲.
- ۸- مجله سیمرغ، شهریار ضرغام، گنجینه بقعه شیخ صفی الدین، شماره ۱۲ و ۱۳.
- ۹- نشریه تماشای زندگی، دکتر سجادیه، ریشه و واژه اردبیل، شماره ۷ و ۸، ۱۳۷۲.
- ۱۰- نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، محمدتقی دانش پژوهش، فهرست نسخه‌های خطی، ج ۲.

A summary content of "Ardabil in Safavi's time"

The Islam history has been the witness of regrettable and tragic events. In such a way that killing the shiite was performed in custom and rule among the oppressive governors for a long time. This was until a group established a govern called shiite in one of the most important centers of Iran. Since then the shiite feel security in some extent. So this trend be came a background to found the shiite's goverment in Iran named Safavi whose center of the goverment was in Ardabil. In other words and according to Dr.Mir Hamidi, the author of Religion and Governing. Ardabil had been the first center of Safavi's government in Iran then.

On the whole Safavi's government had been made up on religious ideas and thoughts and since that time it was developed and extended is such a way that inless courses of Iran history it had reached that level in so little time.

In this way the religious notion which Sheikh Safeiaddineh Ardabili hased in the seventh century and by his followers, specially Joneid and Heidar who had strengthen it, was a support to Esmael's activities, the Safavi founder. about 2 centuries later.

So in this thesis, it has been attempted all the main sources and the witness's writings containing the historian and writer's ones and also the

European's itineraries and reports which were of political officials, religion preachers and tourists who visited Ardabil, are surveyed. On the whole, this research reminds the honorable readers of collective information which Safavi's conditions had in historical city of Ardabil. So that by studying this research, many of the passive problems left since then are clear in reader's mind.

Incidentally, in this thesis before anything thirteen main sources about Ardabil in Safavi's time has been swveyed. Farther more, by considering the main sources and origions of this course the research has been divided into 5 sections and one conclusion.

In the first chapter of this research a general view has been made to Ardabil, its origion literal, geographic situation and historical geophy. It has tried to pay a collective point to tales and stories brought to this holy city in ancient books and how it had been established.

The second chapter of this investigation take views to social, cultural, religious and economical conditions being common in this historical city in Safavi's time, including the first rising of Safavieh in Ardabil, education, customs and soon. It has been made attempts to give good information about the mentioned axis asfer as possible.

In the third chapter of this research. it has been perfectly Pointed to the historian's and tourist's points of view who then visited this holy city, and as well as all the works and writings left fron them about Ardabil

have been considered and studied. Some of them are Oulearous, Khandmir, Petero Delaveleh and so on.

The fourth chapter of this research notices the scientists, authors and poets who have lived in Ardabil. In this section it has been pointed to their living, sample of their work and style they used.

The fifth chapter is the end one which pays to surveying the works, historical-monuments left from this range of kingdom in Ardabil. These monumnets and buildings have been studied in separate ways. Some of them are Sheikh Safiaddin's collection, shrines, bathrooms, bridges, markets and the gates of Ardabil that existed in Safavi's time.

At the end, this research has a general conclusion about safavieh so that the relitious factors of the city closely related to that period.

Rauf Musavy - Tir 1377

